

چیستان و معما



محمد تقی صرفی پور



چیستان ها و معماها!

چطور می شود چهار نفر زیر یک چتر به ایستند و خیس نشوند؟ وقتی هوا آفتابی باشد این کار را انجام دهند!

چرا لک لک موقع خواب یک پایش را بالا می گیرد؟ چون اگر هر دو را بگیرد، می افتد

!شبهت دماسنج و ورقه امتحانی چیست؟ وقتی که هر دو به صفر برسند، آدم می لرزد

چرا همه می گویند: «عرضی ندارم» و به جای آن نمی گویند: «طولی ندارم»؟ اگر بخواهم جوابش را خدمتتان «عرض» کنم 2 ساعت «طول» می کشد

!

چرا قبل از اینکه لقمه به دهان برسد، دهان باز می شود؟ چون درست نیست چنین میهمان عزیزی پشت در بماند

01-07-2010, 00:37

!«فیل سیاه» را چه جوری می کشند؟ با «تفنگ فیل سیاه کش»

!«فیل قرمز» را چه جوری می کشند؟ با «تفنگ فیل قرمز کش»

فیل سفید» را چه جوری با «تفنگ فیل قرمز کش» می کشند؟ کاری می کنند که «فیل سفید» خجالت «
!بکشد و سرخ بشه بعد اونو با «تفنگ فیل قرمز کش» می کشنش

فیل سفید» را چه جوری با «تفنگ فیل سیاه کش» می کشند؟ کاری می کنند که «فیل سفید» از «
!خفگی سیاه بشه بعد اونو با «تفنگ فیل سیاه کش» می کشنش

.

.آن چیست که به بزرگی فیل است ولی وزن ندارد؟ سایه فیل

فرض کنید راننده اتوبوس برقی اید. در ایستگاه اول 6 نفر وارد اتوبوس می شوند ، در ایستگاه - 1
دوم 3 نفر بیرون می روند و 5 نفر سوار می شوند. راننده چند سال دارد؟

پنج کلاغ روی درختی نشسته اند ، 3 تا از آنها در شرف پروازند ، حال چه تعداد کلاغ روی -2
درخت باقی می ماند؟

شيب يك طرف پشت بام شيرواني شكلي ، 60 درجه و طرف ديگر 30 درجه است ، خروسي 3-
روي اين پشت بام تخم گذاشته است. تخم به کدام سمت پرت ميشود؟

اين سوال حقيقي است. هواپيمايي از ايران به سمت تركيه در حركت است و در مرز اين دو 4-
سقوط مي كند ، بازمانده ها را كجا دفن مي كنند؟

من دو سكه به شما مي دهم كه مجموعش 30 تومان مي شود ، اما يكي از آنها نبايد 25 5-
توماني باشد چطور؟

جواب سوال 1: راننده اتوبوس هم سن شما بايد باشد؛ چون جمله ي اول پرسش مي گويد : تصور
كنيد راننده ي اتوبوسيد

جواب سوال 2 : همه كلاغ ها ، چون آنها فقط در شرف پروازند و هنوز از روي درخت بلند نشده
اند.

جواب سوال 3: هيچ کدام. خروس ها كه تخم نمي گذارند. اگر شما سعي كرده ايد پاسخ را از راه
محاسبات و مقايسه ي اعداد به دست بياويد ، شما دوباره با اعداد منحرف شده ايد

جواب سوال 4: بازمانده ها را دفن نمي كنند . آنها جان سالم به در برده اند. شما با كلمات حقيقي و

دفع کردن منحرف شده اید

جواب سوال 5: یک 25 تومانی و یک 5 تومانی. به یاد بیاورید که فقط یکی از آنها نباید 25 تومانی باشد و همین طور هم هست. یک سکه 5 تومانی داریم. شما با عبارت یکی از آنها نباید فریب خورده اید

آن چیست که یکی است و همیشه با تو است؟ - 1

عجایب جنگل بی پایه دیدم، عجایب چادر بی سایه دیدم، - 2
بدیدم صنعت پروردگارم، دوتا سوداگر بی مایه دیدم

عجایب صنعتی دیدم در این دشت، درخت پرگلی بی سایه میگشت؟ - 3

آن چیست که از میان آب می گذرد، ولی خیس نمی شود؟ - 4

آن چیست که نمیتوانید بینیدش، یا بچشیدش، یا با دستتان لمسش بکنید، ولی برای همه تان لازم - 5
است و همه جا هست؟

خدا - 1

آسمان و خورشید و ماه -2

آسمان پرستاره -3

نور -4

هوا -5

آن جسم عجب چیست که بر چرخ پدید است - 6

که پرده ماه است و گهی حاجب شید است؟

نه دست دارد، نه پا دارد، از همه جا خبر دارد -7

آن چیست که تا آسمان نگرید، اشکش روان نمی شود؟ -8

آن چیست که نه دست دارد و نه پا، در همه جای زمین است و نمی رود به هیچ جا؟ -9

آن چیست که نه دست دارد، نه پا، نه استخوان دارد، نه گوشت، ولی همیشه راه میرود و و هیچ -10

وقت هم خسته نمی شود؟

ابر -6

7- باد

8- باران

9- خاک

10- آب جوی و رود

11- آن چیست که خودش آب، دشمنش آب؟

12- آن کدام دوبرادرند که در زیر یک کوه زندگی میکنند، و هیچ وقت خانه یکدیگر را نمی بینند؟

13- آن کدام شب تاریک است که در میان روز دیده میشود؟

14- !این سر کوه، آرّه آرّه آن سر کوه، آرّه آرّه میان کوه، گوشت بره

*

11- یخ

چشمها - 12

سیاهی چشم - 13

دندانها و زبان - 14

از اینجا تا به شوشتر همه ش خونِ کبوتر

گل سرخ

از دور دیدم ماه را از دل کشیدم آه را

آن ترک تیر انداز را برهم زده شیراز را

کبریت

اطلس سبز و سرخ پوشیده، در میان دو کاسه چوبین، نو عروسی به ناز خوابیده

پسته

اولم آخر پلنگ است که زیبا وقتِ جنگ است دومم آخر شیر است
که بر جنگل امیر است سومم میان ببر است چو توفان و چو ابر است آخرم آخر گربه است ولی مایه
خنده است

با بچه ها همبازیم چه نازیم، چه نازیم مَشَشَنگم و قشَنگم که خیلی شوخ و شنگم
گربه

اولم اول زمستان، آخرم آخر باغ دومم رفته زمستان، آمده میان باغ

زاغ
گنبد سبز چمنی، توش گلِ سرخِ یمنی، چشمه آبش را بین، شطُّ فِراتش را بین
هندوانه

دو دکان پنج خریدار لَنگِشو بگیر، بزن به دیوار

گرفتن اب بینی با دست

صندوق چوبی، پر از روغن کوهی

گردو

بافتم و بافتم، پشت کو انداختم

گیس

یوز پلنگ بی دُم، نه جو خورده نه گندم، گشت زند بیابان، نفع دهد به مردم

زنبور عسل

شوهر کردن دختر پادشاه-1

دختر پادشاهی از پدر خود میخواهد، که او را تنها به کسی شوهر دهد که بتواند به پرسشهای منظوم او پاسخ گوید، بزرگان و امیرزادگان، همه از پاسخ گفتن درمی مانند و سرخود رادر این راه برباد میدهند. تا آنکه دلاک کچلی در پاسخگویی به پرسشهای دختر پادشاه توفیق حاصل می کند. پرسشهای آن دختر چنین بود: من اگر آهوی شده به کوهها بگریزم، چه می کنی؟ 2- من اگر مستی دانه شده، بر زمین ریختم، چه می کنی؟ 3- من اگر گلی شده بر کوهها رُستم، چه می کنی؟ 4- من اگر سیبی شده به درون صندوقی رفتم، چه می کنی؟ پاسخ آن دلاک کچل چه بود؟

خویشاوندی-2

دو مرد نسبت به هم، دایی و خواهر زاده اند. یعنی اولی دایی دومی و خواهر زاده اوست، دومی نیز دایی اولی و خواهرزاده وی می باشد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

جهانگردی-3

جهانگردی توسط قبیله ای وحشی شد. اما به او اجازه داده شد تا جمله ای بگوید. ولی بدین شرط که اگر جمله او صحت داشته باشد او را در روغن جوشان بسوزانند و اگر غلط باشد، با تیرزهر آگین مورد هدف قرار دهند. جهانگرد هوشیار با کمی فکر پاسخ داد که موجب نجات او از مرگ شد. به نظر شما پاسخ او چه بود؟

: پاسخ ها

دلاک کچل نیز پرسشهایی مطرح کرد که این پرسشها در حقیقت، پاسخ پرسشهای آن دختر بود. 1- او پرسید 1- اگر من سگی شده آهو را گریزاندم، چه می کنی؟ 2- اگر من خروسی شده دانه ها را برچیدم چه می کنی؟ 3- اگر من باغبان خردسالی شده، گل را چیدم، چه می کنی؟ 4- اگر من دامادی شده، سیب را خوردم و بدن ترا در آغوش گرفتم چه می کنی؟ همینکه پسرک دلاک این جمله را برزبان راند، دختر پادشاه فریادی کشیده و گفت: آی دایه ها، معمای مرا پیدا کردند و او را به پسر دلاک دادند

هر چند که این نوع خویشاوندی به ندرت اتفاق می افتد، ولی غیر ممکن نیست. دو مرد را در 2- نظر می گیریم که زنشان فوت کرده و هر کدام یک دختر دارند. اولی دختر دومی را به عقد خود در یکدیگر و در عین حال داماد اولی را به زنی می گیرد و آن دو پدر زن می آورد و دومی نیز دختر

هم محسوب می شوند. هر کدام از آنها صاحب پسری می شوند. اگر کمی فکر کنیم، متوجه خواهیم شد که هر یک از این دو پسر نسبت به دیگری هم دایی محسوب می شوند و هم خواهر زاده

پاسخ داد: «با تیر زهر آگین مورد هدف قرار می گیرم» و بدین ترتیب از مرگ رهایی یافت -3

معمای بیل گیتس

این معما را بیل گیتس در سال 2002 طراحی کرد تا از بین 100 مهندس یکی را برای شرکتش انتخاب کند. حال بفرمایید که هر کلید کدام چراغ را روشن می کند؟
دو اتاق در مجاورت هم قرار دارند. هر کدام یک در دارند ولی هیچکدام پنجره ندارند. درهایشان که بسته باشد درون اتاقها کاملا تاریک است. در یک اتاق سه چراغ برق به توانهای ۱۰۰، ۱۱۰ و ۱۲۰ وات و در اتاق دیگر سه کلید برق مثل هم وجود دارد. ما نمیدانیم کدام کلید کدام چراغ را روشن میکند (مثلا نمیدانیم آیا کلید وسطی مربوط است به چراغ وسطی یا به چراغهای دیگر اما بطور قطع میدانیم که هر کدام از کلید ها یکی از چراغها را روشن میکند. همچنین ترتیب چراغها را هم نمیدانیم). شما معلوم کنید که هر کلید مربوط به کدام چراغ است. برای اینکار و در شروع، شما باید در اتاق کلیدها باشید و کار را از آنجا شروع کنید. شما میتوانید هر چند مرتبه که بخواهید کلیدها را روشن و خاموش کنید. اما شما تنها هستید و نمیتوانید از کسی کمک بگیرید و هیچگونه وسیله ای هم خواه برقی خواه غیر برقی به همراه ندارید و مهمتر از همه اینکه شما حق ندارید بیش از یکبار وارد اتاق . چراغها شوید و وقتی که وارد شدید و بیرون آمدید، دیگر نمیتوانید مجددا وارد آن اتاق بشوید

: جواب

یکی از کلید ها را روشن کنید و یکی دو دقیقه بعد آنرا خاموش نمایید. حالا کلید دیگری را روشن کنید و به اتاق چراغها بروید. چراغی که روشن است مربوط است به کلید دوم. دو چراغ دیگر را

لمس کنید، آنکه گرم است مربوط است به کلید اول و البته آنکه سرد است مربوط است به کلید سوم است.

اگر شما نتوانستید این معما را حل کنید یقیناً به این دلیل بوده است که به فیزیک معما که همانا حرارت تولید شده در چراغها است توجه نداشتید و فکر خود را متمرکز بر تناظر چراغها و کلیدها نمودید، راه حلی که هرگز شما را به جواب نخواهد رساند.

توان چراغها هم هیچ ربطی به حل معما ندارد. آنها را فقط برای گمراه کردن شما در معما گنجانده شده است.

زنی را در خیابان دیدم که پسر بچه ای را به دنبال داشت. از او پرسیدم: این پسر با توجه نسبتی - 1 دارد؟ گفت: «او پسرِ پسرِ من است، برادر شوهرم»، چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان: تنها در صورتی ممکن است که دو دوست، هر یک با مادر شوهر مرده یا مطلقه دیگری ازدواج کنند و هر یک از آن مادران پسری دنیا آورند. این پسر برای زن دیگر، حکم پسرِ پسر و برادرِ شوهر را دارد

از میان تعدادی زن و مرد برهنه، چگونه می توان آدم و حوا را شناخت؟ - 2

: جواب چیستان

آدم و حوا ناف ندارند. زیرا آنان از شکم مادر متولد نشده اند که نیازی به بند ناف و ناف داشته باشند! آدم از بهشت آمد و حوا نیز از پهلوی آدم خلق شده است

شخصی تخم مرغ را دانه ای 70 ریال خرید و دانه ای 50 ریال فروخت و سرانجام میلیونر - 3

شد! چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : او نخست میلیارد در بود، اما در اثر زیانهای پی در پی بخشی از دارائیش را از دست داده و میلیونر شد

حکم اعدام متهمی را صادر می کنند و مضمون «بخشش لازم نیست، اعدامش کنید.» را به - 4
امضاء، دادستان می رسانند. پس از امضاء دادستان، مأمور اجرای حکم، با تغییری در مضمون، جمله را
به صورتی در می آورد که جلو اعدام متهم را می گیرد، او چه تغییری در جمله بوجود می آورد؟

جواب چیستان : مأمور ویرگول را از جلو کلمه «نیست» بر می دارد و جلو کلمه «بخشش» می گذارد،
»بدین ترتیب: «بخشش، لازم نیست اعدامش کنید

این عبارت را درست بخوانید: گندم فروشا، ارزن آمد نخود آمد ماش فرستادیم برنجش مده، - 5
»برنجش بده

جواب چیستان : عبارت اینگونه خوانده می شود: «گندم فروشا، ار، زنی آمد، نه خود آمد ماش (ما او
»را) فرستادیم، به رنجش مده، برنجش بده

h-m-b-a-a4-b-r: عبارت زیر را بخوانید - 6

»جواب چیستان : عبارت مزبور چنین خوانده می شود: «هاشم بیا آچار بیا

می دانیم که در بهشت هر چه بخورند دفع نمی شود، در جهان مادی کدامیک از مثالها و - 7
شواهد را می توان یافت که با آن امر همسان باشد؟

جواب چیستان : بچه در شکم مادر

منظور از «کانت واز بود» چیست؟ - 8

: جواب چیستان

یعنی: «بود، بود، بود» زیرا «کانت» در عربی به معنی «بود» و «واز» در زبان انگلیسی به معنی «بود» و بود
نیز در زبان پارسی به معنی بود است

شخصی برای نخستین بار سوار یک خودروی «فولکس واگون» شد و بسوی شهری حرکت - 9
کرد، درمیان راه خودروی او خراب شد ناچار ماشین را به کنار جاده هدایت کرد و کاپوت ماشین را
بالا زد، ولی با کمال تعجب دید نه از موتور خبری هست، نه از سیلندر و نه چیز دیگر چطور چنین
چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : زیرا موتور فولکس واگن در عقب آنست نه در جلو

چراغ راهنمایی و رانندگی که روبروی خیابان است قرمز است، افسر راهنمایی هم در آنجا - 10
ایستاده است، با اینحال راننده ای از چراغ قرمز می گذرد و کسی مزاحم او نمی شود. چطور چنین
چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : آن راننده پیاده بوده است، بنابراین افسر راهنمایی کاری باو ندارد

GORJI

در اتفاقی یک زن و شوهر نشسته اند. یکنفر هم در حال خواندن نماز است، نفر چهارم هم روزه دارد. به ناگهان مردی از در وارد می شود، با وارد شدن او، این زن و شوهر به هم حرام می شوند. نماز آن شخص و روزه نفر چهارم هم باطل می گردد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : مردی که ناگهان وارد می شود، شوهر پیشین آن زن بوده که بیش از چهار سال بدون اطلاع او را ترک گفته و از خود خبری به جای نگذاشته است. بنابراین، آن زن پس از گذشت چهار سال انتظار، بتصور اینکه شوهرش از دنیا رفته، با اجازه حاکم شرع طلاق می گیرد و با مرد دومی ازدواج می کند و از میراث باقیمانده شوهرش، سهمی در اختیار کسی می گذارد تا برایش نماز بخواند، پولی نیز به نفر چهارم می دهد تا برای او روزه بگیرد. پس از بازگشت او، شوهر دوم به او حرام می شود و چون آدم زنده و کیل و وصی نمی خواهد، روزه و نماز آندو نیز باطل می گردد

آدریش، خداداده سه تا میش. یکی شیرش حلال و گوشتش حرام، یکی گوشتش حلال و - 12
شیرش حرام و سومی هم گوشتش حرام، هم شیرش

: جواب چیستان

اولی مادر است که شیرش حلال و گوشتش حرام است، دومی همسر است که گوشتش حلال و شیرش برای شوهر حرام است و سومی خواهر است که هم شیرش برای برادر حرام است و هم گوشتش

!آمد و رفت، آمد و نرفت، زائید و نمرد، نزائید و مرد - 13

جواب چیستان: آنکه آمد و رفت «عُمر» است، آنکه آمد و نرفت، «تجربه» و «قرآن» است. آنکه زائید و نمرد، «حضرت مهدی عج» و حضرت خضر هستند نزائید و مرد، حضرت آدم است

جملات زیر، مصداق چه حکایتی هستند؟ «برو، اگر نیامده، بگو بیاید. رفتم، نیامده بود، - 14 ». گفتم: بیاید، چرا نیامد؟ حتماً آمده که نیامده است. اگر نیامده بود می آمد

جواب چیستان: سه نفر دزد هستند که یکی از آنان در کوچه کشیک می کشد و دو نفرشان از دیوار خانه بالا می روند و وارد خانه می شوند. یکی از آنان در صندوقخانه مشغول جمع آوری اثاث است و دومی مشغول انتقال اثاث به خیابان، آنکه کشیک می دهد، به دزد دوم می گوید: برو، اگر صاحبخانه نیامده بود، بگو دزد سوم بیاید. دزد دومی می گوید: «رفتم نیامده بود، گفتم بیاید» کشیک دهنده می گوید: «پس چرا نیامد؟ حتماً (صاحبخانه) آمده که (دزد سوم) نیامده است! اگر (صاحبخانه) نیامده
»! بود، (دزد سوم) می آمد

شخصی در یک اتاق به ابعاد 5×20×20 متر، خودش را با یک ریسمان دومتری از سقف - 15

آویزان می کند و دار می زند. وقتی به در اتاق او می آیند و می بینند از او صدایی شنیده نمی شود، نگران می شوند و در را می شکنند با کمال تعجب می بینند، او از سقف خودش را دار زده است و در اتاق را از درون قفل کرده و کلید را در جیبش گذاشته است. با اینکه میز، صندلی، نردبام یا چیز

دیگری در اتاق نبوده است، او چگونه خود را دار زده است؟

جواب چیستان : پیش از خودکشی، تعدادی قالب یخ به درون اتاق می آورد، آنها را روی هم و زیر پا می گذارد و با استفاده از آنها طناب را به سقف وصل می کند و به گردن خود می اندازد. آنگاه یخها کم کم آب می شوند و از پایین در اتاق به بیرون تراوش می کنند بطوریکه هنگام حضور دیگران اثری از یخها نبوده و همین امر موجبات شگفتی آنان را فراهم می سازد

GORJI

01-07-2010, 11:39

شخصی چگونه – بدون استفاده از هواپیما – خود را دو ساعته به مشهد می رساند؟ - 16

جواب چیستان : آن شخص از ماشین یا قطار یا وسیله دیگری (غیر از هواپیما) برای سفر استفاده می کند، در حالیکه دو ساعت به میچ خود بسته یا در جیب خود گذاشته بود

حضرت آدم و حوا شش چیز در بهشت آوردند که هر یک از آنها منشأ چیزی شد، آن شش - 17
چیز کدامند؟

جواب چیستان : عصای موسی (ع) 2- انگشتر حضرت سلیمان (ع) 3- چهار برگ درخت که با آن حضرت آدم و حوا ستر عورت کرده بودند. یکی از برگها را آهوی ختن خورد که از آن مشک به عمل آمد. برگ دوم را گاو دریایی خورد که از آن عنبر بدست آمد. سومین برگ را کرم خورد که ابریشم از اوست و چهارمین برگ را زنبور خورد که عسل حاصل آنست

کسانیکه رَحِم مادر را ندیده اند 9 نفرند، آن 9 نفر چه کسانی هستند؟ - 18

جواب چیستان : 1- حضرت آدم (ع) 2- حضرت حوا 3- گوسفند ابراهیم (ع) 4- عصای موسی (ع) 5- خفاشی که حضرت عیسی (ع) ساخت 6- نافه صالح 7- بنا به قولی، ماری که شیطان را وارد بهشت کرد 8- کلاغی که کفن هابیل را به قابیل داد 9- شیطان لعین

اکنون چهار تن از پیامبران زنده هستند، آن چهارتن کدامند؟ - 19

جواب چیستان : 1- حضرت خضر 2- حضرت الیاس که در زمین است 3- حضرت ادریس 4- حضرت عیسی که در آسمان است

از حضرت علی (ع) پرسیدند - 20

واجب و واجتر چیست؟

نزدیک و نزدیکتر کدامند؟

عجیب و عجیب تر چیست؟

سخت و سخت تر چیست؟

اگر شما بودید چه جوابی می دادید؟ حضرت علی چه جوابی داد؟

جواب چیستان : حضرت علی (ع) فرمود: 1- واجب اطاعت از خدا و واجتر از آن ترک گناه است 2- نزدیک قیامت و نزدیکتر از آن مرگ است 3- عجیب دنیا و عجیب تر از آن محبت دنیا است 4- سخت قبر است و از آن سخت تر، دست خالی به قبر رفتن است

01-07-2010, 11:50

فرض کنید در جایی گرفتار شده اید به شما میگویند یک جمله بگو اگر راست باشد کباب -1

خواهی شد و اگر دروغ باشد آب پز خواهی شد. چه جمله ای خواهید گفت؟

به جای هر یک از حروف چه عددی قرار دهیم تا عمل تساوی برقرار باشد؟-2

$$Dcba = 4 * abcd$$

یک شخص کر و لال میخواهد مسواک بخرد. با در آوردن ادای مسواک زدن، خواسته اش را به -3

فروشنده می فهماند و موفق به خرید مسواک میشود. در همین حال شخص کوری وارد مغازه شده و

میخواهد عینک آفتابی بخرد او چگونه باید فروشنده را متوجه منظور خود کند؟

در یک کیسه تعدادی گوی داریم اگر 2 تا 2 برداریم یکی اضافه میماند. 3 تا 3 برداریم یکی -4

اضافه میماند 4 تا 4 برداریم یکی اضافه میماند 5 تا 5 برداریم یکی اضافه میماند 6 تا 6 برداریم یکی

اضافه میماند ولی اگر 7 تا 7 برداریم چیزی اضافه نمی ماند چند گوی در کیسه وجود داشته است ؟

چه تعداد از هر نوع حیوان به داخل کشتی موسی برده شد ؟-5

: جواب ها

1-

فقط دو جمله میتوان گفت : من کباب نمی شوم من آب پز میشم

2-

$$8712 = 4 * 2178$$

3-

. شخص کور لال که نیست پس به فروشنده می گوید عینک آفتابی میخواهم

4-

. تعداد گوی ها 721 عدد می باشد

5-

. حضرت موسی کشتی نداشته است

GORJI

01-07-2010, 12:04

کیوان به مهمانی رفت. او می دانست دعوت شدگان به مهمانی بر دو گروهند: راستگو و دروغگو. اما هیچیک از آنان را نمی شناخت. از مردی پرسید: دروغگو هستی یا راستگو؟ کیوان پاسخ آن مرد را گرفت. پس از دو نفر دیگر پرسید که آن مرد چه پاسخی داد. یکی از آنان گفت که او دروغگوست و دیگری پاسخ داد که او راستگوست. کیوان از پاسخ این دو نفر فهمید که کدامیک از این دو نفر راستگو و کدامیک دروغگو هستند. او چگونه فهمید؟

جواب چیستان : کسی که گفته بود : «او گفت که دروغگوست» دروغگو بوده است. زیرا هیچکس نمی گوید: من دروغگو هستم. در ضمن گوینده برای راستگو جلو دادن خود، سعی می کرده دیگران را دروغگو قلمداد کند و آنکه گفته «او گفت که راستگوست» خودش راستگو بوده است

سه نفر سیاهپوست و سه نفر سفید پوست می خواهند با قایقی که بیش از دو نفر گنجایش ندارد از رودخانه ای بگذرند. سفیدپوستها رانندگی قایق را بلدند اما یکی از سیاهپوستها رانندگی قایق را نمی داند. اگر تعداد سیاهپوستها بیش از سفیدپوستها باشد آنها را خواهند خورد. مثلاً نمی توان دو نفر

سیاهپوست و یک سپید پوست راتنها کنار هم گذاشت. اما سپید پوستها آدمخوار نیستند و اگر تعدادشان زیادترا از سیاه پوستها باشد با آنها کاری نخواهد داشت. چگونه می توان این گروه شش نفری را از رودخانه عبود داد، بدون اینکه به هیچیک از آنان آسیبی رسد؟

جواب چیستان : نخست یک نفر سیاهپوست (که قایقرانی بلد نیست) بهمراه یک سپید پوست به آنسوی رودخانه می روند. سیاهپوست آنطرف رودخانه می ماند و سفیدپوست قایق را بر می گرداند. بار دوم یک سیاه پوست و یک سفید به آنسوی رودخانه می روند سیاه پوست پیاده می شود و سفید پوست بر می گردد. بار سوم باز هم یکنفر سپیدپوست بهمراه یک سیاه پوست به آنسوی آب می رود، سیاه پیاده می شود و سفید قایق را بر می گرداند، بار سوم دو سفید پوست قایق را به آنسوی رودخانه می برند هر دو پیاده می شوند و یکی از سیاهپوستها قایق را بر می گرداند و برای چهارمین بار یک سیاهپوست و یک سفید پوست باقیمانده به آنسوی رودخانه می روند و باین ترتیب به هیچیک از آنان آسیبی نمی رسد

جملات زیر را درست بخوانید: «زنی زنی زنی زنی خوشش آمد» ، «سربازی سربازی سربازی سربازی»
«را کُشت

جواب چیستان : جملات مزبور اینگونه خوانده می شوند: «زنی زنی زنی زنی خوشش آمد» « سربازی سربازی سربازی، سربازی را کشت

شخصی مدت هفت شب در مهمانخانه ای منزل می کند و چون پول نقد برای پرداختِ کرایه مهمانخانه را ندارد، قرار می گذارد از هفت حلقه بهم پیوسته طلا که بهمراه دارد، هر شب یکی از آنها را به جای کرایه به مهمانخانه دار پردازد. اما می خواهد بیش از یکبار آن حلقه ها را از هم

نگسلد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : نخست حلقه سوم را پاره می کند و شب اول آنرا به مهمانخانه دار می دهد. شب دوم حلقه اول و دوم را که بهم پیوسته بود به او می دهد و حلقه سوم را می گیرد. شب سوم، حلقه سوم را که ابتدا جدا کرده بود به مهمانخانه دار می دهد که جمعاً سه حلقه می شود. شب چهارم، چهار حلقه بهم پیوسته را در اختیار صاحب مهمانخانه می گذارد و دو حلقه بهم پیوسته و یک حلقه جدا (حلقه سوم) را می گیرد. در شب پنجم، حلقه سوم را به مهمانخانه دار می دهد. شب ششم حلقه سوم را می گیرد و حلقه های دوتایی را باو می دهد و در شب هفتم، حلقه تکی را هم بوی تحویل می دهد و بدین ترتیب، تنها با یکبار گسستن حلقه ها، کار را به نتیجه می رساند

منظور از «خروس بیوه» چیست؟

جواب چیستان : منظور از خروس بیوه همان «خرس» است، زیرا خروس بی «و» یعنی بدون واو خرس می شود

GORJI

01-07-2010, 12:08

شخصی در حین خواندن نماز میت، به هنگام سجده، ناگهان سرش به لبه تابوت می خورد پیشانیش می شکند و خون پیشانی او به کفن مرده غسل داده شده می خورد و آنرا نجس می کند. حالا این سوال پیش می آید که آیا باید مرده را دوباره غسل داد یا باید کفنش را عوض کرد یا چاره دیگری اندیشید؟

جواب چیستان : هیچکدام، زیرا نماز میت اصلاً سجده ندارد تا چنین اتفاقی بیفتد

خداوند متعال چه میخورد، چه می پوشد و چقدر توانایی دارد؟

جواب چیستان : خداوند متعال غم بندگانش را می خورد، عیب آنان را می پوشد و قدرتش بی
انتهاست

منظور از جمله «شیخ الحديد مال جديد الاصم شما بود» چیست؟

جواب چیستان : با توجه به اینکه معنی شیخ «پیر» و معنی حدید «آهن» و معنی جدید «نو» و معنی اصم
«گر» است، پس معنی جمله مزبور چنین می شود: «پیراهن مال نوکر شما بود

منظور از عبارت شوخی وار «اوری بادی خربا بوزه ایتینگ گنه پا لَرزِشَم سی تینگ گنه» چیست؟

جواب چیستان : می دانیم «اوری بادی» به زبان انگلیسی بمعنی «هرکس» ، «ایتینگ» بع معنی «خوردن»
و «سیتینگ» به معنی «نشستن» است. پس با این ترتیب، عبارت فوق مرادف ضرب المثل معروف
فارسی «هر که خربزه بخورد باید پای لَرزش بنشیند» می باشد

از شخصی خواستند خودش را معرفی کند، این شخص شکسته نفسی کرده، خودش را کوچکتر از

آنچه بود معرفی کرد و گفت: من «میرزا نیم من بوق بن پشم اندر پانزده» هستم! نام او چه بوده است؟

جواب چیستان : می دانیم بزرگتر از «میرزا» ، «آقا» و بزرگتر از «نیم من» ، « من» و بزرگتر از «بوق» ، «صور» و بزرگتر از «ابن» ، «پدر» و بلندتر از «پشم» ، «مو» و بزرگتر از «پانزده» ، «سی» است. پس با آن ترتیب. نام شخص مزبور این بوده است: «آقا من صور پدرموسی» یا به عبارتی «آقا منصور پدر»
»موسی

GORJI

01-07-2010, 12:11

آن چیست که با اینکه سه تاست، یکی است و با اینکه یکی است سه تاست

جواب چیستان : تثلیث مسیحیت یعنی «اب» و «ابن» و «روح القدس» است که هر سه در حقیقت یکی هستند و مراد از یکی سه تاست

آن چیست که پر و خالیش یک وزن دارد؟

جواب چیستان : نوار کاست و ویدئو

من یک سگه کوچک را در چاهی عمیق می اندازم، آنگاه در عرض یک دقیقه می روم در می آورم، چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : من که ادعا نکردم می روم سگه را از چاه در می آورم بلکه گفتم: در عرض یک

دقیقه می روم «در» می آورم. بنابراین مراد از «در» اینجا در اتاق یا راهرو و امثال آنست

رضا از طبقه دهم ساختمانی به زمین افتاد ولی نمرود. چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان: زیرا گفتیم رضا از طبقه دهم ساختمانی به زمین افتاد «ولی» نمرود. چون «ولی» که از ساختمان بزمین نیفتاده است تا بمیرد

یکنفر اهل منطق به شهری وارد شد و تصمیم گرفت نزد سلمانی برود و سروصورتش را اصلاح کند. آن شهر دو سلمانی بیشتر نداشت. وقتی مرد بسراغ نخستین سلمانی رفت، او را با سروصورتی آشفته و پرپشت و موهای ژولیده و نامرتب و هنگامی که به سراغ دومین سلمانی رفت، او را با موهای بسیار مرتب و ریشی تراشیده یافت. لذا تصمیم گرفت نزد نخستین سلمانی برود و سروصورتش را بپیراید. چرا او چنین تصمیمی گرفت؟

جواب چیستان: زیرا با نگاه کردن به موهای نخستین سلمان، فهمید او توسط دومین سلمانی که مردی ناشی بوده سلمانی شده است؛ اما سلمانی دوم که موهای مرتب و منظم داشته، توسط سلمانی اول اصلاح شده است. بنابراین تصمیم گرفت نزد نخستین سلمانی برود و چون شنیده بود «سلمانی ها وقتی «بیکار می شوند، سر یکدیگر را اصلاح می کنند

GORJI

01-07-2010, 12:19

چرا شکارچی به هنگام شکار، یک چشمش را می بندد؟

جواب چیستان : زیرا اگر دو چشمش را ببندد، جایی و کسی را نخواهد دید و قادر به شکار نخواهد بود

جزایر «لانگرهانس» در کجا هستند؟

جواب چیستان : در لوزالمعده آدمی

وجه تشابه «سنگک سوخته» ، «آدم غرق شده» و «زن آبستن» چیست؟

جواب چیستان : وجه تشابه آنها این است که هر سه، در نتیجه دیر بیرون آوردن بدین روز افتاده اند. سنگک در اثر دیر بیرون آوردن از تنور سوخته شد، غریق در اثر دیر بیرون آوردن از آب غرق شده و همینطور زن آبستن

زندانی دارای دو در است، یکی در آزادی و دیگری درِ اعدام. این زندان دارای دو زندانبان است که یکی از آنها راستگو و دیگری دروغگوست. خودِ زندانبانان همدیگر را به خوبی می شناسند. در این زندان مردی محبوس است که نمی داند کدامیک از زندانبانان راستگو، و کدامیک دروغگو است؟ به او اجازه می دهند، از هر یک از زندانبانان که دلش می خواهد سؤالی بکند و از پاسخ طرف مقابل

بفهمد در آزادی کدام است تا از آن خارج شود. پرسشی که او باید بکند تا به آزادی او بینجامد چیست؟

جواب چیستان : به یکی از دربانها نزدیک شده، از او می پرسد: « آقا، اگر من از دربان دیگر بپرسم که در آزادی کدام است، کدام در را نشان خواهد داد؟ » هر دری را که دربان نشان دهد، می فهمد آن در، درِ اعدام است لذا برعکس عمل کرده، از در دیگر خارج خواهد شد. چرا؟ علتش آن است که اگر جمله فوق را از دروغگو بپرسد، او چون دروغگوست، بجای درِ آزادی، درِ اعدام را نشان خواهد داد لذا او برعکسش کرده، از در دیگر خارج می شود. و اگر از دربان راستگو بپرسد، چون او راستگوست، عین عبارت دروغِ دروغگو را بیان خواهد کرد و خواهد گفت: اگر از آن شخص (دروغگو) بپرسی فلان در را نشان خواهد داد و چون دروغگو، درِ اعدام را بجای درِ آزادی معرفی خواهد کرد و عین گفته او رانیز راستگو تکرار کرده، مرد محبوس آنرا برعکس نموده از در آزادی خارج خواهد شد

»این جمله را درست بخوانید: « کور مرد شلغم خورد

جواب چیستان : تلفظ درست کلماتِ جمله چنین است: کور مُرد، شَل، غَم خورد

e.h.s.a.n 2000

01-07-2010, 12:25

:معما

در این معما دو اتاق در مجاورت هم داریم که هیچکدام پنجره ندارند ولی هر کدام یک در ورود و خروج دارند. در یکی از اتاقها سه چراغ برق و در اتاق دیگر سه کلید برق مثل هم وجود دارند. ما

•نمیدانیم کدام کلید کدام چراغ را روشن میکند

الف: میتوانید هر چند مرتبه که بخواهید کلیدها را روشن و خاموش کنید

ب: نباید بیش از یک بار وارد اتاقی که چراغها در آن قرار دارند شوید. فقط یک بار می توانید وارد

اتاق چراغها شوید و وقتی بیرون آمدید دیگر نمی توانید به اتاق چراغها برگردید

ج: نباید از کسی کمک بگیرید و هیچ وسیله ای هم در اختیار ندارید

سوال: معلوم کنید که هر کلید کدام چراغ را روشن می کند؟ (مثلا: کلید وسطی لامپ وسط را

روشن می کند یا یکی از دو چراغ کناری را ؟ ، باید معلوم کنید که هر سه کلید مربوط به کدام

چراغها هستند.)

راهنمایی: باید از اتاقی که کلیدها در آن قرار دارند شروع کنید

:جواب معما

اول: سعی کنید خودتان جواب معما را پیدا کنید

:معما

در یک اتاق تاریک 3 (سه) کلاه قرمز و 2 (دو) کلاه آبی قرار داده ایم. 2 (دو) نفر بینا و 1 (یک)

نفر نابینا وارد اتاق می شوند و هر کدام یک کلاه را بر سر می گذارند و از اتاق خارج می شوند.

چون اتاق تاریک بوده است دو نفر بینا نیز مانند فرد نابینا قادر به تشخیص رنگ کلاه خود نیستند.

بیرون از اتاق هر یک فقط به کلاه دیگران نگاه می کنند و درباره رنگ کلاه روی سر خودشان

... قضاوت می کنند

بینای اول: من نمی دانم که کلاه چه رنگی است

بینای دوم: من هم نمی دانم که کلاه چه رنگی است

!! نابینا: من می دانم که کلاهم چه رنگی است

سوال: چطور دو نفر بینا نتوانستند رنگ کلاه روی سر خود را تشخیص دهند ولی فرد نابینا متوجه

!رنگ کلاه خود شد؟

:جواب معما

.اول: سعی کنید خودتان جواب معما را پیدا کنید

:معما

در این معما 100 (صد) جعبه قند داریم که در هر کدام از آنها 100 (صد) جبه قند وجود دارد و

(a-1) گرم است. اگر یکی از جعبه های قند شامل جبه قندهائی به وزن ((a وزن هر جبه قند

را (a-1) گرم باشد ، چگونه می توان با یک بار وزن کردن ، جعبه شامل جبه قندهای دارای وزن

پیدا کرد؟

:جواب معما

.اول: سعی کنید خودتان جواب معما را پیدا کنید

abolfazl13633

01-07-2010, 12:27

خیلی جالب بود مرسی

GORJI

01-07-2010, 13:11

جهانگردی توسط قبیله ای وحشی دستگیر شد. اما به او اجازه داده شد تا جمله ای بگوید. ولی بدین شرط که اگر جمله او صحت داشته باشد او را در روغن جوشان بسوزانند و اگر غلط باشد، با تیرزهر آگین مورد هدف قرار دهند. جهانگرد هوشیار با کمی فکر پاسخ داد که موجب نجات او از مرگ شد. به نظر شما پاسخ او چه بود؟

جواب چیستان: پاسخ داد: «با تیر زهر آگین مورد هدف قرار می گیرم» و بدین ترتیب از مرگ رهایی یافت

دو مرد نسبت به هم، دایی و خواهر زاده اند. یعنی اولی دایی دومی و خواهر زاده اوست، دومی نیز دایی اولی و خواهرزاده وی می باشد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان: هر چند که این نوع خویشاوندی به ندرت اتفاق می افتد، ولی غیر ممکن نیست. دو مرد را در نظر می گیریم که زنشان فوت کرده و هر کدام یک دختر دارند. اولی دختر دومی را به عقد خود در می آورد و دومی نیز دختر اولی را به زنی می گیرد و آن دو پدر زن یکدیگر و در عین حال داماد هم محسوب می شوند. هر کدام از آنها صاحب پسری می شوند. اگر کمی فکر کنیم، متوجه خواهیم شد که هر یک از این دو پسر نسبت به دیگری هم دایی محسوب می شوند و هم خواهر زاده

دختر پادشاهی از پدر خود میخواهد، که او را تنها به کسی شوهر دهد که بتواند به پرسشهای منظوم او پاسخ گوید، بزرگان و امیرزادگان، همه از پاسخ گفتن درمی مانند و سر خود رادر این راه برباد میدهند. تا آنکه دلاک کچلی در پاسخگویی به پرسشهای دختر پادشاه توفیق حاصل می کند.

: پرسشهای آن دختر چنین بود

من اگر آهوی شده به کوهها بگریزم، چه می کنی؟ 2- من اگر مشتی دانه شده، بر زمین ریختم، چه می کنی؟ 3- من اگر گلی شده بر کوهها رُستم، چه می کنی؟ 4- من اگر سیبی شده به درون صندوقی رفتم، چه می کنی؟ پاسخ آن دلاک کچل چه بود؟

جواب چیستان: دلاک کچل نیز پرسشهایی مطرح کرد که این پرسشها در حقیقت، پاسخ پرسشهای آن دختر بود. او پرسید 1- اگر من سگی شده آهو را گریزاندم، چه می کنی؟ 2- اگر من خروسی شده دانه ها را برچیدم چه می کنی؟ 3- اگر من باغبان خردسالی شده، گل را چیدم، چه می کنی؟ 4- اگر من دامادی شده، سیب را خوردم و بدن ترا در آغوش گرفتم چه می کنی؟ همینکه پسرک دلاک این جمله را بر زبان راند، دختر پادشاه فریادی کشیده و گفت: آی دایه ها، معمای مرا پیدا کردند و او را به پسر دلاک دادند

در یک انبار، تعدادی کیسه حبوبات هست که در درون آنها نخود، لوبیا، عدس، ماش، باقلا و ... وجود دارد. در صورتی که نام هیچیک از حبوبات روی کیسه ها نوشته نشده باشد، و علامت مشخصه یا نمونه آنها هم روی کیسه ها نباشد، در کیسه ها نیز باز نباشد تا بدانیم در داخل آنها چیست. و از سوی هیچکدام را در جای مشخصی نگذاشته باشیم تا جای آنها پیدا باشد. اما هرگاه اراده کنیم، می توانیم کیسه محتوی حبوبات مورد نظر خود را از میان کیسه های دیگر جدا کنیم. چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان: کیسه ها نایلونی هستند و با نگاه کردن از بیرون، به راحتی میتوان محتویات درون کیسه ها را تشخیص داد

پاسبانی از کنار خانه ای می گذشت. صدای جیغ و داد و فریادی را شنید. بی اختیار بسوی آن خانه رفت و در را گشود. در همین حال شنید که یکی فریاد می کشد: علی مرا مکش. پاسبان سراسیمه وارد خانه شد و یکراست به سوی اتاقی که از آن سروصدا شنیده می شد رفت. دید جسد خون الودی روی زمین افتاده و پنج نفر دور آن جمع شده اند. با اینکه آلت قتاله ای در دست هیچیک از آنان نبود و نام آنان نیز روی لباسشان نوشته نشده بود و پاسبان هم هیچیک از آن پنج نفر را نمی شناخت، معذک از میان آنان، قاتل را بزودی شناخت او را دستگیر کرده با خود به کلانتری برد. پاسخ دهید پاسبان روی چه قرائنی قاتل را شناخت؟

جواب چیستان : چون مقتول فریاد کشید: «علی مرا مکش» پاسبان حدس زد که قاتل باید مرد باشد، و وقتی وارد اتاق شد، دید پنج نفر دور جسد حلقه زده اند که چهار نفرشان زن و یکی از آنها مرد است. لذا برای او یقین حاصل شد که قاتل باید همان یک نفر مرد باشد

GORJI

01-07-2010, 13:14

خری با بار از روی پلی می گذشت. ناگهان پل خراب شد و خر با بارش به درون رودخانه سقوط کرد، بطوریکه علاوه بر خر بارش نیز خیس شد. پس از چند دقیقه، پشت خر شروع به سوختن کرد. بار او چه بود که اینچنین شد؟

جواب چیستان : بارش آهک بوده است. زیرا پس از سقوط در آب، آهک با آب ترکیب شد و پشت الاغ را پوست کن کرد و سوزاند

شخصی هر روز مجبور است به طبقه بیست و دوم آپارتمانی برود. با اینکه همه طبقات ساختمان آسانسور داشته، برق هم قطع نیست و آسانسور هم سالم است، ولی او هر روز تا طبقه پانزدهم با آسانسور می رود و بقیه را با پله. چرا؟

جواب چیستان : علتش اینست که او قدی کوتاه داشته و چون تکمه آسانسور طبقه بیست و دوم کمی بالا قرار داشته است، از دسترس او دور بوده، و او تنها می توانسته دست خود را تا تکمه طبقه 15 دراز کند

زن و شوهری با هم به حمام رفتند. ناگهان گاز حمام آنها را خفه کرد. وقتی دیگران با خبر شدند. درصدد بیرون آوردن آنها از حمام برآمدند. اما چون هر دوی آنها برهنه بودند، یکنفر باید وارد حمام شده، روی آنها را با پارچه ای بپوشاند. این شخص چه کسی می تواند باشد تا به آندو نامحرم نباشد؟

جواب چیستان : دو جواب دارد. یکی اینکه، اگر آن مرد زن دیگری دارد، آن زن به هر دوی آنها محرم است. می تواند داخل حمام شده، روی شوهر و هویش را بپوشاند. در غیر اینصورت، این مأموریت را باید به یک کودک نابالغ شجاع سپرد - چه پسر باشد و چه دختر فرقی نمی کند

شخصی می خواهد به روستایی برود. بر سر راهش دو قبیله هستند که یکی از آنها افرادش راستگو، و دیگری افرادش دروغگو هستند. آن شخص در راه به یکنفر می رسد و می خواهد راه درست ده را از او پرسد. ولی نمی داند که او جزو قبیله راستگوهاست یا دروغگوها! چه چیزی باید از او پرسد، تا با توجه به پاسخ طرف، راه صحیح ده را پیدا کند؟

جواب چیستان : باید از او پرسد: اگر من از یکی از دوستان و هم قبیله هایت راه ده را پرسم، کجا را نشان خواهد داد؟» هر پاسخی که آن شخص داد، راه درست همان است. زیرا، یا آن شخص جزو قبیله راستگوهاست، که در این صورت، هم خودش و هم رفیقش راست خواهند گفت و او را منحرف نخواهد کرد. و یا از قبیله دروغگوهاست، که در این صورت هم خودش دروغگو می گوید و هم رفیقش. و چون دروغ راست است، به مصداق اصل جبری مثبت = منفی × منفی ، هر چه او بگوید راست است. مثلاً اگر بگوید از جاده الف باید رفت، راه درست همان جاده الف است

شخصی به حاکمی توهین کرد. حاکم او را مورد غضب قرار داد و تهدید به مرگ کرد. اما از بس او التماس کرد، یک درجه برایش تخفیف قائل شد. لذا رو به متهم کرد و گفت: «حق داری یک جمله بگویی، اگر راست بود ترا آتش خواهم زد و اگر دروغ بود، ترا به دریا خواهم افکند.» آن مرد جمله ای گفت که سبب خلاصش شد و از مرگ رهایی یافت، او چه جمله ای گفت؟

جواب چیستان : گفت: « من در آب غرق می شوم و می میرم!» و به این ترتیب از مرگ رست. زیرا اگر پادشاه بخواهد او را در آتش بیفکند، برخلاف گفته او عمل کرده است، زیرا او گفته من می میرم و دروغ گفته است «در آتش می سوزم» اگر راست گفته بود، او را در آتش می سوزاندند. از سویی نمی تواند او را در دریا هم بیندازد، زیرا در اینصورت باید او را در آتش بیندازد و خلاف راستگویی او عمل کرده و راستگویی او را دروغ پنداشته است و مطابق آن عمل کرده. در حالیکه اگر می خواست او را به دریا بیندازد، لازم بود آن شخص دروغ گفته باشد، یعنی گفته باشد: مرا آتش خواهی زد

GORJI

01-07-2010, 14:13

از کسی پرسیدند: از میان تنقلات، کدامیک را دوست داری؟ پاسخ داد: راندن مرغ و مادر بره. او چه چیزی را بیشتر دوست می داشت؟

جواب چیستان : او «کشمش» را بیشتر دوسن می داشت؛ زیرا راندن مرغ «کیش» و مادر بره «میش» است که به اصطلاح عوام «کیشمیش» و به اصطلاح علمی «کشمش» خواهد شد

مردی از راهی می گذشت. ناگهان به اسکلت مرده ای برخورد. کنجکاویش تحریک شد تا بداند این اسکلت متعلق به مرد است یا زن؟ او از کجا بفهمد اسکلت چه جنسیتی دارد؟

جواب چیستان : اگر اسکلت دندان داشت، دندانهایش را می شمرد. اگر 32 عدد بود می فهمد اسکلت متعلق به مرد است و در غیر اینصورت زن. ثانیاً دنده هایش را می شمرد. اگر یک دنده از مردان کمتر داشت، اسکلت متعلق به زن است راه سوم آنست که اندام زن ظریفتر و استخوانهایش باریکتر و قدش کوتاهتر است، لذا از این ویژگیها نیز می تواند به هویت او پی ببرد

فرق کچل با مودار چیست؟

جواب چیستان : کچل اصلاً «فرق» ندارد؛ زیرا مو ندارد که فرق (فاصله باز شده میان زلف) داشته باشد

دو برادر را به دادگاه احضار کردند. رئیس دادگاه از آنان پرسید: شما برادر هستید؟ گفتند: آری، گفت: پدر شما یکی است؟ گفتند: بلی، گفت: مادرتان هم یکی است؟ گفتند: آری بعد که به شناسنامه آنان نگاه کرد گفت: شما هر دو در دوازدهم تیر 1340 خورشیدی متولد شده اید، پس حتماً دوقلو هستید؟ گفتند: خیر! چطور چنین چیزی ممکن است. در حالیکه آنان دروغ نگفته اند؟

جواب چیستان: زیرا آنان سه قلو بوده اند و دو نفرشان به دادگاه احضار شده بودند

فرق صندوقدار، دزد، گندم و سیاست چیست؟

جواب چیستان: صندوقدار کارش «جمع کردن» است، زیرا چیزی بر چیز دیگر می افزاید. کار دزد «کاستن» است، زیرا پول یا جنسی را از جایی بر می دارد. کار گندم «ضرب کردن» است، زیرا از یک گندم، چند گندم به دست می آید، و کار سیاست «تقسیم کردن» است زیرا مردم را به گروهها و دسته های متفاوت - با اندیشه های گوناگون - تقسیم می کند

GORJI

01-07-2010, 16:02

باغی باغبان سختگیری دارد که هر کس می خواهد وارد باغش شود با گفتن واژه «نه»، مانع ورود او به باغ می شود. اما مردی زرننگ و هوشیار، با گفتن جمله ای، از باغبان اجازه ورود به باغ را می گیرد. او چه می پرسد که باغبان با وجود گفتن واژه نه به او اجازه ورود به باغ را می دهد؟

جواب چیستان: می پرسد: «آیا اشکالی ندارد که من وارد باغ شوم» باغبان می گوید: نه و او بدون

هیچ مانعی به باغ وارد می شود

چگونه مردی توانست برادر زن خود شود؟

: جواب چیستان

چندین سال پیش، افرادِ وابسته به پلیس پاریس، آدم بینوایی را که از بالای «پل شارانتون» توی رودخانه جسته بود تا خودکشی کند، از آب بیرون آوردند. او را به نزدیک ترین کلابتری بردند و بازجویی درباره انگیزه های خودکشی، از او شروع شد. مرد بینوا در آغاز ساکت ماند و سرانجام چنین پاسخ داد: خودکشی من به علت امور خانوادگی بود. چون افسر پلیس اصرار بسیار کرد که روشنتر سخن بگویم؛ مرد بینوا تصمیم گرفت سرنوشت خود را تعریف کند: «من با زن بیوه ای ازدواج کردم که دختر 18 ساله ای داشت. پس از چندی، پدرم خاطرخواه دختر من شد و با او ازدواج کرد، آنوقت او داماد من و نادختری من، نامادریم شد پس از آن زن من پسری زائید که هم برادر زن پدر من و هم به عنوان برادر نامادری من، یعنی دایی من بود. نامادریم نیز بچه ای زائید، که برادر من و در آن واحد نوه من بود. در نتیجه، من شوهر زنم و در عین حال نوه او بودم و چون شوهر نامادری هر کسی، ناپدري او نیز هست، بنابراین، اکنون من برادر زن خود هستم! و چنانکه می بینید، همه این چیزها باعث سردرگمی من شده است. زیرا دیگر نمی دانم کیستم؟! به این سبب بود که به فکر خودکشی افتادم؛ زیرا در چنین شک و تردیدی، نمی توانم به زندگی ادامه دهم

آن نام شهر است، که اگر حرف اولش را بردارند، نام شخصی می شود. اگر دو حرف اولش را بردارند. لقب یکی از پیامبران می گردد. و اگر سه حرف اولش را بردارند، یک وسیله جنگی است، و

اگر چهار حرفِ اولش را بردارند، واحد پول یکی از کشورهاست؟

جواب چیستان : «رامین» است؛ که اگر حرف اولش را بردارند، نام شخصی یا به عبارت دیگر امین معشوقه «ویس» در اثر معروف «فخر الدین اسعد گرگانی» است. اگر دو حرف اولش را بردارند، تبدیل به «امین» می شود که لقب پیامبر اکرم است. و اگر سه حرف اولش را بردارند تبدیل به «مین» می شود که یک وسیله جنگی است. و اگر چهار حرف اولش را بردارند، تبدیل به «ین» می شود که واحد پول کشور ژاپن است

» عبارت زیر را بخوانید: « کشمشمشیر کشمشیر

جواب چیستان : عبارت مزبور چنین خوانده می شود: کِشَم شمشیر، کُشَم شیر

یکنفر به قهوه خانه رفت و یک چایی خواست. قهوه چی یک چایی برایش آورد. مرد پس از چند دقیقه، با رفیقش مشغول صحبت شد. آنگاه متوجه شد مگسی در استکان چائیش افتاده است. قهوه چی را صدا کرد و از او خواست تا چایی را برده، عوض کند. قهوه چی چایی را برد و پس از چند دقیقه، یک چایی بازگرداند. مشتری پس از نوشیدن جرعه ای از چای، قهوه چی را احضار کرد و بدو گفت: چرا چائی مرا عوض نکردی و همان را آوردی؟ او از کجا فهمید قهوه چی چایی را عوض نکرده است؟

جواب چیستان : زیرا چائیش را قبلاً شیرین کرد بود و چون قهوه چی معمولاً چائی را قند پهلوی می

آورد، مرد با چشیدن جرعه ای از چای، فهمید که قهوه چی چائی را عوض نکرده، بلکه همان چائی را پس از بیرون آوردن مگس، برگردانده است

GORJI

01-07-2010, 16:05

پادشاهی درچهل کشور قلمرو داشت، و از هر یک از آن کشورها، سالانه یک کیسه زر خراج می گرفت. یک سال از چهل کشور، چهل کیسه زر برای او فرستادند؛ ولی جاسوسانش اطلاع دادن که درمیان کیسه ها، کیسه ای هست که سکه هایش نقره اند اما روکش طلا دارند! پادشاه از این سخن برآشفت و دستور داد تنها با یکبار وزن کردن، بدانند کدامیک از این کیسه ها، محتوی سکه های نقره ای روکش دار است؟ با توجه به اینکه شکل، اندازه و حجم سکه ها و کیسه ها همه یکسان بود وزن یک سکه نیز قبلاً مشخص شده بود؟

جواب چیستان : ابتدا چهل کیسه را پشت سر هم ردیف کردند: آنگاه از کیسه اول یک سکه و از کیسه دوم، دو سکه و از کیسه سوم سه سکه الی آخر برداشتند، بطوریکه مثلاً از کیسه بیستم بیست سکه و از کیسه چهلم، چهل سکه برداشته شد. جمع سکه های برداشته شده 830 سکه بود. آنگاه همه سکه ها را وزن کردند. اگر مثلاً وزن هر سکه یک مثقال بود، می بایستی وزن همه سکه ها 830 مثقال باشد. اگر مثلاً از جمع سکه ها 10 گرم کم بود می فهمیدند که کیسه اول حاوی سکه های تقلبی است و اگر 20 گرم کم بود کیسه دوم الی آخر، بدین ترتیب از کسری وزن سکه ها حدس زدند که باید کدامیک از کیسه ها دارای سکه های نقره ای با روکش طلا باشد و چون نام کشور فرستنده روی کیسه ها نوشته شده بود، پادشاه کشور فرستنده را شناخت، و او را سخت مورد مؤاخذه قرار داد

شخصی از طبقه هفتم ساختمانی به پایین پرتاب شد. در حال جان دادن بود که پلیس بالای سرش آمد و پرسید: چه کسی ترا به پایین پرتاب کرد؟ مرد به آرامی گفت: بهرام! بلافاصله، پلیس با آسانسور به طبقه بالا رفت و بدون اینکه بهرام را بشناسد، او را از میان افراد مستقر در طبقه هفتم شناخت. پس او را دستگیر کرد و با خود به کلانتری برد. پلیس بهرام را از کجا شناخت؟

جواب چیستان: از آنجا که افراد مستقر در طبقه هفتم، همه به جز یکی زن بودند و همان یکنفر مرد قاعدتاً باید بهرام قاتل آن مرد باشد

سه دانشمند بسیار گرانقدر، که یک نفرشان ریاضیدانی ارزشمند، دیگری فیزیکدانی صاحب نام و سومی پزشکی متخصص بود، سوار بالنی شدند. بالن روانه فضا گردید. پس از چندی متوجه شدند که بالن سوراخ کوچکی پیدا کرده و تحمل وزن آن سه تن را ندارد. ناچار تصمیم گرفتند، برای نجات جان دو نفر بقیه، یک نفر را فدا کرده به پایین پرتاب کنند. پس از اندیشیدن و تبادل نظر، یکی از سه نفر را به پایین پرتاب کردند و دو نفر بقیه از مرگ حتمی رستند. کدامیک از این سه تن به پایین پرتاب شدند؟

جواب چیستان: آنکه چاقتر و وزنش از همه بیشتر بود. و اینکه گفته شده است آنان افراد لایقی بوده اند، نکته انحرافی است و گرنه، وجود هر سه آنان برای جامعه مفید بود

یک نفر با تفنگ به سوی پرنده ای تیری انداخت و او را نقش بر زمین ساخت. پرنده بلافاصله در گذشت. حالا از کجا بدانیم بچه ای که در پرنده در شکم دارد حلال است یا حرام؟

جواب چیستان: پرنده تخمگذار است و بچه زان نیست تا بچه ای در شکم داشته باشد

سخت است سنگ نیست، چهار پا دارد شتر نیست، تخم می گذارد پرنده نیست

جواب چیستان : لاک پشت

GORJI

01-07-2010, 16:08

از دختری پرسیدند: اسمت چیست؟ گفت: دو سال و شش ماه. اسم او چه بوده است؟

جواب چیستان : اسمش «سیما» بوده است، زیرا دو سال 24 ماه است که با 6 ماه جمعاً سی ماه یا «سیما» می شود

دو نفر به حمام میروند. در حمام یا وارد خزینه می شوند و یا در زیر دوش قرار می گیرند. با اینحال، یکی از آنها خیس می شود و دیگری خیس نمی شود. چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : یکی از آنها زن آبستنی بوده که بچه ای در شکم داشته و دومی بچه ای است در شکم او، بنابراین مادر، زیر دوش یا در خزینه خیس می شود و بچه خیس نمیشود

شخصی هنگام خواب، دوساعت را که هر دو سالم بوده و هر دو دقیق کار می کرده است میزان می کند و بالای سرش می گذارد. صبح فردا که از خواب بر می خیزد می بیند یکی از ساعتها، از ساعت

دیگر یک ربع عقب تر است. در حالیکه هر دو ساعت مشغول کار بوده اند، چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : زیرا یکی از ساعتها کوکی و دیگری برقی بوده است و هنگامیکه او در خواب ناز بوده، یک ربع برق قطع می شود ساعت برقی یک ربع از ساعت کوکی عقب میماند

گرد است و گردو نیست؛ زرد است زردآلو نیست؛ شیر است درنده نیست؛ شمشیر است و بُرنده نیست!

جواب چیستان : سکه ی دهشاهی سالهای پیش است که روی آن عکس شیری مشاهده می شود

مادری برای دختران و پسرانش که پنج نفر بودند، در زنبیل 5 سیب آورد و گفت: هر کدام از شما یک سیب بردارید، بطوریکه یک سیب هم توی زنبیل بماند. چگونه چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : یا بچه ای در شکم داشته، و تعداد حاضران بغیر از خود او چهار نفر بوده اند و یا اینکه سیبی هم در دست داشته و گفته است، «هر کدام از شما یک سیب بردارید» منتها یکی از آنها سیب را از دستش گرفته و چهار نفر بقیه از زنبیل برداشته اند و سرانجام نیز یک سیب در زنبیل مانده است

GORJI

01-07-2010, 16:12

چه تفاوت آشکاری بین مس، کُرم، طلا و آهن وجود دارد؟

جواب چیستان : آهن، زیرا سایر فلزات فاقد نقطه هستند و تنها آهن است که نقطه دارد

باغی 7 درِ تو در تو دارد. اگر هنگام خروج از هر در میوه هایی را که چیده ایم نصف کنند و هنگام خروج از در آخر، یک عدد میوه در سبد باقی بماند، تعداد میوه های سبد، در بخش مرکزی باغ چند عدد بوده است؟

جواب چیستان : صد و بیست و هشت عدد. زیرا پس از گذشتن از هفت مرحله نصف شدن، نتیجه به یک می رسد

یک استاد دانشگاه سه مجموعه را روی میز می گذارد و با سه مهره امتحان خاصی را با این مجموعه ها انجام می دهد. ابتدا مهره ها را در گوش چپ یکی از مجموعه ها می کند و از گوش دیگرش بیرون می آورد. آنگاه می خواهد مهره دوم را در هر یک از دو گوش مجموعه دوم فرو کند، هر کار می کند نمی شود. اما مهره سوم را که در گوش مجموعه سوم می کند، هر کاری می کند بیرون آورده نمی شود. می خواهیم بدانیم او از میان این سه مجموعه، کدامیک را برتر می شمارد و انتخاب می کند؟

جواب چیستان : مجموعه سوم را، زیرا اولی از جمله کسانی است که حرف را از یک گوش می گرفته و از گوش دیگر در می کرده است، مجموعه دومی متعلق به کسی است که حرف به گوشش نمی رفته و سومی. هر حرفی را می شنیده، درمخش نگه می داشته، لذا از آن دو برتر بوده است

شخصی در یک شب بارانی، زنش را به قصد کشتن سوار خودرو خود می کند و از خانه بیرون می برَد. پس از ارتکاب جرم، به خانه باز می گردد و اتومبیلش را کاملاً می شوید تا گِل و خون و همه آثار دیگر جُرم را از آن محو و نابود سازد. با توجه به اینکه جز آن شب، در هیچ شب دیگری باران نمی باریده است، وقتی پلیس از ماجرا خبردار می شود، به قصد تحقیق پیرامون این موضوع، به خانه او می آیند. از او می پرسند: آیا تو در آن شب بارانی بیرون رفته بودی؟ قاتل می گوید: نه آنگاه پلیس می گوید کلید (سویچ) ماشینت را بما بده ببینیم. پس از گرفتن سویچ، به گاراژ می روند و همینکه ماشین را روشن می کنند، می فهمند قتل کار همان مرد بوده است! شما بگوئید پلیس از کجا فهمید، قضیه قتل کار او بوده است؟

جواب چیستان: پس از اینکه پلیس ماشین را روشن کرد، متوجه شد برف پاک کن آن روشن است و قاتل از فرط دستپاچگی و شتابزدگی، یادش رفته آنرا خاموش کند و از پاسخی که او داده بود، فهمید قتل حتما کار خود او بوده است

ایوب» بی پدر را بنشان کنار «مسافر بیمار»، بین نتیجه چه می شود؟»

جواب چیستان: پدر به زبان عربی «اب» است بنابراین اگر از ایوب، اب را برداریم، یعنی آنرا بی پدر کنیم، یو می ماند از سویی، مسافر بیمار هم سف می شود. زیرا اگر «م ا ر» را از واژه «مسافر» کم کنیم، سف می ماند. پس اگر ایوب بی پدر را که یو است کنار مسافر بیمار یا سف بنشانیم، یوسف می شود که نام یکی از پیامبران و فرزندان یعقوب است

01-07-2010, 16:35

از آن بالا میاد یکدسته حوری همه چادر سفید سینه بلوری

گنبد سبز چمنی، توش گل سرخ یمنی، چشمه آبش را بین، شطّ فراتش را بین

دستمالِ آبی آبی پُرش سیب و گلابی

نه دَسِ داره نه پا داره از همه جا خبر داره

نه در زمین نه در هوا مثل عقیق کربلا

کبوتر

هنداونه

آسمان و ستارگان

باد

گیلاس

LIDA

01-07-2010, 16:44

دو دکان پنج خریدار لنگشو بگير، بز ن به ديوار

چل (چهل) قوطی، چل یک قوطی چل تا عروس تو یک قوطی

این چی چیه؟ تو صندوق پیچ پیچیه؟
من میدونم که چی چیه نمیتونم بگم که چی چیه؟

یکچارک گوشت نظام رگ و پی بر او مدام
سر او گاهی لولو همگی خوردند از او

اگر بر سر زند تاج مرصع مکان و منزلش زیر زمینه

گرفتن آب بینی با دست

کبریت

بچه در شکم مادر که نمی توان گفت پسر است یا دختر

پستان مادر

مار

LIDA

01-07-2010, 16:50

کاسه چینی، آتش دو رنگه رو آتش میذارم، یخش می بندد

حوض بلور دختر مست افتاد زمین و بشکست

نه در داره نه دریچه درون او پر از بچه

سرش زرد و علومت تویش سرخ و سلومت

رفتش تو و در اومد صلوات بر محمد (ص)

شب پا میشه دزد نیست کرک داره پشم نیست تو سوراخ میره مار نیست

تخم مرغ

آینه

انار

نان و تنور نانوايي

هلو

sam_handsome

01-07-2010, 16:53

:معما!!!!!!...؟! 39:

پلنگ صورتی مرد بود یا زن؟ 1.

LIDA

01-07-2010, 16:54

سی ستون روبرو، صد و سی حجره براو هر که کند معنی او، من شوم مخلص او

از در دراومد حیدری نشست به رویِ صندلی گفت یا محمد یا علی

دَم دَارِه و نَم دَارِه دِيگي در شِکَم دَارِه تو ميل به او داري او ميل به پول دَارِه

قوْطی قوْطی سمر قوْطی چار تا داداش توي (يک) قوْطی

دالون دراز مَلّا باقر قُدُقْد می کُنِه (می کند) تا روز آخر

قرآن مجید

چراغ گرد سوز یا لامپا

حَمّام

مغز گردو

قلیان

LIDA

01-07-2010, 17:00

پایین سنگ و بالاسنگ، بالا دو لوله تنگ، بالا دو شمع روشن، بالاش کمندِ رستم، بالاش تختِ
سلیمان، بالاش جنگلِ مولا

یک بشقابِ پلُست، همه جا ولُست

یه میخ دارم دو سنگِ تخت سفید کنم لباس و رخت

سفید شخمی، سیاه تخمی، با دُس (دست) کاشتم، به لب چیدم

بالا یک و پایین دو فوری میره پایِ تو

سر و صورت

خورشید

دو سنگ آسیا و دَسْت آس است که دو سوراخشان روبروی هم است و برآمدگی (میخ) سنگ
زیرین در سوراخ سنگ روئین جا گرفته است

کاغذ سفید است که با دست بر رویش می نویسند و با لب می خوانند

شلوار است که بالایش یک قسمت است و پاچه اش دو قسمت

LIDA

01-07-2010, 17:04

شخصی آمد از همه دان (همدان)، خوراک او بی استخوان، نه فارسی دان، نه ترکی دان

مادر بزاید دختری نه سر دارد و نه پا دختر بزاید مادری هم سر دارد و هم پا

لبم به لب، دستم به گردنت هی قُر بزن، هی قُل بزن

آشیشِه و مشیشِه دو روغن تو یه (یک) شیشه

چار تا کاکو، تو یه قوطی

نوزاد است که همه می دانند بچه است، خوراکش هم شیر است، زبان هم نمی داند

تخم مرغ و جوجه

قلیان

تخم مرغ

گردو

LIDA

01-07-2010, 17:10

شب می گرده گر دلک، روز می گرده گر دلک، خستگی نداره گرد لک

دالون دراز تنگ و باریک آقا خوابیده دراز و باریک

این ور کوه اره، اون ور کوه اره، وسط کوه بره

قدِ دراز و باریک، کوچه تنگ و باریک

این ور کوه سفید پلو، اون ور کوه سفید پلو، میون کوه زرد پلو

آسیاب

شمشیر و غلاف

دهان

تفنگ

تخم مرغ

GORJI

01-07-2010, 17:16

پدراحمد می تواند یک اتوبوس پر از مسافر، یا یک کامیون پر از بار را با یک دست نگهدارد، چگونه؟

جواب چیستان : او مأمور اداره راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه است که با اشاره یک دست اتوبوس پر از مسافر یا کامیون پر از بار را نگه می دارد

فرق چینی و ژاپنی در چیست؟

جواب چیستان : تفاوت آنها در این است که «چینی» می شکند، اما ژاپنی نمی شکند

شش دوست که به سینما رفته اند، شش صندلی را که تشکیل یک ردیف را داده است اشغال می کنند. جواد دور از فرهاد نشسته و در دو طرفش، دو نفر قرار دارند که با دو نفری که اطراف فرهاد

نشسته اند متفاوت می باشند. احمد و محمود هم در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و حسین دور از جواد است. آیا با این حساب، صندلی یوسف در کنار راهروی ورودی این ردیف قرار گرفته است؟

جواب چیستان : آری، ترتیب نشستن آنها از چپ به راست به قرار زیر است: یوسف، جواد، احمد، محمود، فرهاد، حسین

روی شیشه یک آرایشگاه، نام آن با حروف درشت و به خط نستعلیق نوشته شده است. صندلی مشتریها پشت به شیشه در ورودی و روبروی آینه قرار دارد. یک مشتری که در حال اصلاح سر و صورت است، از راه آینه روبرو، نوشته روی شیشه را مشاهده می کند، حال بگوئید بینم، او نوشته روی شیشه را چگونه می بیند، برعکس یا به طور عادی؟

جواب چیستان : مشتری حروف و کلمات روی شیشه را در آینه روبرو به صورت عادی مشاهده می کند

هم فرشته است، هم پادشاه و هم سرزمین

جواب چیستان : ملک است، که اگر فتح میم و لام باشد به معنی فرشته است که جمع آن ملائکه می شود. اگر با فتح میم و کسر لام باشد به معنی پادشاه است که جمع آن ملوک است و اگر با ضم میم و جزم لام باشد به معنی سرزمین و مال و منال غیر منقول است که جمع آن املاک می باشد

01-07-2010, 17:19

یک روستایی به همسایه خود بهنگام بهار یک کیسه پر از گندم قرض داد که چهار پا بلندی و شش پا دور آن بود. بهنگام خرمز، آن همسایه، دو کیسه پر از گندم برای پرداخت دین خود ره آن روستایی داد که بلندی هر یک از کیسه ها چهارپا بود، اما دور هر یک از دو کیسه، نصف دوره کیسه آن روستایی - یعنی هر کدام سه پا- بود. با این حساب آیا آن همسایه، بدهی خود را تمام و کمال بدان روستایی پرداخته است یا خیر؟

جواب چیستان : دو کیسه گندمی که در عوض آن یک کیسه برای ادای دین به آن روستایی داده شده است، از نظر وزن و حجم، تقریباً نصف مقدار گندمی است که در کیسه ی آن روستایی بوده است

آورده اند که یکی از خلفای عباسی، می خواست یکی از سه تن دوستان خود را که به آنها اعتماد کامل داشت، وزیر خود کند، ولی نمی دانست کدامیک از آن سه نفر باهوشتر است. لذا روزی آنها را احضار نمود و گفت: «چنانکه می بینید سه سیب سرخ» و دو سیب سفید، در این ظرف درمقابل خود دارم. چشمهای شما را بسته، سیبی روی سر هر یک از شما می گذارم و بعد چشمان شما را باز می کنم، بطوریکه هر یک از شما، سیبی را که روی سر دو نفر دیگر است می توانید ببیند، ولی سیبی را که روی سر خودتان است نمی توانید ببینید، هر کدام از شما که زودتر حدس زد، سیبی که روی سرش است چه رنگی دارد، او را وزیر خود خواهم کرد. پس از آنکه چشمان آنها را بسته و سه سیب سرخ و سفید روی سرشان گذاشت و چشمان آنان را باز کرد، از آن سه نفر، جعفر و موسی متحیر مانده نتوانستند جواب درستی بدهند؛ اما صادق ثابت کرد که از دیگران باهوشتر است و پس از لحظه ای درنگ گفت: سیبی که روی سر من است سرخ می باشد. صادق از کجا فهمید سیبی که روی سرش گذاشته شده سرخ است؟

جواب چیستان: صادق پیش خود فکر کرد، جعفر می داند سیبی که روی سر من است سرخ یا سفید است، ولی نمی داند روی سر خودش چه رنگ سیبی است اگر سیبی که روی سر من است سفید باشد، جعفر فکر خواهد کرد که اگر سیبی هم که روی سر اوست سفید باشد، چون سفید دو تا بیشتر نیست، موسی فوراً رنگ سیبی را که روی سر خودش هست حدس خواهد زد و خواهد گفت: روی سر من سیب سرخ است ولی چون موسی صدایش در نیامده، پس معلوم می شود که سیبی که روی سر من است (یعنی صادق) سفید نیست. پس حتماً سرخ است لذا رو به خلیفه کرد و گفت سیبی که روی سر من است سرخ است و مدلل داشت که از جعفر و موسی باهوش تر است. لذا به وزارت خلیفه انتخاب شد

از میان ورق بازی، باید سیزده ورق را بدین ترتیب بیرون آورد
یک لو، دولو، سه لو، چهارلو، پنج لو، شش لو، هفت لو، هشت لو، نه لو، ده لو، سرباز، بی بی، شاه.
حالا باید این سیزده ورق را طوری روی هم گذاشت که اگر مرتباً یک ورق را به زمین بیندازیم و یک ورق رازیر دست بگذاریم، به ترتیب همان اوراقی که برشمردیم بیرون بیاید! چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان: تنها در صورتی ممکن است که آن سیزده ورق را به ترتیب زی بچینیم: یک لو، بی بی، دولو، هشت لو، سه لو، سرباز، چهارلو، پنج لو، شاه، شش لو، ده لو، هفت لو

مردی با همسرش در خیابان قدم می زد. ناگهان بفکرش رسید که کاری ضروری دارد! بنابراین

تصمیم گرفت از همسرش خداحافظی کرده، به دنبال کار خود برود. پس رو به زنش کرد و گفت:
خداحافظ، خواهرِ عزیز! ، با اینکه طرف مقابل همسر او بوده، چرا او اینگونه خداحافظی کرد؟

جواب چیستان: زیرا نام خواهر زن یا برادر زنش عزیز بوده، بنابراین همسرش «خواهرِ عزیز» می باشد

هم نام شهری است، هم نام گیاهی

جواب چیستان: سرخس است که هم نام گیاهی است و هم نام شهری در شمال شرقی استان خراسان

GORJI

01-07-2010, 17:24

هم جَوَند آنرا و هم شهری بُود

جواب چیستان: سقّز از شهرهای استان کردستان

!شعری بنویسید که واژه ها چهار زبان در آن بکار رفته باشد

جواب چیستان: قال (عربی) دِ تیچِر (انگلیسی): گاماس، گاماس (ارمنی)، گَئ بُر (ترکی) پا تَخِته
(فارسی)..... گفتم (فارسی) نُن دِیس سِوَن لِسِن (انگلیسی) وِری وِری (انگلیسی) سَخِته
(فارسی)

• این مصراع را بخوانید: پیشا لطیف طلع تشقیم تمنشکسته شد

جواب چیستان: مصراع مزبور چنین خوانده می شود: پیش لطیف طلعش، قیمت من شکسته شد

یک چراغ نفتی داریم که فتیله اش کوتاه است و نفت به فتیله آن نمی رسد. از سویی مقدار نفت ما هم کم است و دسترسی به نفت نداریم. با این وضع، چگونه می توانیم چراغ را روشن کنیم؟

جواب چیستان: مقداری آب در منبع نفت چراغ می ریزیم، بطوریکه فتیله چراغ درون آب و نفت قرار گیرد و آنگاه اندکی صبر می کنیم. چون آب از نفت سنگین تر است، در ته ظرف قرار می گیرد و نفت روی آن واقع می شود، بطوریکه فتیله درون نفت قرار می گیرد. آنگاه با زدن کبریت و نزدیک کردن آن به سر فتیله، چراغ را به راحتی روشن می کنیم

می دانیم هر جانوری را به شکلی خاص رام می کنند. مثلاً اسب وحشی را با سواری گرفتن و شلاق زدن و خسته کردن رام می سازند یا گاو وحشی را با دواندن و خسته کردن و بستن در یکجا و ... اکنون بگوئید مار را چگونه رام می کنند؟

جواب چیستان: برای رام کردن «مار»، آنرا برعکس می کنند، زیرا، برعکس مار، رام می شود

GORJI

01-07-2010, 18:52

!نام چند جانور را بنویسید که برعکس آنها هم خودشان باشند

جواب چیستان : شپش، کبک، ساس، گرگ

!نام چند جانور را بنویسید که برعکس آنها معنا داشته باشد

جواب چیستان : فیل (لیف)، خر (رخ)، سگ (گس)، شیر (ریش)، خرس (سرخ)، خوک (کوخ)،
هدهد (ده ده)، مور (روم)، مار (رام)، اسب (بسا)، غاز (زاغ)

مخوف ترین گودال عالم کدام است؟

جواب چیستان : مخوف ترین و تاریک ترین گودال عالم، بنام ماریان در اقیانوس آرام قرار دارد که عمق آن 6/5 میل (مایل) است بطوریکه اگر بتوانیم کوه اورست را در کف این گودال قرار دهیم، باز هم به اندازه یک میل، پایین تر از سطح دریا قرار خواهد گرفت

منوچهر، به خواهر کوچکترش پروین گفت: تو، اگر یک تومان از پول خودت را به من بدهی، پول من دو برابر پول تو خواهد شد! پروین پاسخ داد: اگر تو از پول خودت یک تومان به من بدهی، غاز چند تومان داشتند؟ برای حل این پولهای هر دومان مساوی خواهد شد؟ هر یک از آنها در آ
!چیستان، نباید از قلم و کاغذ استفاده شود

جواب چیستان : پروین 5 تومان و منوچهر 7 تومان پول داشتند

مردی روزی دوبار از کوچه ای که در آن ده درخت وجود دارد می گذرد. اگر او یک ماه تمام از این کوچه عبور کند، جمعاً چند درخت را در آنجا خواهد دید؟

جواب چیستان : ده درخت را، زیرا هر روز همان درخت را می بیند و چیزی از آنها کم یا به آنها اضافه نمی شود لذا هر چند بار از آنجا بگذرد، باز همان درختها را خواهد دید

GORJI

01-07-2010, 18:54

خرگوشی دوسال از عمرش را پشت سر می گذارد، اکنون او چه می شود؟

جواب چیستان : وارد سه سالگی می شود

نام کدام پرنده ای است که اگر برعکسش کنیم، نام پرنده دیگر می شود؟

جواب چیستان : غاز است که برعکسش زاغ می شود

چگونه می توان بانگاه کردن به پرنده ای که در حال پرواز است، پی برد که آن پرنده، حلال گوشت است یا حرام گوشت؟

جواب چیستان : اگر پشت سر هم بال می زد حلال گوشت است مانند کبوتر، گنجشک و کبک، و اگر چند بال می زد و با بار کردن بالهایش بر روی هوا سوار می شد، حرام گوشت است مانند کرکس، عقاب و لاشخوار

• دو کشور را که اختلاف نامشان تنها در لفظ «یه» است ، نام ببرید

جواب چیستان : کشورهای مزبور نیجر و نیجریه هستند که اختلاف نامشان تنها در لفظ یه می باشد

• هم نام شهری است، هم زیور پا

جواب چیستان : خلخال

GORJI

01-07-2010, 18:57

شخصی با وجود داشتن همسر، همسر دیگری اختیار کرد. خدا از کار او خشنود بود، اما محمد و علی و فاطمه، از کار او ناراضی بودند. چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : زیرا محمد و علی فرزندان وی و فاطمه نیز همسر وی می باشد که هر سه از کار او ناراضی بودند

هم نام خیابانی است در تهران، هم نام بازاری در همان شهر و هم نام پادگانی؟

جواب چیستان : عباس آباد

نام چه شهری است که سه حرف اولش یکی از حشرات، دو حرف دوم و سومش، نام یکی از پایتختهای باستانی و چهار حرف آخرش داستان بلند است؟

جواب چیستان : کرمان است که سه حرف اولش «کِرم»، حرف دوم و سومش «رُم» و چهار حرف آخرش «رُمان» است

نام چه شهری است که دو حرف اولش کشنده است، حرف دوم و سومش واحد وزن است و سه حرف آخرش نوعی خوراکی است؟

جواب چیستان : سمنان است، که دو حرف اولش سَم است، حرف دوم و سومش «مَن» واحد وزن است و سه حرف آخرش «نان» نوعی خوراکی است

نام چه شهری است که چهار حرف اولش نام یک پرنده و چهار حرف آخرش محل کسب و کار است و اگر حروف چهارم و پنجم آنرا برداریم، یکی از کشورهای آسیایی است؟

جواب چیستان : اردکان است که چهار حرف اولش «اُردک» نام پرنده ای است؛ چهار حرف آخرش «دکان» محل کسب و کار است و اگر حروف سوم و چهارمش را برداریم، تبدیل به «اُردُن» می شود که یکی از کشورهای آسیایی است

GORJI

01-07-2010, 21:14

هم در نانوائی است، و هم نام بندری از بنادر ایران؟

جواب چیستان : خمیر

هم در بیابان پراکنده است، و هم نام بندری است در جنوب ایران؟

جواب چیستان : ریگ

نام چند شهر را که سه حرف اولشان نام جانوری باشد بنویسید؟

جواب چیستان : کرمان (کِرِم)، شیراز (شیر)، اهواز (آهو)، گرگان (گرگ)، ساری (سار)، اسد آباد (اسد)، قوچان (قوچ)، شیروان (شیر)، کرمانشاه (کرم)

ده و ده بیست می شه، پنجاه تا به آن اضافه کنی یازده می شه! چطور چنین چیزی ممکن است؟

: جواب چیستان

ساعتی است که ده و ده دقیقه را نشان می دهد که بیست نیست؛ و اگر پنجاه دقیقه بدان بیفزایی یازده می شود

از صفر تا صد چند تا 9 وجود دارد؟

جواب چیستان : بیست تا

GORJI

01-07-2010, 21:18

نام چند وسیله در خودرو را که نام چهار دختر ایرانی است بنویسید

جواب چیستان : پروانه 2- شمع 3- آینه 4- پیمانه 5- گیت (گیتا)-1

نام پنج وسیله را در خودرو که نام پنج حیوان در آن نهفته است بنویسید

جواب چیستان : 1- پروانه 2- شتر گلو 3- کله گاوی 4- سگ دست 5- شغال دست

از واژه های ردیف دوم، کدامیک را با ذکر دلیل، به جای علامت سؤال در ردیف اول باید گذاشت؟

مد-کار-علوم-مسموم-کاردار-؟

شکر-کوتاه-استقلال-قایقران-سهامدار-سلام

جواب چیستان : واژه ای سهامدار را، زیرا کلمات ردیف اول به ترتیب دو حرفی، سه حرفی، چهارحرفی، پنج حرفی و شش حرفی هستند و ردیف آخر یعنی جای علامت سوال باید هفت حرفی باشد. اما از میان واژه های ردیف دوم، کلمات قایقران و سهامدار هر دو هفت حرفی هستند منتها از میان این دو واژه نیز باید واژه ی سهامدار را انتخاب کرد؛ زیرا همه کلمات ردیف اول بی نقطه هستند، بنابراین هفتمین واژه نیز، ضمن اینکه باید هفت حرفی باشد، باید بدون نقطه نیز باشد و سهامدار واجد چنین ویژگیهایی است

اولین و آخرین سوره نازل شده قرآن کدامند؟

جواب چیستان : بنا به روایات، نخستین سوره نازل شده، بر پیامبر اکرم سوره علق و آخرین سوره نیز سوره نصر بود

نخستین کسی که دانه تسبیح را درست کرد که بود؟

جواب چیستان : نخستین کسی که تسبیح درست کرد صدیقه کبری سلام الله علیها است، ک از اُحُد، خاک قبر حضرت حمزه سیدالشهدا گِل ساخت و تسبیح درست کرد و با آن ذکر خدا نمود

LIDA

01-07-2010, 21:33

نه دس داره نه پا، آب می خوره مثل شما

زردم، زبرم، زیر زمین معتبرم، کلاه سبزی به سرم

صندوق چوبی، پر از روغن کوهی

نه می توئم چادر نه مو سر کنم نه می توئم پول بابامو بِشْمُرَم

بافتم و بافتم، پشت کو انداختم

خمیر

هویج

گردو

آسمان و ستارگان

گیس

LIDA

01-07-2010, 21:37

میدونم کجاس، نمیدونم چیه؟

سبز است و دراز خدا نیافریده

یکی رفت و یکی ماند یکی سرشو می جنباند

آن چیست؟ موجود سرد و بیجان، گیرد ولی دو صد جان، دهان تنگ و تاریک، گردن دراز و
باریک، حالا نگو که نیست آن، به من بگو که چیست آن؟

در بسته و بوم بسته قلندر تو حیاط جسته

بچه درشکم مادر

پاسخ درست «نی» است که سبز و دراز است و مراد از «نیافریده»، «نی آفریده» است

آنکه رفت آب جوی و رودخانه است، آنکه ماند ریگ و سنگهای کف جوی و رودخانه است و
آنکه سرش را می جنباند علفهای کنار جوی در رودخانه اند

تفنگ

LIDA

01-07-2010, 21:40

چل قوطی چلبند قوطی چل عروس تو یه (یک) قوطی

قالب لب تافته، گل به گل انداخته، قدرتِ پروردگار، خوب به هم بافته

یوز پلنگ بی دُم، نه جو خورده نه گندم، گشت زند بیابان، نفع دهد به مردم

پایین سنگ و بالا سنگ، بالاش دو لوله تفنگ، بالاش دو شمع روشن، بالاش کمون هندی، بالاش
سریر شاهون، بالاش بازار ریسمون، بالاش گله گوسفند

صندوق ملک معصوم، آورده به نخلسون، لابه لاش طلا کاری، دونه هاش چو مرواری

قوطی کبریت

ماهی

زنبور عسل

اعضاء صورت و موی سر

انار

LIDA

01-07-2010, 21:46

یه چارک گوشت لذا رگ و پی داره هزا سر او گندله مازو جون ننت خوردی از او

آن چیست که چیستان است، در جیب بزرگان است، در شهر خراسان است؟

آلا کلنگِ یزی (یزدی) نه خون میخواد نه سبزی آب می خوره فراوون نوشو میده به مردم

آبی میون سنگ داری میان آب سبزی میون دار سرخی میون سبز

نرم و نمالک چی چیه سرخ و درازک چی چیه در آب زمزم چی چیه در آب گنداب چی چیه شبها

دویدن چی چیه

شب دزدی کردن چی چیه سفیدی بازار چی چیه سیاهی بازار چی چیه

پستان مادر

تسبیح

آسیاب

قلیان

به ترتیب عبارتند از: نمد، قالی، ماهی، قورباغه، سگ، موش، پنبه، نمک و زغال

LIDA

01-07-2010, 21:48

سنگ بالای سنگ چه چیزه؟

آسیاب چار سنگ چه چیزه؟

دوخیك روغن چه چیزه؟

دو شمع روشن چه چیزه؟

دو کمند هندی چه چیزه؟

تخت سلیمان چه چیزه؟

گله گوسفند چه چیزه؟

بازار ریسمون چه چیزه؟

1- دندان

2- چانه

3- سوراخهای بینی

4- چشم

5- ابرو

6- پیشانی

شپش -7

موی سر -8

GORJI

02-07-2010, 10:40

اگر دو را از ده کم کنیم، نه می شود! چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان : اشکال سر خواندن جمله است، باید جمله مزبور را اینگونه بخوانیم: 1 (یک) گردو را از ده کم کنیم، نه می شود، که کاملاً صحیح است

منظور از این بیت عربی چیست؟ علیّ حسم کجرتنعم

جواب چیستان : منظور دوازده امام است که هر یک با اول نام یا لقبشان مشخص شده اند: علی، حسن، حسین، سجاد، محمدباقر، کاظم، جعفر صادق، رضا، تقی، نقی، عسگری، مهدی

آن چیست که می بینی و نمی خری، می خری و نمی پوشی، می پوشی و نمی بینی؟

جواب چیستان : کفن

چگونه می توان از یخ آتش ساخت؟

جواب چیستان : یک ظرف نیم کره کوچک را پر از آب کرده در یخچال می گذاریم تا خوب یخ بزند. آنگاه یخ را طوری جلو آفتاب می گیریم، تا شعاع آفتاب مستقیماً بر آن بتابد سپس کاغذی را در زیر یخ می گیریم تا بر کاغذ بتابد. سپس آنرا آنقدر جلو و عقب می بریم، تا نقطه تابش بر صفحه کاغذ بیفتد و پس از چند دقیقه، کاغذ شعله ور می شود؛ زیرا یخ حالت عدسی را پیدا می کند

پدر و مادری دارای یک پسر و دختر هستند. دختر آنها با پسری ازدواج می کند و ثمره این ازدواج یک پسر می شود و پسرشان با یک دختر ازدواج می کند و ثمره پیوندشان یک دختر می شود. حال بگوئید در این مجموعه خانوداگی، چند پدر، چند مادر، چند پسر و چند دختر وجود دارد؟

جواب چیستان : سه پدر، سه مادر، سه پسر و سه دختر

GORJI

02-07-2010, 10:44

یک زن و شوهر با هم سوار اتوبوسی می شوند. ناگهان زن آن مرد می رود و با راننده اتوبوس، روبوسی می کند، شوهر آن زن، برای آنکه تردید مسافران اتوبوس را برطرف کند، رو به آنان کرده، می گوید، برادر زن راننده، دایی عیال بنده است! آن راننده با آن زن چه نسبتی داشته است؟

جواب چیستان : پدرش بوده، زیرا برادر زن پدر آن زن، دایی او می شود

اگر سه روز قبل از یک روز به جمعه مانده باشد، پس فردای آن روز، چه روزی می شود؟

جواب چیستان : چهارشنبه است. زیرا روز پیش از جمعه پنجشنبه است سه روز پیش از پنجشنبه، دو شنبه و پس فردای دوشنبه، چهارشنبه می باشد

در روزگار گذشته، شاهزاده ای چیستانی گفته و عهد کرده بود که هر کس جواب چیستان او را بدهد، وی همسر آن مرد خواهد شد: چیستان این بود
شنیدم گنبدی بر روی داری نه در دارد، نه دیوار و حصار
بنازم قدرت پروردگاری در آن گنبد بود لشکر هزاری

جواب چیستان : بلی خانم که حرفت راست باشد.....برشت از دم الماس باشد گمانم می رسد
گویا مَن گُر.....که این حرف شما «خشخاش» باشد

اگر روی تابلویی نوشته شده باشد «بابک خیس» ، در آئینه روبروی این نوشته، آنرا چگونه می خوانیم؟

جواب چیستان : سیخ کباب

چه تعداد نقطه در قرآن به کار برده شده است؟

جواب چیستان : تعداد «1015030» نقطه در قرآن به کار رفته است

GORJI

02-07-2010, 10:47

قرآن کریم دارای چند حرف است؟

جواب چیستان : قرآن کریم دارای «323671» حرف است

قرآن کریم دارای چند کلمه است؟

جواب چیستان : قرآن دارای «77701» کلمه است

نام قرآن چند بار در قرآن آمده است؟

جواب چیستان : هفتاد بار

کدام سوره قرآن، تعداد کلماتش برابر با تعداد سوره های قرآن است؟

جواب چیستان : سوره تکویر تعداد کلماتش برابر با تعداد سوره های قرآن، یعنی 114 است

کدام سوره قرآن، همنام یکی از شهرهای ایران است؟

جواب چیستان : سوره نور است که همنام نور یکی از شهرهای استان مازندران است

GORJI

02-07-2010, 10:50

سوره هایی در قرآن هست که اگر نام آنها را برعکس کنیم، به همان صورت خوانده مس شود، آن - سوره ها کدامند؟

جواب چیستان : سوره های لیل و تب است

نام کدام سوره قرآن است که اگر حرف اولش را برداریم، نام یکی از سوره های قرآن خواهد شد؟

جواب چیستان : سوره محمد است که اگر حرف اولش را برداریم سوره حمد می شود

- کدام آیه است که در یک سوره 31 مرتبه تکرار شده است؟

جواب چیستان : آیه «فَبَآیَ آلَآءِ رَبِّکُمْ تُکَذِّبَان» در سوره «الرحمن» 31 بار تکرار شده است

کدام آیه قرآن است که از هر طرف به یک شکل خوانده می شود؟

جواب چیستان : آیه 3 سوره مدثر یعنی «ربک فکبر» می باشد

آیه ای که «پنج وقت نمازهای یومیه» در آن آمده است، در کدام سوره قرار دارد و چه آیه ای است؟

جواب چیستان : آیه ای که پنج وقت نمازهای یومیه در آن آمده است، در سوره ی «اسراء آیه 78» قرار دارد

GORJI

02-07-2010, 10:52

نام کدام پیامبر، بیشتر از دیگر پیامبران و چندبار در قرآن ذکر شده است؟

جواب چیستان : نام حضرت موسی (ع) بیشتر از دیگر پیامبران «136 مرتبه» در قرآن ذکر شده است

کدام کلمه است که در تمام سوره های قرآن بیان شده است؟

جواب چیستان : کلمه «الله»، در تمام سوره های قرآن بیان شده است

رودهایی که در قرآن از آنها نام برده شده کدامند؟

جواب چیستان : رودهایی که در قرآن از آنها نام برده شده، عبارتند از: رود نیل در سوره انبیا و رود فرات در سوره های فرقان و فاطر

• جملاتی بنویسید، که اگر برعکسشان کنید، دوباره خودشان شوند

«جواب چیستان : «مداد دادم»، «درک کرد

اگر سفیدپوستی در دریای سرخ یا دریای سیاه شنا کند چه خواهد شد؟

جواب چیستان : فقط خیس خواهد شد، زیرا دریای سیاه و دریای سرخ تنها نام آنهاست، و گرنه آبشان نیز مانند سایر دریاها بیرنگ است و تاثیری بر جسم انسان نخواهد داشت

GORJI

02-07-2010, 10:55

عقربه های ساعت نما و دقیقه نما در ساعت، طی یک شبانه روز، چند بار با هم در زاویه 180 درجه تشکیل خواهند داد؟

جواب چیستان : چهل و هشت بار

شخصی در هر یک از دو دست خود چند قطعه پول دارد. عده قطعات یکی از دستها زوج، و عده

قطعات دست دیگر فرد است. می خواهیم بدانیم آنکه عدد زوج است در کدام دست قرار دارد

جواب چیستان : به وی پیشنهاد کنید، تعداد سکه های دست راست را در هر عدد زوجی که می خواهد ضرب کند و تعداد سکه های دست چپ را هم، در هر عدد فردی که مایل است ضرب نماید و مجموع دو حاصل را از او پرسید اگر فرد بود، تعداد سکه های دست راست او زوج است و اگر زوج بود، تعداد سکه های دست چپ او فرد می باشد برای مثال فرض کنید در دست راست او 5 سکه و در دست چپش 8 سکه باشد. مجموعی را که می گیریم، مطابق قاعده ی فوق چنین خواهد شد: $32 = (8 \times 3) + (5 \times 2)$ از این قرار، معلوم می شود که تعداد سکه های دست راست فرد، و تعداد سکه های دست چپ زوج است

آیا یک نفر می تواند ساعت هشت صبح با هواپیما از بندر ولادی وُستک در شرق روسیه و کنار اقیانوس آرام حرکت کند و ساعت هشت صبح همان روز در فرودگاه مسکو بر زمین بنشیند؟

جواب چیستان : بلی مشروط بر اینکه سرعت هواپیما را طوری تنظیم کند که فاصله میان دو شهر یعنی 9000 کیلومتر را در 9 ساعت بپیماید. یعنی در هر ساعت 1000 کیلومتر را طی کند. زیرا اختلاف ساعت بین ولادی وستک و مسکو 9 ساعت است و اگر هواپیما با سرعتی معادل 1000 کیلومتر در ساعت، طی مسیر کند، هر ساعتی که از ولادی وستک حرکت کرده باشد، در همان ساعت، در مسکو بر زمین خواهد نشست

چگونه می توانیم تخم مرغ پخته را از خام تشخیص دهیم؟

جواب چیستان : تخم مرغ پخته و خام به یک طریق نمی چرخند. تخم مرغی را بگیرید، آن را روی صفحه ای افقی و صاف گذارده، بچرخانید. تخم مرغ پخته، بویژه اگر خوب سفت شده باشد، خیلی سریعتر و بیشتر از تخم مرغ خام می چرخد! در واقع، چرخاندن تخم خام کار مشکلی است. تخم مرغ سفت چنان سریع می چرخد، که بشکل بیضی سفید مسطح و مبهمی دیده می شود. اگر بتوانید سرعت دُوران کافی به آن بدهید، حتی ممکن است روی انتهای باریکش برخیزد. علت آن است که تخم مرغ پخته، برخلاف تخم مرغ خام، مثل یک مجموعه کامل یا جسم سختی دوران میکند، محتویات آبگونه ای تخم مرغ خام نمی تواند به سرعت، همراه پوست شروع به چرخش کند. لذا مانند ترمز عمل کرده و با لختی خود، در کار چرخیدن پوسته سفت اخلا می کند، دیگر آنکه موقع ایستادن، تخم مرغ پخته و خام به یک شکل متوقف نمی شوند. اگر به تخم مرغ پخته ای که در حال چرخیدن است انگشت بزنید، فوراً از دوران باز می ایستد، ولی اگر این کار را با تخم مرغ خام کنید، پس از برداشتن انگشت، دوباره حرکت خود را از سر می گیرد. محرک این عمل، نیز همان نیروی لختی است. پس از آنکه پوسته تخم مرغ خام را متوقف کردید، محتویات ابگونه ای درون آن باز هم به حرکت خود ادامه می دهند. در نتیجه، پس از برداشتن انگشت، دوباره پوسته را به حرکت وا می دارند. ولی محتویات تخم مرغ پخته با پوست خود متوقف می شوند

شخصی لنگه جورابهای خود را از مدتی پیش به اینطرف در صندوقی انداخته و اینک در آن صندوق، 25 لنگه جوراب سفید و 25 لنگه جوراب سیاه جمع شده است. حالا بهنگام شب، که برق نیز قطع شده است، آن شخص به یک جفت جوراب نیازمند است و چون چراغ پیدا نکرده، در تاریکی به اتاقی که صندوق جورابها در آنجاست رفته و در همان تاریکی می خواهد برای خود یک

جفت جوراب انتخاب نماید، که هر دو سفید یا سیاه باشند! آیا می توانید بگوئید که چند لنگه جوراب باید از آن صندوق برداشته، با خود به روشنایی ببرد، که بطور یقین و در میان آنها یک جفت یکرنگ، یعنی هر دو سفید یا هر دو سیاه باشد؟

جواب چیستان : اگر آن شخص، فقط سه لنگه جوراب از آن صندوق برداشته، به روشنایی بیاورد، بلاشک، دو لنگه از آن سه لنگه یا سفید است یا سیاه، و غیر از این ممکن نیست

GORJI

02-07-2010, 16:01

آن چیست که پس از جیر جیر کردن بسیار، درشت و پنبه ای می گذارد؟ - 1

آن چیست که اگر از ارتفاع زیاد به زمین افتد نمی شکند، اما اگر در دخمه ای افتد می شکند؟ - 2

آن کیست که پیش از تولدش نه ماه در حبس گرفتار بود؟ - 3

آن کدام پادشاه بود که طول مدت سلطنتش، بیشتر از مدت عمرش بود؟ - 4

آن چیست که هر چه از آن بردارند بیشتر می شود؟ - 5

دوک نخ ریسی - 1

تخمه - 2

انسان در شکم مادر - 3

شاپور ذوالاکتاف، زیرا پیش از تولدش، تاج شاهی را بالای تخت مادر آبتن او گذاشته بودند - 4

چاه است که هر چه از آبش بردارند بیشتر می شود - 5

GORJI

02-07-2010, 16:04

آن چیست که امروز مهمان ماست، فردا نوبت شما؟ - 1

آن چیست که روز می دود و شب پاسبانِ اتاق است؟ - 2

آن چیست که پای کوه نشسته و عمامه به سر دارد؟ - 3

آن کدام جانور است که صبح با چهار پا، ظهر با دو پا و عصر با سه پا راه می رود؟ - 4

آن کدام دو برادر هستند که همیشه خاک بر سر هم میکنند؟ - 5

مرگ - 1

کفش - 2

قارچ - 3

انسان است که در کودکی با دستها و پاها، در جوانی با دو پا و در پیری با سه پا (دوپا و یک - 4
عصا) را می رود

بیل و کلنگ - 5

GORJI

02-07-2010, 16:06

آن چیست که تا یک بار خار رویش نگذاری به خواب نمی رود؟

کدام جمله معروف است که میلیونها نفر آنرا می دانند و به زبان می رانند ولی هنگام گفتن آن - 2
لب بر هم نمی زنند؟

آن چیست که از لذیذترین چیزهاست، ولی نمی شود آنرا خورد؟ - 3

آن چیست که روز و شب دستش را به کمرش زده و ایستاده است؟ - 4

آن چیست که من یکی دارم، تو دوتا داری، شاه سه تا و پسر پادشاه نه تا؟ - 5

=====

چشم است که تاملگران را روی هم نگذاریم به خواب نمی رود - 1

جمله معروف «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» - 2

بوسه - 3

آفتابه - 4

نقطه - 5

GORJI

02-07-2010, 16:13

آن چیست که اگر از آسمان به زمین بیفتد نمی شکند، اما به محض افتادن در آب می شکند؟ - 1

کدام برادرها هستند که دیواری میانشان هست و همدیگر را نمی بینند؟ - 2

آن چیست که اگر به زمین بیفتد نمی شکند، در آب هم تر نمی شود؟ - 3

آن چیست که در دنیاست، دنیا هم در اوست؟ - 4

آن کدام بچه ایست که به مادرش شیر می دهد؟ - 5

=====

کاغذ - 1

دو چشم انسان - 2

سایه - 3

چشم - 4

رودخانه ای که وارد دریا می شود - 5

GORJI

02-07-2010, 16:14

آن چیست که تا اسمش را به زبان می رانی می شکند؟

آن چیست که هر چه آب در آن بریزند پر نمی شود؟

آن چیست که سرش را می بُریم و برایش گریه می کنیم؟

آن چیست که هر چه می دویم به آن نمی رسیم؟

آن چیست که اگر گریه کند می میرد؟

=====

سکوت

آبکش

پیاز

سایه خود ما

ابر

GORJI

02-07-2010, 16:16

آن چیست که همه چیز در آن است؟

آن کیست که برای همه مردم لباس می دوزد، اما خودش لخت است؟

آن چیست که ما تصور می کنیم او را می خوریم، اما در حقیقت او ما را می خورد؟

آن چیست که می دانیم کجاست ولی نمی دانیم چیست؟

آن چیست که همه دارند؟

=====

=====

چشم، آینه، کاغذ

سوزن

غصه

بچه در شکم مادر

اسم

LIDA

02-07-2010, 16:59

ماهی شکم دریده، رحل به رویش کشیده، هر که آن را بداند، عقل بزرگان دارد

درنداره گنجینه، تر کیده سر داره

او سَنه بِلدم سی سَنه چهل تا مرغ به یک خَنه پلو خوردن دَنه دَنه همچی که هیشکس ندونه

آن چیه، پیچ پیچیه بند قباش کیبریتی یه مدنم کجیه نمدنم چیه

آن چیه که خَم داره از خمی سر به هم داره چار تا خال در شکم داره؟

قلمدان

خشخاش

انار

بچه در شکم مادر

نعل اسب و الاغ و استر

LIDA

02-07-2010, 17:04

ای طرفش اره، میونش گوشت بره

چار دیکون دوش به دوشه یکی اطلس فروشه یکیش آرد فروشه یکیش، الیجه فروشه یکیش کُنده
فروشه

خدا بزرگه، بارون می زنه خدا کوچیکه برف می زنه

دو دکون (دکان)، او پس دوکون، روغن شُل، چکون چکون

از اون دورا میاد سه تا علمدار اندر زمین، اندر هوا، کلاه به سر، سیزه قبا

دندانها و زبان

پول و مسکوک

سنجد

آب بینی

به ترتیب: گندم، انگور، انار، خیار

LIDA

02-07-2010, 17:10

هم به انگورم، هم به انار نه انگورم نه انار زنجیر نیستم، به زنجیرم نخجیر نیستم، به نخجیرم

آتَو و مَتَو کَلَه باریکِ ... گتو

از دو میاد سه تا علمدار کدوم کاکامه! کلا قلمکار کدوم عمومه! پیشو طلایی کدوم دائیمه! شالِ

رضائی

از اینجا تا به شوستر همه ش خونِ کبوتر

از در در اوَمَد شاهِ پلنگِ عصا به دستش همه رنگِ

دانه های انار و انگور

درفش

انار، گل و برگ آن

گل سرخ

رنگین کمان (قوس و قزح) ، کمان رستم

LIDA

02-07-2010, 17:16

از دَر در اومد علی پلنگ عبا به دوشش همه رنگ

از در در اومد هلی لَم نه شاخ به سر داره نه دُم

دیدم دو صنم برابری می کرد دعوی به سَر زلفِ پری می کرد یارب، به فدای هر دو گردم من جنگ
او به زبان زرگری می کرد

از دور دیدم ماه را از دل کشیدم آه را آن ترک تیر انداز را برهم زده شیراز را

از دور میاد چه غلغله دامن قباش چه بلبله کلاه نهاده زنجیل که من غلام آتشم

قالی

سیل

گوشواره

کبریت

زنبور

LIDA

02-07-2010, 17:19

از دور میاد، خوشخو میاد

نزدیک میاد، شمشیر به دست، بدخو میاد

از دور میاد شاه پلنگ، عصای دستش همه رنگ

زرگری به زرگری، بالاترش روغن کاری، بالاترش آینه کاری، بالاترش تخته روون، بالاترش کوه

سیاه، بالاترش گله چرون

اشر پلنگِ بی دُم، بالی زند به صحرا، مالی دهد به مردم

زرده، نه زعفرانه گرده ، نه گردکانه

اشکاف تنگ و تاریک پر از مور سر باریک

دو لچه (دُلُو)

دهان، بینی، چشمها، پیشانی، سرو موها

زنبور عسل

اشرفی

تفنگ و باروت

GORJI

03-07-2010, 12:28

آن چیست که از تخم مرغ کوچکتر و از شتر بزرگتر است؟

آن چیست که بالاتر از پیامبر و پایین تر از خداست؟

آن چیست که رفتنش کار دارد، آمدنش بار دارد؟

آن چیست که پیش از استعمال راست و پس از استعمال کج است، از آن هم آب می چکد؟

آن چه شهر سرخ یا زردی است که مردمانش سیاه هستند؟

گلولة نخ هنگام بسته و باز بودن

عمامه پیامبر

قاشق

چتر بهنگام ریزش باران و هنگام بسته بودن

هندوانه

GORJI

03-07-2010, 12:30

آن چیست که شیرین است و طعم ندارد، سنگین است و وزن ندارد؟

آن چیست که گوشتش در رو قرار گرفته و پوستش در زیر؟

می دانیم اگر ته هر چیزی را بکنند کوتاه می شود و هر چه را از اطرافش بکنند باریک می شود. آن چه چیزی است که هر چه تَهش را بکنند بلندتر و هر چه اطرافش را بکنند کلفت تر می شود؟

آن چیست که بر همه چیز و همه کس واجب است؟

آن چیست که چهار در دارد و هر درش سه در و هر یک از این درها سی در؟

خواب

سنگدان

چاه

نام، اسم

سال و ماه و روز است که بترتیب: سال چهار فصل دارد، فصل سه ماه و هر ماه 30 روز است

GORJI

03-07-2010, 12:32

آن چیست که هم آنرا می خوریم و هم آنرا می گردانیم؟

آن چیست که وقتی نشسته است سه پا دارد، وقتی برمی خیزد دو پا؟

سه برادرند که جان ندارند، اما حرکت می کنند، آن سه برادر کدامند؟

آن کدام درختی است که کاشته نشده است؟

آن کدام رنگی است که باچشم دیده نمی شود؟

چرخ

فُرغون

آب و باد و ابر

شجره خانوادگی

رنگ ماوراءبنفش و مادون قرمز

03-07-2010, 12:34

آن کدام جانوری است که هرگز آب نمی نوشد؟

آن چیست که در پشت کوه سُرخاب و سفیداب می کند؟

آن چیست که یک لایش نمی رسد ولی دولایش می رسد؟

آن چیست که پایش در سر است و رویش در پا؟

آن چیست که من می روم و او هم می رود؟

موش کانگوروئی

ریواس

دست است که در حالی که راست است به دهان نمی رسد، اما پس از خم شدن به دهان می رسد

پارو است که سرش «پا» و پایش «رو» می باشد

سایه

GORJI

03-07-2010, 12:37

آن چیست که من می روم و او می ماند؟

آن چیست که صدا دارد و جثّه ندارد؟

آن نیستی چیست که در لباس هستی جلوه می کند؟

آن چیست که یک نفر دو چشمه دارد، دیگری چهار چشمه و سومی هفت چشمه؟

آن چیست که هر مقدار از آنرا داشته باشند ناخشنودند؟

جای پا

باد

خواب

پستان زن، گوسفند و سگ است، که اولی دو لول دارد، دومی چهار لول و سومی دارای هفت لول است

پول

GORJI

03-07-2010, 12:39

آن چیست که آدمی هر چه بیشتر داشته باشد خوشودتر است؟

آن چیست که هر جا بیندازند می رود؟

آن چیست که بی علم و دانش، همه چیز را همانگونه که هست آشکار می سازد؟

آن کدام برادرانند که هر چه می دونند به هم نمی رسند؟

آن چیست که روزها کُلفت است و شبها خانم؟

عقل

نگاه، نظر

آینه

چرخ خرمنکوبی، چرخ درشکه و گاری و خودرو

جاروب

LIDA

03-07-2010, 13:31

اولم آخر پلنگ است که زیبا وقتِ جنگ است دومم آخر شیر است که بر جنگل امیر است سومم
میان ببر است

چو توفان و چو ابر است آخرم آخر گربه است ولی مایه خنده است با بچه ها همبازیم چه نازیم، چه
نازیم

مَشَنگم و قشنگم که خیلی شوخ و شنگم

اولم اول پیاز است دومم اول ساز است چهارمم آخر هسته توی صندوقچه بسته

اولم اول خیار است دومم آخر خیار است سومم دوم آب است چهارمم سوم راز است آخرم آخر
کوزه است

اولم اول زمستان، آخرم آخر باغ دومم رفته زمستان، آمده میان باغ

اول و آخرم اول قند، میانم آتش، به همین خیال باش

گربه

پسته

خریزه

زاغ

قاشق

LIDA

03-07-2010, 13:36

اولم اول فیل، دومم چشمه نیله، سومم اون ور عاجه، چهارم هسته کاجه، آخرم اول نازه، نگفتی که
این چه رازه؟

این چیه لعبت پسندیده پیراهن سبز سرخ پوشیده در میان دو حقه چوبی صد هزاران هنر بگنجیده

این چیه گرد و گولِه شب و روز گوشه مدَبَخ (مطبخ) می لوله؟

این سر بازار سفیدکاری، اون سر بازار سفیدکاری، میون بازار طلا کاری

این سر کو (کوه) دویدم، اون سر کوه دویدم، مَلِکِی کهنه دیدم، خر زردی ندیدم

فنجان

پسته

پیاز

تخم مرغ

شکارچی

LIDA

03-07-2010, 13:40

این وَرِ کو، اون وَرِ کو، میون کو، ناقاره بکو

در بَسَه (بسته)، دالون بَسَه، صد عروس رو بَسَه

صدتا خانوم تو یه خونه بذار دَهَن، دونه دونه

صندوقچه سلیمانه، آکنده به دُر دانه، لابه لاش طلا کاری، دونه هاش چو مرواری

حَصینِ سبز گُل گلی تَنه ش زن که میشکنی

چاهکِ مستراح

انار

انار

انار

زن آبستن

LIDA

03-07-2010, 13:45

دَسَمال انار، پیشِ زنِ سالار آگه جرأت داری، یکیشو وردار

دورش نازی، پاش چناری، زَهله (زهرة) داری، وَرش داری؟

آسمان رنگِ اردها پیکر مرده را زنده می کند به نظر

چادر زنگاری، پُر خوشه مرواری

سینی دارم پر گوشواره کسی رُ ندارم بِشْمُره

آتش در منقل

آتش

لاک پشت

آسمان و ستارگان

آسمان و ستارگان

03-07-2010, 21:11

آقا قیل و ماقا قیل سرش تنگ و تَهش فیل

آقا کوچولوی زردِ آبی، تکیه داده تو مهتابی، قربون زلف چین چینش، داره صفا عرقچینش

قالی لب بافته، گل به گل انداخته، قدرت پروردگار، خوب بهم بافته

بابا، چوبی - ننه، چوبی - بچه یی دارند، گُمپ گلی

بابا، دراز و غولک - ننه، پهنه و پهنک - دختر، گرد و گلوله، دوما دَل و دیوانه

افتابه

جارو

آسمان و ستارگان

گردو

بابا، تاک، درخت مو، ننه برگ آن، دخترها دانه ها یا خوشه انگور، داماد، شراب

03-07-2010, 21:15

پرنده ای بی بال و پر، نه زائیده مادر، نه دیده پدر

نه دَس داره نه پا داره خبر از همه جا داره

باغه و باغ دو در- انار و انجیر تر- یه بابائیه را گُذَر (راهگذر)- مَندیل به کله اش این قَدَر

دو برادرَن دوش به دوش هر دو برادر روغن فروش

شهر ما هَف دروازَس، به هر دَرشِ یِه دَرَبونَه، باجِ هر در نصف باره، هر مُکاری می دونه، حالا چَن
(چند) لِنگِه بیاری یکیش واسُت می مونه

باد

بادمجان

سوراخهای بینی

صد و بیست و هشت لنگه بار، که در نخستین دروازه 64 لنگه آن باقی می ماند و در دومین 32
لنگه، و در سومین 16 لنگه، و در چهارمین 8 لنگه

خیار، بالنک

LIDA

03-07-2010, 21:18

پاک و پاکیزه تحفه دریا که نمد پیچ و حیدری وار است گاه در توی چاه رفته و گاه بر لب اره او
گرفتار است

پیرمرد نورانی، نمد پوش حیدر پیرانی. گه به چاه است و گه به بازار است، نقره خام بر سر اره گرفتار
است

در را ببند، دالان را ببند، که خانم سفید پوش داره می رقصه

میاد مثل امیرا، می شینه عین وزیرا، می پیچین لای حصیرش، می برن عین اسیرا

دو در هوا، چار در زمین، ای خربزه

برف

برف

برف

برف

بُر است که منظور از دو در هوا، دو شاخ آن و منظور از چهار در زمین، چارپای آن است

LIDA

03-07-2010, 21:31

زرد است و زری می زنه، گرکش نمدی می زنه، دست گلعدارش ده، خورد پادشاهش ده

طبیعت لعل ساز، لعل تراشیده باز، لعل تراشیده را، به نقره پیچیده باز، به نقره پیچیده را، به پیش هم
... چیده باز، به پیش هم چیده را، به حقه پیچیده باز، به حقه پیچیده را، به نام نامیده باز

گوشت تو گیره، گیره تو گیره، گیره راه می ره

پُر موی ترکیده سر یک و جب و مختصر

یک و جبک نیم و جبک نه بیشترک نه کمترک ترکیده سر، پشم هلو وقتِ سحر، خوردن او

به

جای نقطه چین «نار» به معنی «انار» باید گذاشت، زیرا، انار شبیه لعل تراشیده است که در پرده ای نقره
گون پیچیده شده و بعد کنار هم گذاشته شده و درون حقه ای (پوست انار) پیچیده شده است

پا

پاچه گوسفند

پاچه گوسفند

LIDA

03-07-2010, 21:35

پارچه س، سوزن ندیده، آرده، آسیاب ندیده، همیزمه، تبر ندیده

دس داره، پا نداره یه شیکم پاره داره

یک چارک گوشت لذا رگ و پی داره هزا سر او گندله مازو جون ننه ت خورده از او

سبکی بازار کدومه سنگینی بازار کدومه سفیدی بازار کدومه

سیرم سقطم (سُقُطَم) گرسنه ام بی قوتم (قوتم)

سنجد

کت یا پالتو

پستان

پنبه، سرب، گچ

پیر

GORJI

03-07-2010, 22:27

آن چیست که وقتی بیرون آمد دیگر تو نمی رود؟

آن چیست که تا سرش را نبرند حرف نمی زند؟

می دانم هر چیزی در اثر مجاورت با آتش گرم و سرانجام ذوب می گردد، اما دو چیز هستند که

در اثر همجواری با گرما سفت تر سخت تر می شوند، ان دو چیز کدامند؟

آن چه چیزی است که هرچه با آن بنویسند تمام نمی شود؟

آن چه ویژگی است که اگر آنرا در جانوران ببینیم، بی درنگ می فهمیم که آن جانور تخمگذار است یا بچه زا؟

بچه پس از تولد از مادر

نامه درون پاکت است، که تا پاکتش را پاره نکنند از مضمونش باخبر نمی شوند

گل و تخم مرغ

دست است

گوش است، زیرا تخمگذاران گوششان ناپیدا و بچه زها گوششان پیدا است! تنها در این مورد یک استثنا هست و آن نوعی افعی بچه زاست که گوشش دقیق پیدا نیست

GORJI

03-07-2010, 22:29

آن چه کشوری است که در پیشانی ماست؟

آن چه کشوری است که در چشم ماست؟

آن چه کشوری است که متشابه نامش در یکی از آیه های معروف قرآن است؟

آن چیست که هم بچه دارد و هم تفنگ؟

آن چیست که هر چه آنرا بیشتر بکشیم کوتاهتر می شود؟

چین

گُره

کشور «تبت» در شمال شبه قاره هند است که پایتختش «لها سا» است و متشابه لغت «تبت»، در آیه مشهور «تبت یُدا ابی لَهَب و تَب» می باشد

قُنداق

سیگار

GORJI

03-07-2010, 22:33

آن چیست که هر چه آنرا بیشتر بکشیم بلندتر می شود؟

آن چیست که هم آنرا برخی بازیکنان در دست می گیرند و هم اینکه در آسمان رهايش می سازند؟

آن چیست که بالایش جهنم، وسطش جنگل و پائینش دریاست؟

آن چیست که راه می رود و مدام سرش به سنگ می خورد؟

آن چیست که گردن دارد اما سر ندارد، دست دارد اما پا ندارد؟

خط

راکت

قلیان

آب رودخانه و جوی

کوزه

آن چیست که پدر و پسر دارند، اما مادر ندارد؟

آن چیست که وجودش موجب فراوانی و آبادانی است، اما عکسش سبب ضعف و ناتوانی و ویرانی است؟

آن چیست که بسیارش کم است، و آن چیست که کمش بسیار است؟

آن چه رودیست که در آن دریا وجود دارد؟

آن چیست که هم در سربازخانه است و هم در سیستان و بلوچستان؟

نقطه است که پدر سه و پسر نیز سه نقطه دارد اما مادر نقطه ندارد

گنج و جنگ

آنکه بسیارش کم است «دوست» است و آنکه کمش بسیار است، «دشمن» است

آمودریا

سرباز است که هم در سربازخانه است و هم نام رودی در سیستان و بلوچستان است

GORJI

04-07-2010, 21:13

آن چیست که هم نام شهری است، هم وسیله ای است در چرخ خیاطی و ماشین نساجی؟

آن چیست که هم یک لقب فرانسوی است و هم وسیله ای در چرخها و ماشینهای نخریسی و نساجی؟

آن کدام پل در تهرانست که نامش منسوب به یکی از ملل اروپایی است؟

آن کدام واژه است که باسوادترین و دانشمندترین مردم دنیا نیز آنرا غلط تلفظ می کنند؟

آن چیست که همه چیز را می خورد و سرانجام خودش نیز از میان می رود؟

ماکو است که هم شهری در آذربایجان غربی است و هم وسیله ای در چرخ خیاطی و ماشین نساجی

دوک

پُل رومی

واژه «غلط»

آتش

LIDA

04-07-2010, 21:28

فرض کنید راننده اتوبوس برقی اید. در ایستگاه اول 6 نفر وارد اتوبوس می شوند ، در ایستگاه دوم 3 نفر بیرون می روند و 5 نفر سوار می شوند. راننده چند سال دارد؟

پنج کلاغ روی درختی نشسته اند ، 3 تا از آنها در شرف پروازند ، حال چه تعداد کلاغ روی درخت باقی می ماند؟

چه تعداد از هر نوع حیوان به داخل کشتی حضرت موسی برده شد؟

شیب یک طرف پشت بام شیروانی شکلی ، 60 درجه و طرف دیگر 30 درجه است ، خروسی روی این پشت بام تخم گذاشته است. تخم به کدام سمت پرت میشود؟

هواپیمایی از ایران به سمت ترکیه در حرکت است و در مرز این دو سقوط می کند ، بازمانده ها را کجا دفن می کنند؟

من دو سکه به شما می دهم که مجموعش 30 تومان می شود ، اما یکی از آنها نباید 25 تومانی باشد چطور؟

جواب ها

جواب سوال 1: راننده اتوبوس هم سن شما باید باشد؛ چون جمله ی اول پرسش می گوید : تصور کنید راننده ی اتوبوسید

جواب سوال 2 : همه کلاغ ها ، چون آنها فقط در شرف پروازند و هنوز از روی درخت بلند نشده اند.

جواب سوال 3: هیچ ، آن نوح بود که حیوانات را به کشتی برد و نه موسی (چه تعداد جلوی فکر کردن شما را گرفته است).

جواب سوال 4: هیچ کدام. خروس ها که تخم نمی گذارند. اگر شما سعی کرده اید پاسخ را از راه محاسبات و مقایسه ی اعداد به دست بیاوید ، شما دوباره با اعداد منحرف شده اید

جواب سوال 5: بازمانده ها را دفن نمی کنند . آنها جان سالم به در برده اند. شما با کلمات حقوقی و دفن کردن منحرف شده اید

جواب سوال 6: یک 25 تومانی و یک 5 تومانی. به یاد بیاورید که فقط یکی از آنها نباید 25 تومانی باشد و همین طور هم هست. یک سکه 5 تومانی داریم. شما با عبارت یکی از آنها نباید فریب خورده اید

LIDA

04-07-2010, 21:37

چیست کاندردهان بی دندان هر چه افتاده ریزریز کند چون زنی در دو چشم او انگشت در زمكان هر دو گوش تیز کند

چیست این جانور دو سر دارد از دو سوراخ سر بدر دارد هر که بگشاید این معما را دانم از عاشقی خبر دارد

چیست آن لعبت شتابزده روز و شب رفته و قدم نزده وقت غریدنش چو ابر بهار برف باریده و نمش
نزده

چیست آن گل که رسته بر لب جو قطره ژاله ای چکیده بر او صورتش شکل صورت انسان مظهر
عشق و رونق بستان؟

آن چیست که پیک عاشقان است مشاطه زلف دلبر است خندیدن گل زبوسه اوست رقص چمن از
نواى آنست

قیچی

بند شلوار

آسیاب

گل بنفشه

نسیم

GORJI

04-07-2010, 23:14

آن چیست که هم پاپوش ماست و هم محل نگهداری آثار ارزشمند و قدیمی؟

آن کدام یک است که دو نمی شود؟

آن کدام دو است که سه نمی شود؟

آن کدام سه است که چهار نمی شود؟

آن کدام چهار است که پنج نمی شود؟

موزه

خداوند یکتا

شب و روز، تاریکی و روشنایی، خوبی و بدی، زشتی و زیبایی

ماه‌های هر فصل، اضلاع مثلث

فصول سال، اضلاع مربع، مستطیل، لوزی و متوازی الاضلاع

GORJI

04-07-2010, 23:16

آن کدام پنج است که شش نمی شود؟

آن کدام شش است که هفت نمی شود؟

آن کدام هفت است که هشت نمی شود؟

آن کدام هشت است که نه نمی شود؟

آن کدام نه است که ده نمی شود؟

پنجه دست و پا

شش‌دانگ هر چیز و شش‌لول

هفت طبقه آسمان، هفت پیکر، هفت شهر عشق، هفت تیر، ایام هفته

پاهای هشت پا

اعداد یک رقمی

GORJI

04-07-2010, 23:18

آن کدام ده است که یازده نمی شود؟

آن چیست که هر چه به نیم روز و نیمه شب نزدیکتر می شویم بیشتر می شود؟

چه وقت همه برایمان شادی می کنند، و چه وقت همه برایمان می گریند؟

آن چیست که بالای سرماست، اما اگر برعکسش کنیم تبدیل به «فلز» می شود؟

آن کدام شبه فلزی است که اگر برعکسش کنیم، یکی از سبزیها خواهد شد؟

دهگان، انگشتان دستها یا پاها

تعداد ضربات زنگ ساعت دیواری

به هنگام تولد، همه برایمان شادمانی می کنند و به هنگام مرگ، همه برایمان اشک می ریزند

زلف است که برعکس آن «فلز» می شود

جیوه است که برعکس آن «هویج» می شود

GORJI

04-07-2010, 23:19

آن چیست که هم در آسمان است و هم وسیله ایست برای تنبیه و کتک زدن افراد خاطی؟

آن چیست که هم نام گیاه است و هم اذان می گوید؟

آن چیست که کم می شود ولی زیاد نمی شود، و آن چیست که زیاد می شود اما کم نمی شود؟

آن چیست که هم انسان دارد، هم تخم مرغ و هم جاده؟

آن چیست که تابه سرش نکوبی کار نمی کند؟

فَلَكْ

بلال است که هم نام دیگر ذرت است و هم اسم «بلال حبشی» اذان گوی حضرت رسول (ص)

آنچه کم می شود اما زیاد نمی شود عمر آدمی است و آنچه زیاد می شود اما کم نمی شود سن آدمی است

شانه

میخ

GORJI

05-07-2010, 12:08

آن چیست که خوراکش فقط باد هواست؟

آن چیست که همه جا می رود، اما هرگز کاشانه اش را ترک نمی کند؟

آن چیست که روبه بالا و پایین درست و چپ می رود، اما هرگز حرکت نمی کند؟

آن چیست که هم هنرپیشه دارد، هم خودرو؟

آن چیست که هم در نجاری است، هم در آشپزخانه؟

بادکنک

لاک پشت است که هیچگاه کاسه اش را ترک نمی کند

جاده

رُل

رنده . 125

GORJI

05-07-2010, 12:10

آن چیست که هم ورزشگاه است، هم در میدان جنگ و هم در بازار بزازها؟

آن چیست که هر چه می روی او بر جا می ماند؟

آن چیست که اولش عبادتست و آخرش آشامیدنی است؟

آن چیست که هم درون شیشه است، هم درون جنگل و هم لبِ حوض؟

آن کدام میوه ای است که نام یکی از مردان اسطوره ای دوبار در آن تکرار شده است؟

توپ

جای پا

حجاب است که اولش «حج» از عبادات است و آخرش «آب» از آشامیدنیها

شیر

زال زالك است که نام «زال» پدر رستم دوبار در آن تکرار شده است

GORJI

05-07-2010, 12:12

آن نام کدام جانور است که اگر برعکسش کنیم، نام یکی از ملتهای باستانی خواهد شد؟

آن چیست که چهارتابرادرنند، توی یک ظرف ادرار می کنند؟

آن چیست که دخترش حامله است، اما مادرش (ننه جونش) بکر؟

آن چیست که مرده ها و زنده ها با هم انجام می دهند؟

آن چیست که با آب همه دریاها طاهر نمی شود، اما بازبان پاک می گردد؟

مور است که اگر برعکسش کنیم «روم» می شود

پستانهای گاو است که در یک ظرف دوشیده می شوند

هندوانه

گردش به دور زمین و گردش به دور خورشید

کافر است که با گفتن شهادتین مسلمان می شود

GORJI

05-07-2010, 12:14

آن چیست که دو پا دارد، دو پا هم قرض می کند، اما کسی به گردش نمی رسد؟

آن چیست که سر تاپایش نیم من نمی شود، اما یک اتاق را پُر می کند؟

آن چیست که تا نبندیش، خوابت نمی برد؟

آن چیست که صدا دارد اما گلو ندارد؟

آن چیست که حضرت علی دیده، ولی خدا ندیده است؟

--

دو چرخه و دو چرخه سوار است

چراغ نفتی است که با نورش اتاقی را روشن می سازد

دَرِ خانه است. یا به عبارتی چشم آدمی

باد

بزرگتر از خود

GORJI

05-07-2010, 12:16

آن چیست که تو کاف هست تو گاف نیست، تو لام هست تو میم نیست، تو غین هست تو عین نیست؟

آن چیست که درمیان «گره»، «ماهی» است؟

آن کدام درنده است که آدم سرش را می خورد؟

اون چیه که مال توئه، اما خودت کمتر از همه به کارش می بری؟

اون چی چیه که روش نقره س، زیرش طلا؟

کلاغ

گرمابه

شیر

اسم

تخم مرغ

LIDA

05-07-2010, 20:22

چیست نه شلوار ونه پیراهنش هر چه خواهی می نهی در دامنش راست گوید هر چه گوید بی زبان

اژدهایی، عقربی در دامنش

لعبتی چیست، نغز و خاک مزاج که به آبی است در جهان خورسند دست بر سر نهاده، پنداری به سر

خویش می خورد سوگند

چیست آن ماهروی محبوبی همه عالم فدای دیدارش هر که را وصل او نصیب شود شود آماده مقصد
و کارش

آن چیست که روز می نماید شبگون صد پاره تنش، ولی ریک پاره نگون چون دست باو نهی زاندازه
فزون همچون دل عاشقان فروریزد خون

آن چیست که یک جناح و یک پا دارد جا در کف مهوشان رعنا دارد چون گرم شود مدام در پر
زدن است چون سرد شود مقام عنقا دارد

ترازوی زنجیردار

کوزه

پول

شاه توت

بادبزن

LIDA

05-07-2010, 20:27

آن چیست که در بادیه ماوا دارد بر فرق سر جانوران جا دارد بس جانور بوالعجبی می باشد سیصد
سروده شکم، دو صد پا دارد

چه چیز است، مرغی است بی بال و پر سرش تا نبری نگوید خبر

آن چیست کزو حسن بت افزون گردد اندر کف مهوشان موزون گردد سبز است تنش، ولی عجیب
است چون آن بدو رسد همه خون گردد

آن چیست که در برگ پناهی دارد رخت سیه و سبز کلاهی دارد پوستین بکنند و سینه اش چاک
کنند من در عجبم کاین چه گناهی دارد

چیست آن، کز چشمه ای آید برون بی هدف ره می برد با قلب خون مدتی بر دشت خشکی چون
برفت می شود از سنگ سختی سرنگون

شیر باحروف ابجد

نامه

حنا

بادمجان

اشکِ چشم

LIDA

05-07-2010, 20:31

بگو چیست آن ده دو سرو سهی که رسته است شاداب با فرهی از آن برزده هر یکی شاخه سی نگرده
کم و بیش بر پارسی

آن چیست که در سه وقت کمیاب شود گر آب تنی کنی، تنش آب شود گر گرم شود گریه کند تا
میرد گر سرد شود، زندگی از سر گیرد

آن چیست ک ارغوان قبایی دارد بیرون و درون شهر جایی دارد گرد است و مدور است و تاجش بر
سر مانند ک دم موش پایی دارد

آن چیست گرد و کوچک، آویزه و معلق گاهی حلال و طیب، گاهی حرام مطلق

این چه باشد که پشت خم دارد از خمی هر دو سر به هم دارد وزن او نیست خود به صد مثقال صد
منی را به پشت بر دارد

سال و ماه و روز

برف و یخ

چغندر

انگور

نعل اسب

H3ydari

05-07-2010, 20:33

:منم یه معما بگم اما جوابش رو فعلا نمیگم

یه زن توی خیابون یه کودک رو نوازش میکرده

ازش میپرسن این کیه که داری نوازش میکنی

میگه این هم نوه ی من هستش هم برادر شوهرم

:خوب چه جوری میشه که بچه هم نوش بوده هم برادر شوهرش؟!!!!:4

LIDA

06-07-2010, 09:56

چیستم؟ کیستم؟ پاکیزه کننده محیط زیستم. یعنی چی؟-

آن چه حیوانی است که هیچ وقت تشنه نمی شود؟ یعنی چی؟-2

آن چیست که با سواد ترین آدم ها آن را غلط می نویسند؟ یعنی چی؟-3

آن چیست که بدون صدا زنگ می زند؟ یعنی چی؟-4

آن چه مرغیست تا اوج هوا رهسپراست کاندترین صحرا بدیدم یک عجایب جانور-5

درخت-1

ماهی-2

کلمه (غلط)-3

آهن-4

هواپیما

LIDA

07-07-2010, 16:47

آن چیست کز آن طبق همی تابد چون عاج، به زیر شعر عنابی ساقش به مثل چو ساعد حورا دستش به
مثال پای مرغابی

آن چه چیز است که بر سینه خصمان گذرد کهربا پیکر و آهن دم و فولاد سر است

این جسم عجیب چیست که بر چرخ پدید است گه پرده ماه است و گهی حاجب شیدا است

آن چیست که بی پا و سر و دست روان است وین چیست که اندر شکمش خلق نهان است این
چیست که یک لحظه بگردد همه عالم وین چیست که سر تا به قدم جمله زبان است

چه چیز است، مرغی است بی بال و پر نزایده مادر، ندیده پدر نه در آسمان است و نه در زمین فصیح
است و دانا و گنگ است و کر

ریواس

تیر - نیزه

ابر

آب و باد و خاک و آتش

عقل

LIDA

07-07-2010, 16:52

شخصی ز سفر آمد و بس غوغا داشت یک جانور بوالعجبی همراه (ه) داشت آن جانور عجیب از صنع
خدای هفتاد سروده شکم و سی پا داشت

دو مرغ از مرغزاری کرد پرواز به قصد هر دوشان آهنگ کردم یکی را پا بریدم گشت بی سر یکی را
سر بریدم لنگ کردم

یک معما از تو پرسم ای حکیم با هنر کاندرین صحرا بدیدم یک عجایب جانور مور چشم و مار دم،
کرکس پرو عقرب شکم پای او مانند اره، شیر سینه، اسب سر

چیست این جانور ندارد دم دهنی دارد او میانه گم

هشت پا دارد او به اعضایش دو سر او دارد، هر دو از بالا استخوان از پرو و گوشت از تو هیچ
اعضای او ندارد مو

فیل (با حروف ابجد)

کلنگ است که اگر آنرا به دو بخش تقسیم کنیم «کل» به معنی کچل و «لنگ» به معنی بی پا یا جُلاق
به دست می آید

ملخ

شکم

خرچنگ

LIDA

07-07-2010, 17:00

یک گیاهی بر لب دریاست آنرا خر خورد پادشاه از رفتن او خرج هفت کشور خورد می خورد خون
سیاه و می رود راه سفید کو به رفتن باد ماند ضربتی بر سر خورد

یک معما با تو دارم، ای حکیم با تمیز نیم پر شد پر تهی، یعنی چه چیز

رنگش به علف برده و قدش به صنوبر شش نان تُنک دارد و یک کاسه مُرَعَفَر

قلعه ای دیدم منقش، از طلا افتاده بود دور قلعه بُد منقش، اندورنش ساده بود اندر آن قلعه بدیدم

کشته های بیشمار تیغ قتل کشته ها پهلویشان افتاده بود

اشتر بمرد از لاغری، از بسکه پی بسیار داشت نه در هوا، نه در زمین، وقت سحر، نزدیکِ شام

قلم نی

ماه

گل نرگس

قلمدان، قلم و قلمتراش (چاقو)

شتر لاغر اندام و ضعیفی، از بسکه بار پی اش سنگین بود مُرد. نه در هوا نه در زمین یعنی روی پُل،
وقت سحر نزدیک شهر شام

LIDA

17-07-2010, 11:38

آن چیست که پر و خالیش یک وزن دارد؟

خداوند متعال چه می خورد ، چه می پوشد و چقدر توانایی دارد؟ -

این عبارت را بخوانید. (کشمشیر کشمشیر) -

این مصراع را بخوانید. (پیشلطیف طلعتشقیمتمنشکستهشد).

از صفر تا صد چند تا 9 وجود دارد؟

نوار کاست و ویدئو

خداوند متعال غم بندگانش را می خورد، عیب آنان را می پوشد و قدرتش بی انتهاست

کشم شمشیر، کشم شیر -

پیش لطیف طلعتش، قیمت من شکسته شد -

بیست تا -

LIDA

17-07-2010, 11:41

اون چیه که مال تویه، اما خودت کمتر از همه به کارش می بری؟

آن کدام درنده است که آدم سرش را می خورد؟

آن چیست که در میان (گربه) ، ماهی است؟

منظور از خروس بیوه چیست؟

اکنون چهار تن از پیامبران زنده هستند ، آن چهار تن کدامند؟

اسم -

شیر -

گرمابه -

خروس بدون حرف واو است که خرس می شود -

حضرت خضر - حضرت الیاس - حضرت ادريس - حضرت عیسی -

LIDA

17-07-2010, 11:48

آن کدام هفت است که هشت نمی شود؟

آن کدام هشت است که نه نمی شود؟

آن کدام نه است که ده نمی شود؟

آن کدام ده است که یازده نمی شود؟

اون چی چیه که روش نقرس ، زیرش طلا؟

هفت طبقه آسمان و ایام هفته

هشت پا -

اعداد یک رقمی

انگشتان دست و دهگان

تخم مرغ -

LIDA

17-07-2010, 11:50

آن کدام دو است که سه نمی شود؟ -

آن کدام سه است که چهار نمی شود؟ -

آن کدام چهار است که پنج نمی شود؟

آن کدام پنج است که شش نمی شود؟

آن کدام شش است که هفت نمی شود؟

شب و روز

ماه های فصل و اضلاع مثلث

چهار فصل -

پنجه دست و پا

شش دانگ هر چیز -

LIDA

24-07-2010, 18:48

چیستان پزشکی

چیستان شماره 1

رگی در بدن که جریان خونی ندارد!؟

مهم ترین عامل خطر سکتہ مغزی چیست؟ 2

چیستان شماره 3

حرارت بدن چگونه ایجاد می شود؟

چیستان شماره 4

کیسه ای است ماهیچه ای به شکل عصای وارونه در بدن با دو سر باز!؟

شایع ترین بیماری مزمن در کودکان چیست؟

لنفی

. فشارخون بالا مهم ترین عامل خطر برای این بیماری است

. حرارت بدن توسط سوخت و ساز مواد غذائی ایجاد می شود

معهده

اسم

LIDA

24-07-2010, 19:27

حسنى املا نوشت. همه رو غلط نوشت و 19 شد. چه طور چنين چيزى ممكن است؟

اون چه نامه اى كه سرشو ببرى هم حرف نميزنه؟

اون چيه كه تا اسمشو ببرى مى شكته؟

اون چيه كه در گذشته هست، در آينده هم هست، اما در حال نيست؟

آن چيست كه ارغوان قبائى دارد

بيرون و درون شهر جايى دارد

گرد است و مدور است و تاجش بر سر

.مانند دم موش پايى دارد

!حسنى فقط كلمه همه را غلط نوشت

.....ایمیله

.....سکوت

هم حرف (ه) است. البته فکر کنم تاریخم میشه ولی اولیه مرتبط تره

چغندر

LIDA

24-07-2010, 19:38

1. زنی را در خیابان دیدم که پسر بچه ای را به دنبال داشت. از او پرسیدم: این پسر با توجه نسبتی 1. دارد؟ گفت: «او پسرِ پسرِم است، برادر شوهرم»، چطور چنین چیزی ممکن است؟ -1

جواب چیستان

تنها در صورتی ممکن است که دو دوست، هر یک با مادر شوهر مرده یا مطلقه دیگری ازدواج کنند و هر یک از آن مادران پسری بدنیا آورند. این پسر برای زن دیگر، حکم پسرِ پسر و برادرِ شوهر را دارد

از میان تعدادی زن و مرد برهنه، چگونه می توان آدم و حوا را شناخت؟ -2.2

جواب چیستان

آدم و حوا ناف ندارند. زیرا آنان از شکم مادر متولد نشده اند که نیازی به بند ناف و ناف داشته باشند! آدم از بهشت آمد و حوا نیز از پهلوی آدم خلق شده است

شخصی تخم مرغ را دانه ای 70 ریال خرید و دانه ای 50 ریال فروخت و سرانجام میلیونر شد! 3.
چطور چنین چیزی ممکن است؟ -3

جواب چیستان

او نخست میلیاردی بود، اما در اثر زیانهای پی در پی بخشی از دارائیش را از دست داده و میلیونر شد

حکم اعدام متهمی را صادر می کنند و مضمون «بخشش لازم نیست، اعدامش کنید.» را به امضاء، 4.
دادستان می رسانند. پس از امضاء دادستان، مأمور اجرای حکم، با تغییری در مضمون، جمله را به
صورتی در می آورد که جلو اعدام متهم را می گیرد، او چه تغییری در جمله بوجود می آورد؟ -4

جواب چیستان

مأمور ویرگول را از جلو کلمه «نیست» بر می دارد و جلو کلمه «بخشش» می گذارد، بدین ترتیب:
»«بخشش، لازم نیست اعدامش کنید

این عبارت را درست بخوانید: گندم فروشا، ارزن آمد نخود آمد ماش فرستادیم برنجش مده، 5.

«برنجش بده

جواب چیستان

عبارت اینگونه خوانده می شود: «گندم فروشا، ار، زنی آمد، نه خود آمد ماش (ما او را) فرستادیم، به
»«رنجش مده، برنجش بده

LIDA

24-07-2010, 19:40

6-h-m-b-a-a4-b-r: عبارت زیر را بخوانید.

جواب چیستان

»عبارت مزبور چنین خوانده می شود: «هاشم بیا آچار بیار

می دانیم که در بهشت هر چه بخورند دفع نمی شود، در جهان مادی کدامیک از مثالها و شواهد 7.
را می توان یافت که با آن امر همسان باشد؟

جواب چیستان

بچه در شکم مادر

منظور از «کانت واز بود» چیست؟ 8.

جواب چیستان

یعنی: «بود، بود، بود» زیرا «کانت» در عربی به معنی «بود» و «واز» در زبان انگلیسی به معنی «بود» و بود
نیز در زبان پارسی به معنی بود است

شخصی برای نخستین بار سوار یک خودروی «فولکس واگون» شد و بسوی شهری حرکت 9.
کرد، در میان راه خودروی او خراب شد ناچار ماشین را به کنار جاده هدایت کرد و کاپوت ماشین را
بالا زد، ولی با کمال تعجب دید نه از موتور خبری هست، نه از سیلندر و نه چیز دیگر چطور چنین
چیزی ممکن است؟ -9

جواب چیستان

زیرا موتور فولکس واگن در عقب آنست نه در جلو

چراغ راهنمایی و رانندگی که روبروی خیابان است قرمز است، افسر راهنمایی هم در آنجا 10.
ایستاده است، با اینحال راننده ای از چراغ قرمز می گذرد و کسی مزاحم او نمی شود. چطور چنین
چیزی ممکن است؟

جواب چیستان

آن راننده پیاده بوده است، بنابراین افسر راهنمایی کاری باو ندارد

در اتفاقی یک زن و شوهر نشسته اند. یکنفر هم در حال خواندن نماز است، نفر چهارم هم روزه . 11 دارد. به ناگهان مردی از در وارد می شود، با وارد شدن او، این زن و شوهر به هم حرام می شوند. نماز آن شخص و روزه نفر چهارم هم باطل می گردد. چطور چنین چیزی ممکن است؟ -11

جواب چیستان

مردی که ناگهان وارد می شود، شوهر پیشین آن زن بوده که بیش از چهار سال بدون اطلاع او را ترک گفته و از خود خبری به جای نگذاشته است. بنابراین، آن زن پس از گذشت چهار سال انتظار، بتصور اینکه شوهرش از دنیا رفته، با اجازه حاکم شرع طلاق می گیرد و با مرد دومی ازدواج م ی کند و از میراث باقیمانده شوهرش، سهمی در اختیار کسی می گذارد تا برایش نماز بخواند، پولی نیز به نفر چهارم می دهد تا برای او روزه بگیرد. پس از بازگشت او، شوهر دوم به او حرام می شود و چون آدم زنده و کیل و وصی نمی خواهد، روزه و نماز آندو نیز باطل می گردد

آدرویش، خداداده سه تا میش. یکی شیرش حلال و گوشتش حرام، یکی گوشتش حلال و . 12 شیرش حرام و سومی هم گوشتش حرام، هم شیرش. -12

جواب چیستان

اولی مادر است که شیرش حلال و گوشتش حرام است، دومی همسر است که گوشتش حلال و

شیرش برای شوهر حرام است و سومی خواهر است که هم شیرش برای برادر حرام است و هم
گوشتش

آمد و رفت، آمد و نرفت، زائید و نمرد، نزائید و مرد! -13.13

جواب چیستان

آنکه آمد و رفت «عُمر» است، آنکه آمد و نرفت، «تجربه» و «قرآن» است. آنکه زائید و نمرد،
«حضرت مهدی عج» و حضرت خضر هستند نزائید و مرد، حضرت آدم است

جملات زیر، مصداق چه حکایتی هستند؟ « برو، اگر نیامده، بگو بیاید. رفتم، نیامده بود، گفتم: 14.
بیاید، چرا نیامد؟ حتماً آمده که نیامده است. اگر نیامده بود می آمد.» -14

جواب چیستان

سه نفر دزد هستند که یکی از آنان در کوچه کشیک می کشد و دو نفرشان از دیوار خانه بالا می
روند و وارد خانه می شوند. یکی از آنان در صندوقخانه مشغول جمع آوری اثاث است و دومی
مشغول انتقال اثاث به خیابان، آنکه کشیک می دهد، به دزد دوم می گوید: برو، اگر صاحبخانه نیامده

بود، بگو دزد سوم بیاید. دزد دومی می گوید: «رفتم نیامده بود، گفتم بیاید» کشیک دهنده می گوید: «پس چرا نیامد؟ حتماً (صاحبخانه) آمده که (دزد سوم) نیامده است! اگر (صاحبخانه) نیامده بود، (دزد)»! سوم) می آمد

شخصی در یک اتاق به ابعاد $20 \times 20 \times 5$ متر، خودش را با یک ریسمان دومتری از سقف 15. آویزان می کند و دار می زند. وقتی به در اتاق او می آیند و می بینند از او صدایی شنیده نمی شود، نگران می شوند و در را می شکنند با کمال تعجب می بینند، او از سقف خودش را دار زده است و در اتاق را از درون قفل کرده و کلید را در جیبش گذاشته است. با اینکه میز، صندلی، نردبام یا چیز دیگری در اتاق نبوده است، او چگونه خود را دار زده است؟ -15

جواب چیستان

پیش از خودکشی، تعدادی قالب یخ به درون اتاق می آورد، آنها را روی هم و زیر پا می گذارد و با استفاده از آنها طناب را به سقف وصل می کند و به گردن خود می اندازد. آنگاه یخها کم کم آب می شوند و از پایین در اتاق به بیرون تراوش می کنند بطوریکه هنگام حضور دیگران اثری از یخها نبوده و همین امر موجبات شگفتی آنان را فراهم می سازد

LIDA

24-07-2010, 19:46

شخصی چگونه - بدون استفاده از هواپیما - خود را دو ساعته به مشهد می رساند؟ -16. 16

جواب چیستان

آن شخص از ماشین یا قطار یا وسیله دیگری (غیر از هواپیما) برای سفر استفاده می کند، در حالیکه دو ساعت به میچ خود بسته یا در جیب خود گذاشته بود

حضرت آدم و حوا شش چیز در بهشت آوردند که هر یک از آنها منشأ چیزی شد، آن شش 17. چیز کدامند؟ -17

جواب چیستان

عصای موسی (ع) 2- انگشتر حضرت سلمیان (ع) 3- چهار برگ درخت که با آن حضرت 1- آدم و حوا ستر عورت کرده بودند. یکی از برگها را آهوی خُتن خورد که از آن مشک به عمل آمد. برگ دوم را گاو دریایی خورد که از آن عنبر بدست آمد. سومین برگ را کرم خورد که ابریشم از اوست و چهارمین برگ را زنبور خورد که عسل حاصل آنست

کسانیکه رَحِم مادر را ندیده اند 9 نفرند، آن 9 نفر چه کسانی هستند؟ -18. 18.

جواب چیستان

- حضرت آدم (ع) 2- حضرت حوا 3- گوسفند ابراهیم (ع) 4- عصای موسی (ع) 5- خفاشی 1-
که حضرت عیسی (ع) ساخت 6- نافه صالح 7- بنا به قولی، ماری که شیطان را وارد بهشت کرد
8- کلاغی که کفن هابیل را به قابیل داد 9- شیطان لعین

اکنون چهار تن از پیامبران زنده هستند، آن چهارتن کدامند؟ 19.

جواب چیستان

- حضرت خضر 2- حضرت الیاس که در زمین است 3- حضرت ادریس 4- حضرت عیسی که 1-
در آسمان است

از حضرت علی (ع) پرسیدند. 20.

واجب و واجتر چیست؟

نزدیک و نزدیکتر کدامند؟

عجیب و عجیب تر چیست؟

سخت و سخت تر چیست؟

اگر شما بودید چه جوابی می دادید؟ حضرت علی چه جوابی داد؟

جواب چیستان

حضرت علی (ع) فرمود: 1- واجب اطاعت از خدا و واجبتر از آن ترک گناه است 2- نزدیک قیامت و نزدیکتر از آن مرگ است 3- عجیب دنیا و عجیب تر از آن محبت دنیاست 4- سخت قبر است و از آن سخت تر، دست خالی به قبر رفتن است

GORJI

07-08-2010, 22:47

- 1- زنی را در خیابان دیدم که پسر بچه ای را به دنبال داشت. از او پرسیدم: این پسر با توجه نسبتی دارد؟ گفت: «او پسرِ پسرِ من است، برادر شوهرم»، چطور چنین چیزی ممکن است؟
- 2- از میان تعدادی زن و مرد برهنه، چگونه می توان آدم و حوا را شناخت؟
- 3- شخصی تخم مرغ را دانه ای 70 ریال خرید و دانه ای 50 ریال فروخت و سرانجام میلیونر شد! چطور چنین چیزی ممکن است؟
- 4- حکم اعدام متهمی را صادر می کنند و مضمون «بخشش لازم نیست، اعدامش کنید.» را به امضا، دادستان می رسانند. پس از امضاء دادستان، مأمور اجرای حکم، با تغییری در مضمون، جمله را به صورتی در می آورد که جلو اعدام متهم را می گیرد، او چه تغییری در جمله بوجود می آورد؟
- 5- این عبارت را درست بخوانید: گندم فروشا، ارزن آمد نخود آمد ماش فرستادیم برنجش مده، -برنجش بده

- 1- تنها در صورتی ممکن است که دو دوست، هر یک با مادر شوهر مرده یا مطلقه دیگری ازدواج

کنند و هریک از آن مادران پسری بدنیا آورند. این پسر برای زن دیگر، حکم پسرِ پسر و برادرِ شوهر را دارد

آدم و حوا ناف ندارند. زیرا آنان از شکم مادر متولد نشده اند که نیازی به بند ناف و ناف داشته -2- باشند! آدم از بهشت آمد و حوا نیز از پهلوی آدم خلق شده است

او نخست میلیارد بود، اما در اثر زیانهای پی در پی بخشی از دارائیش را از دست داده و میلیونر -3- شد

مأمور ویرگول را از جلو کلمه «نیست» بر می دارد و جلو کلمه «بخشش» می گذارد، بدین ترتیب: -4- «بخشش، لازم نیست اعدامش کنید

عبارت اینگونه خوانده می شود: «گندم فروشا، ار، زنی آمد، نه خود آمد ماش (ما او را) فرستادیم، -5-» به رنجش مده، برنجش بده

GORJI

07-08-2010, 22:47

می دانیم که در بهشت هر چه بخورند دفع نمی شود، در جهان مادی کدامیک از مثالها و شواهد -6- را می توان یافت که با آن امر همسان باشد؟

منظور از «کانت واز بود» چیست؟ -7-

شخصی برای نخستین بار سوار یک خودروی «فولکس واگون» شد و بسوی شهری حرکت کرد، -8- در میان راه خودروی او خراب شد ناچار ماشین را به کنار جاده هدایت کرد و کاپوت ماشین را بالا

زد، ولی با کمال تعجب دید نه از موتور خبری هست، نه از سیلندر و نه چیز دیگر چطور چنین چیزی ممکن است؟

چراغ راهنمایی و رانندگی که روبروی خیابان است قرمز است، افسر راهنمایی هم در آنجا ایستاده -9 است، با اینحال راننده ای از چراغ قرمز می گذرد و کسی مزاحم او نمی شود. چطور چنین چیزی ممکن است؟

در اتاقی یک زن و شوهر نشسته اند. یکنفر هم در حال خواندن نماز است، نفر چهارم هم روزه -10 دارد. به ناگهان مردی از در وارد می شود، با وارد شدن او، این زن و شوهر به هم حرام می شوند. نماز آن شخص و روزه نفر چهارم هم باطل می گردد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

بچه در شکم مادر-6

یعنی: «بود، بود، بود» زیرا «کانت» در عربی به معنی «بود» و «واز» در زبان انگلیسی به معنی «بود» و -7 بود نیز در زبان پارسی به معنی بود است

زیرا موتور فولکس واگن در عقب آنست نه در جلو-8

آن راننده پیاده بوده است، بنابراین افسر راهنمایی کاری باو ندارد-9

مردی که ناگهان وارد می شود، شوهر پیشین آن زن بوده که بیش از چهار سال بدون اطلاع او -10 را ترک گفته و از خود خبری به جای نگذاشته است. بنابراین، آن زن پس از گذشت چهار سال

انتظار، بتصور اینکه شوهرش از دنیا رفته، با اجازه حاکم شرع طلاق می گیرد و با مرد دومی ازدواج م
یکند و از میراث باقیمانده شوهرش، سهمی در اختیار کسی می گذارد تا برایش نماز بخواند، پولی نیز
به نفر چهارم می دهد تا برای او روزه بگیرد. پس از بازگشت او، شوهر دوم به او حرام می شود و
چون آدم زنده و کیل و وصی نمی خواهد، روزه و نماز آندو نیز باطل می گردد

GORJI

07-08-2010, 22:48

آدرویش، خداداده سه تا میش. یکی شیرش حلال و گوشتش حرام، یکی گوشتش حلال و -11
شیرش حرام و سومی هم گوشتش حرام، هم شیرش

آمد و رفت، آمد و نرفت، زائید و نمرد، نزائید و مرد-12

جملات زیر، مصداق چه حکایتی هستند؟ « برو، اگر نیامده، بگو بیاید. رفتم، نیامده بود، گفتم: -13
» .بیاید، چرا نیامد؟ حتماً آمده که نیامده است. اگر نیامده بود می آمد

شخصی در یک اتاق به ابعاد 5×20×20 متر، خودش را با یک ریسمان دومتری از سقف -14
آویزان می کند و دار می زند. وقتی به در اتاق او می آیند و می بینند از او صدایی شنیده نمی شود،
نگران می شوند و در را می شکنند با کمال تعجب می بینند، او از سقف خودش را دار زده است و در
اتاق را از درون قفل کرده و کلید را در جیبش گذاشته است. با اینکه میز، صندلی، نردبام یا چیز
دیگری در اتاق نبوده است، او چگونه خود را دار زده است؟

شخصی چگونه - بدون استفاده از هواپیما- خود را دو ساعته به مشهد می رساند؟-15

اولی مادر است که شیرش حلال و گوشتش حرام است، دومی همسر است که گوشتش حلال -11 و شیرش برای شوهر حرام است و سومی خواهر است که هم شیرش برای برادر حرام است و هم گوشتش

آنکه آمد و رفت «عُمر» است، آنکه آمد و نرفت، «تجربه» و «قرآن» است. آنکه زائید و نمرد، -12 «حضرت مهدی عج» و حضرت خضر هستند نژائید و مرد، حضرت آدم است

سه نفر دزد هستند که یکی از آنان در کوچه کشیک می کشد و دو نفرشان از دیوار خانه بالا -13 می روند و وارد خانه می شوند. یکی از آنان در صندوقخانه مشغول جمع آوری اثاث است و دومی مشغول انتقال اثاث به خیابان، آنکه کشیک می دهد، به دزد دوم می گوید: برو، اگر صاحبخانه نیامده بود، بگو دزد سوم بیاید. دزد دومی می گوید: «رفتم نیامده بود، گفتم بیاید» کشیک دهنده می گوید: «پس چرا نیامد؟ حتماً (صاحبخانه) آمده که (دزد سوم) نیامده است! اگر (صاحبخانه) نیامده بود، (دزد سوم) می آمد

پیش از خودکشی، تعدادی قالب یخ به درون اتاق می آورد، آنها را روی هم و زیر پا می -14 گذارد و با استفاده از آنها طناب را به سقف وصل می کند و به گردن خود می اندازد. آنگاه یخها کم کم آب می شوند و از پایین در اتاق به بیرون تراوش می کنند بطوریکه هنگام حضور دیگران اثری از یخها نبوده و همین امر موجبات شگفتی آنان را فراهم می سازد

آن شخص از ماشین یا قطار یا وسیله دیگری (غیر از هواپیما) برای سفر استفاده می کند، در -15 حالیکه دو ساعت به مچ خود بسته یا در جیب خود گذاشته بود

GORJI

07-08-2010, 22:48

حضرت آدم و حوا شش چیز در بهشت آوردند که هر یک از آنها منشأ چیزی شد، آن شش -16
چیز کدامند؟

کسانیکه رَحِمِ مادر را ندیده اند 9 نفرند، آن 9 نفر چه کسانی هستند؟-17

اکنون چهار تن از پیامبران زنده هستند، آن چهارتن کدامند؟-18

:از حضرت علی (ع) پرسیدند-19

واجب و واجبتَر چیست؟ نزدیک و نزدیکتر کدامند؟ عجیب و عجیب تر چیست؟ سخت و سخت تر چیست؟ اگر شما بودید چه جوابی می دادید؟ حضرت علی چه جوابی داد؟

کیوان به مهمانی رفت. او می دانست دعوت شدگان به مهمانی بر دو گروهند: راستگو و -20
دروغگو. اما هیچیک از آنان را نمی شناخت. از مردی پرسید: دروغگو هستی یا راستگو؟ کیوان
پاسخ آن مرد را گرفت. پس از دو نفر دیگر پرسید که آن مرد چه پاسخی داد. یکی از آنان گفت که
او دروغگوست و دیگری پاسخ داد که او راستگوست. کیوان از پاسخ این دو نفر فهمید که کدامیک
از این دو نفر راستگو و کدامیک دروغگو هستند. او چگونه فهمید؟

عصای موسی (ع) 2- انگشتر حضرت سلیمان (ع) 3- چهار برگ درخت که با آن 1- 16-
حضرت آدم و حوا ستر عورت کرده بودند. یکی از برگها را آهوی خُتن خورد که از آن مشک به
عمل آمد. برگ دوم را گاو دریایی خورد که از آن عنبر بدست آمد. سومین برگ را کرم خورد که
ابریشم از اوست و چهارمین برگ را زنبور خورد که عسل حاصل آنست

حضرت آدم (ع) 2- حضرت حوا 3- گوسفند ابراهیم (ع) 4- عصای موسی (ع) 5- 17-1-
خفاشی که حضرت عیسی (ع) ساخت 6- نافه صالح 7- بنا به قولی، ماری که شیطان را وارد بهشت
کرد 8- کلاغی که کفن هابیل را به قابیل داد 9- شیطان لعین

حضرت خضر 2- حضرت الیاس که در زمین است 3- حضرت ادریس 4- حضرت 18-1-
عیسی که در آسمان است

حضرت علی (ع) فرمود: 1- واجب اطاعت از خدا و واجبتر از آن ترک گناه است 2- 19-
نزدیک قیامت و نزدیکتر از آن مرگ است 3- عجیب دنیا و عجیب تر از آن محبت دنیا است 4-
سخت قبر است و از آن سخت تر، دست خالی به قبر رفتن است

کسی که گفته بود: «او گفت که دروغگوست» دروغگو بوده است. زیرا هیچکس نمی گوید: 20-
من دروغگو هستم. در ضمن گوینده برای راستگو جلو دادن خود، سعی می کرده دیگران را دروغگو
قلمداد کند و آنکه گفته «او گفت که راستگوست» خودش راستگو بوده است

GORJI

07-08-2010, 23:52

سه نفر سیاهپوست و سه نفر سفید پوست می خواهند با قایقی که بیش از دو نفر گنجایش ندارد 21-
از رودخانه ای بگذرند. سفیدپوستها رانندگی قایق را بلدند اما یکی از سیاهپوستها رانندگی قایق را
نمی داند. اگر تعداد سیاهپوستها بیش از سفیدپوستها باشد آنها را خواهند خورد. مثلاً نمی توان دو نفر
سیاهپوست و یک سفید پوست را تنها کنار هم گذاشت. اما سفید پوستها آدمخوار نیستند و اگر
تعدادشان زیادتر از سیاه پوستها باشد با آنها کاری نخواهد داشت. چگونه می توان این گروه شش
نفری را از رودخانه عبور داد، بدون اینکه به هیچیک از آنان آسیبی رسد؟

جملات زیر را درست بخوانید: «زنی زنی زنی زنی خوشش آمد»، «سربازی سربازی سربازی -22»
«سربازی را گشت

شخصی مدت هفت شب در مهمانخانه ای منزل می کند و چون پول نقد برای پرداختِ کرایه -23
مهمانخانه را ندارد، قرار می گذارد از هفت حلقه بهم پیوسته طلا که به همراه دارد، هر شب یکی از
آنها را به جای کرایه به مهمانخانه دار بپردازد. اما می خواهد بیش از یکبار آن حلقه ها را از هم
نگسلد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

منظور از «خروس بیوه» چیست؟-24

شخصی در حین خواندن نماز میت، به هنگام سجده، ناگهان سرش به لبه تابوت می خورد -25
پیشانیش می شکند و خون پیشانی او به کفن مرده غسل داده شده می خورد و آنرا نجس می کند.
حالا این سوال پیش می آید که آیا باید مرده را دوباره غسل داد یا باید کفنش را عوض کرد یا چاره
دیگری اندیشید؟

کسی که گفته بود: «او گفت که دروغگوست» دروغگو بوده است. زیرا هیچکس نمی گوید: -20
من دروغگو هستم. در ضمن گوینده برای راستگو جلو دادن خود، سعی می کرده دیگران را دروغگو
قلمداد کند و آنکه گفته «او گفت که راستگوست» خودش راستگو بوده است

نخست یک نفر سیاهپوست (که قایقرانی بلد نیست) به همراه یک سپید پوست به آنسوی رودخانه -21

می روند. سیاهپوست آنطرف رودخانه می ماند و سفیدپوست قایق را بر می گرداند. بار دوم یک سیاه پوست و یک سفید به آنسوی رودخانه می روند سیاه پوست پیاده می شود و سفید پوست بر می گردد. بار سوم باز هم یک نفر سفیدپوست به همراه یک سیاه پوست به آنسوی آب می رود، سیاه پیاده می شود و سفید قایق را بر می گرداند، بار سوم دو سفید پوست قایق را به آنسوی رودخانه می برند هر دو پیاده می شوند و یکی از سیاهپوستها قایق را بر می گرداند و برای چهارمین بار یک سیاهپوست و یک سفید پوست باقیمانده به آنسوی رودخانه می روند و باین ترتیب به هیچیک از آنان آسیبی نمی رسد

جملات مزبور اینگونه خوانده می شوند: «زنی زنی زنی خوش آمد» «سربازی سربازی -22 سربازی، سربازی را کشت

نخست حلقه سوم را پاره می کند و شب اول آنرا به مهمانخانه دار می دهد. شب دوم حلقه اول -23 و دوم را که بهم پیوسته بود به او می دهد و حلقه سوم را می گیرد. شب سوم، حلقه سوم را که ابتدا جدا کرده بود به مهمانخانه دار می دهد که جمعاً سه حلقه می شود. شب چهارم، چهار حلقه بهم پیوسته را در اختیار صاحب مهمانخانه می گذارد و دو حلقه بهم پیوسته و یک حلقه جدا (حلقه سوم) را می گیرد. در شب پنجم، حلقه سوم را به مهمانخانه دار می دهد. شب ششم حلقه سوم را می گیرد و حلقه های دوتایی را باو می دهد و در شب هفتم، حلقه تکی را هم بوی تحویل می دهد و بدین ترتیب، تنها با یکبار گسستن حلقه ها، کار را به نتیجه می رساند

منظور از خروس بیوه همان «خرس» است، زیرا خروس بی «و» یعنی بدون واو خرس می شود -24

هیچکدام، زیرا نماز میت اصلاً سجده ندارد تا چنین اتفاقی بیفتد -25

خداوند متعال چه میخورد، چه می پوشد و چقدر توانایی دارد؟-26

منظور از جمله «شیخ الحديد مال جديد الاصم شما بود» چیست؟-27

منظور از عبارت شوخی وار «اوری بادی خربا بوزه ایتینگ گُنه پا لَرزِشَم سی تینگ گُنه» -28 چیست؟

از شخصی خواستند خودش را معرفی کند، این شخص شکسته نفسی کرده، خودش را -29 کوچکتر از آنچه بود معرفی کرد و گفت: من «میرزا نیم من بوق بن پشم اندر پانزده» هستم! نام او چه بوده است؟

آن چیست که با اینکه سه تاست، یکی است و با اینکه یکی است سه تاست -30

خداوند متعال غم بندگانش را می خورد، عیب آنان را می پوشد و قدرتش بی انتهاست -26

با توجه به اینکه معنی شیخ «پیر» و معنی حديد «آهن» و معنی جديد «نو» و معنی اصم «کر» -27 «است، پس معنی جمله مزبور چنین می شود: «پیراهن مال نو کر شما بود

می دانیم «اوری بادی» به زبان انگلیسی بمعنی «هرکس» ، «ایتینگ» بع معنی «خوردن» و -28 «سیتینگ» به معنی «نشستن» است. پس با این ترتیب، عبارت فوق مرادف ضرب المثل معروف فارسی «هر که خریزه بخورد باید پای لرزش بنشیند» می باشد

می دانیم «اوری بادی» به زبان انگلیسی بمعنی «هرکس» ، «ایتینگ» بع معنی «خوردن» و -29 «سیتینگ» به معنی «نشستن» است. پس با این ترتیب، عبارت فوق مرادف ضرب المثل معروف فارسی «هرکه خربزه بخورد باید پای لرزش بنشیند» می باشد

می دانیم بزرگتر از «میرزا» ، «آقا» و بزرگتر از «نیم من» ، «من» و بزرگتر از «بوق» ، «صور» و -30 بزرگتر از «ابن» ، «پدر» و بلندتر از «پشم» ، «مو» و بزرگتر از «پانزده» ، «سی» است. پس با این ترتیب. «نام شخص مزبور این بوده است: «آقا من صور پدرموسی» یا به عبارتی «آقا منصور پدر موسی

GORJI

07-08-2010, 23:53

آن چیست که پر و خالیش یک وزن دارد؟-31

من یک سگه کوچک را در چاهی عمیق می اندازم، آنگاه در عرض یک دقیقه می روم در می -32 آورم، چطور چنین چیزی ممکن است؟

رضا از طبقه دهم ساختمانی به زمین افتاد ولی نمرد. چطور چنین چیزی ممکن است؟-33

یک نفر اهل منطق به شهری وارد شد و تصمیم گرفت نزد سلمانی برود و سروصورتش را اصلاح -34 کند. آن شهر دو سلمانی بیشتر نداشت. وقتی مرد بسراغ نخستین سلمانی رفت، او را با سروصورتی آشفته و پرپشت و موهایی ژولیده و نامرتب و هنگامی که به سراغ دومین سلمانی رفت، او را با موهایی بسیار مرتب و ریشی تراشیده یافت. لذا تصمیم گرفت نزد نخستین سلمانی برود و سروصورتش را بپیراید. چرا او چنین تصمیمی گرفت؟

چرا شکارچی به هنگام شکار، یک چشمش را می بندد؟-35

تثلیت مسیحیت یعنی «اب» و «ابن» و «روح القدس» است که هر سه در حقیقت یکی هستند و -31
مراد از یکی سه تاست

من که ادعا نکردم می روم سگه را از چاه درمی آورم بلکه گفتم: در عرض یک دقیقه می روم -32
«در» می آورم. بنابراین مراد از «در» اینجا در اتاق یا راهرو و امثال آنست

زیرا گفتیم رضا از طبقه دهم ساختمانی به زمین افتاد «ولی» نمرد. چون «ولی» که از ساختمان -33
بزمین یفتاده است تا بمیرد

زیرا با نگاه کردن به موهای نخستین سلمان، فهمید او توسط دومین سلمانی که مردی ناشی بوده -34
سلمانی شده است؛ اما سلمانی دوم که موهایی مرتب و منظم داشته، توسط سلمانی اول اصلاح شده
است. بنابراین تصمیم گرفت نزد نخستین سلمانی برود و چون شنیده بود «سلمانی ها وقتی بیکار می
»شوند، سر یکدیگر را اصلاح می کنند

زیرا اگر دو چشمش را ببندد، جایی و کسی را نخواهد دید و قادر به شکار نخواهد بود-35

GORJI

07-08-2010, 23:54

جزایر «لانگرهانس» در کجا هستند؟-36

وجه تشابه «سنگگ سوخته»، «آدم غرق شده» و «زن آبستن» چیست؟-37

زندانی دارای دو در است، یکی در آزادی و دیگری در اعدام. این زندان دارای دو زندانبان -38 است که یکی از آنها راستگو و دیگری دروغگوست. خود زندانبانان همدیگر را به خوبی می شناسند. در این زندان مردی محبوس است که نمی داند کدامیک از زندانبانان راستگو، و کدامیک دروغگو است؟ به او اجازه می دهند، از هر یک از زندانبانان که دلش می خواهد سؤالی بکند و از پاسخ طرف مقابل بفهمد در آزادی کدام است تا از آن خارج شود. پرسشی که او باید بکند تا به آزادی او بینجامد چیست؟

»این جمله را درست بخوانید: «کور مرد شلغم خورد-39

جهانگردی توسط قبیله ای وحشی دستگیر شد. اما به او اجازه داده شد تا جمله ای بگوید. ولی -40 بدین شرط که اگر جمله او صحت داشته باشد او را در روغن جوشان بسوزانند و اگر غلط باشد، با تیرزهر آگین مورد هدف قرار دهند. جهانگرد هوشیار با کمی فکر پاسخ داد که موجب نجات او از مرگ شد. به نظر شما پاسخ او چه بود؟

در لوزالمعدة آدمی-36

وجه تشابه آنها این است که هر سه، در نتیجه دیر بیرون آوردن بدین روز افتاده اند. سنگگ در -37 اثر دیر بیرون آوردن از تنور سوخته شد، غریق در اثر دیر بیرون آوردن از آب غرق شده و همینطور زن آبستن

به یکی از دربانها نزدیک شده، از او می پرسد: « آقا، اگر من از دربان دیگر پرسم که در -38 آزادی کدام است، کدام در را نشان خواهد داد؟» هر دری را که دربان نشان دهد، می فهمد آن در، درِ اعدام است لذا برعکس عمل کرده، از در دیگر خارج خواهد شد. چرا؟ علتش آن است که اگر جمله فوق را از دروغگو پرسد، او چون دروغگوست، بجای درِ آزادی، درِ اعدام را نشان خواهد داد لذا او برعکسش کرده، از در دیگر خارج می شود. و اگر از دربان راستگو پرسد، چون او راستگوست، عین عبارت دروغِ دروغگو را بیان خواهد کرد و خواهد گفت: اگر از آن شخص (دروغگو) پرسى فلان در را نشان خواهد داد و چون دروغگو، درِ اعدام را بجای درِ آزادی معرفی خواهد کرد و عین گفته او رانیز راستگو تکرار کرده، مرد محبوس آنرا برعکس نموده از در آزادی خارج خواهد شد

تلفظ درست کلماتِ جمله چنین است: کور مُرد، شَل، غَم خورد--39

پاسخ داد: «با تیر زهر آگین مورد هدف قرار می گیرم» و بدین ترتیب از مرگِ رهایی یافت-40

GORJI

07-08-2010, 23:54

دو مرد نسبت به هم، دایی و خواهر زاده اند. یعنی اولی دایی دومی و خواهر زاده اوست، دومی -41 نیز دایی اولی و خواهرزاده وی می باشد. چطور چنین چیزی ممکن است

دختر پادشاهی از پدر خود میخواهد، که او را تنها به کسی شوهر دهد که بتواند به پرسشهای -42 منظوم او پاسخ گوید، بزرگان و امیرزادگان، همه از پاسخ گفتن درمی مانند و سرخود رادر این راه بر باد میدهند. تا آنکه دلاک کچلی در پاسخگویی به پرسشهای دختر پادشاه توفیق حاصل می کند. :پرسشهای آن دختر چنین بود

من اگر آهوی شده به کوهها بگریزم، چه می کنی؟ 2- من اگر مشی دانه شده، بر زمین ریختم، چه می کنی؟ 3- من اگر گلی شده بر کوهها رستم، چه می کنی؟ 4- من اگر سیبی شده به درون صندوقی رفتم، چه می کنی؟ پاسخ آن دلاک کچل چه بود؟

در یک انبار، تعدادی کیسه حبوبات هست که در درون آنها نخود، لوبیا، عدس، ماش، باقلا و -43 ... وجود دارد. در صورتی که نام هیچیک از حبوبات روی کیسه ها نوشته نشده باشد، و علامت مشخصه یا نمونه آنها هم روی کیسه ها نباشد، در کیسه ها نیز باز نباشد تا بدانیم در داخل آنها چیست. و از سوی هیچکدام را در جای مشخصی نگذاشته باشیم تا جای آنها پیدا باشد. اما هرگاه اراده کنیم، می توانیم کیسه محتوی حبوبات مورد نظر خود را از میان کیسه های دیگر جدا کنیم. چطور چنین چیزی ممکن است؟

پاسبانی از کنار خانه ای می گذشت. صدای جیغ و داد و فریادی را شنید. بی اختیار بسوی آن -44 خانه رفت و در را گشود. در همین حال شنید که یکی فریاد می کشد: علی مرا مکش. پاسبان سراسیمه وارد خانه شد و یکر است به سوی اتاقی که از آن سرو صدا شنیده می شد رفت. دید جسد خون الودی روی زمین افتاده و پنج نفر دور آن جمع شده اند. با اینکه آلت قتاله ای در دست هیچیک از آنان نبود و نام آنان نیز روی لباسشان نوشته نشده بود و پاسبان هم هیچیک از آن پنج نفر را نمی شناخت، معذک از میان آنان، قاتل را بزودی شناخت او را دستگیر کرده با خود به کلانتری برد. پاسخ دهید پاسبان روی چه قرائنی قاتل را شناخت؟

خری با بار از روی پلی می گذشت. ناگهان پل خراب شد و خر با بارش به درون رودخانه -45 سقوط کرد، بطوریکه علاوه بر خر بارش نیز خیس شد. پس از چند دقیقه، پشت خر شروع به سوختن کرد. بار او چه بود که اینچنین شد؟

هر چند که این نوع خویشاوندی به ندرت اتفاق می افتد، ولی غیر ممکن نیست. دو مرد را در -41 نظر می گیریم که زنشان فوت کرده و هر کدام یک دختر دارند. اولی دختر دومی را به عقد خود در می آورد و دومی نیز دختر اولی را به زنی می گیرد و آن دو پدر زن یکدیگر و در عین حال داماد هم محسوب می شوند. هر کدام از آنها صاحب پسری می شوند. اگر کمی فکر کنیم، متوجه خواهیم شد که هر یک از این دو پسر نسبت به دیگری هم دایی محسوب می شوند و هم خواهر زاده

دلاک کچل نیز پرسشهایی مطرح کرد که این پرسشها در حقیقت، پاسخ پرسشهای آن درختر -42 بود. او پرسید 1- اگر من سگی شده آهو را گریزاندم، چه می کنی؟ 2- اگر من خروسی شده دانه ها را برچیدم چه می کنی؟ 3- اگر من باغبان خردسالی شده، گل را چیدم، چه می کنی؟ 4- اگر من دامادی شده، سیب را خوردم و بدن ترا در آغوش گرفتم چه می کنی؟ همینکه پسرک دلاک این جمله را برزبان راند، دختر پادشاه فریادی کشیده و گفت: آی دایه ها، معمای مرا پیدا کردند و او را به پسر دلاک دادند

کیسه ها نایلونی هستند و با نگاه کردن از بیرون، به راحتی میتوان محتویات درون کیسه ها را -43 تشخیص داد

چون مقتول فریاد کشید: «علی مرا مکش» پاسبان حدس زد که قاتل باید مرد باشد، و وقتی وارد -44 اتاق شد، دید پنج نفر دور جسد حلقه زده اند که چهار نفرشان زن و یکی از آنها مرد است. لذا برای او یقین حاصل شد که قاتل باید همان یک نفر مرد باشد

بارش آهک بوده است. زیرا پس از سقوط در آب، آهک با آب ترکیب شد و پشت الاغ را -45 پوست کن کرد و سوزاند

GORJI

07-08-2010, 23:55

شخصی هر روز مجبور است به طبقه بیست و دوم آپارتمانی برود. با اینکه همه طبقات ساختمان -46 آسانسور داشته، برق هم قطع نیست و آسانسور هم سالم است، ولی او هر روز تا طبقه پانزدهم با آسانسور می رود و بقیه را با پله. چرا؟

زن و شوهری با هم به حمام رفتند. ناگهان گاز حمام آنها را خفه کرد. وقتی دیگران با خبر -47 شدند. درصدد بیرون آوردن آنها از حمام برآمدند. اما چون هر دوی آنها برهنه بودند، یکنفر باید وارد حمام شده، روی آنها را با پارچه ای بپوشاند. این شخص چه کسی می تواند باشد تا به آندو نامحرم نباشد؟

شخصی می خواهد به روستایی برود. بر سر راهش دو قبیله هستند که یکی از آنها افرادش -48 راستگو، و دیگری افرادش دروغگو هستند. آن شخص در راه به یکنفر می رسد و می خواهد راه درست ده را از او پرسد. ولی نمی داند که او جزو قبیله راستگوهاست یا دروغگوها! چه چیزی باید از او پرسد، تا با توجه به پاسخ طرف، راه صحیح ده را پیدا کند؟

شخصی به حاکمی توهین کرد. حاکم او را مورد غضب قرار داد و تهدید به مرگ کرد. اما از -49 بس او التماس کرد، یک درجه برایش تخفیف قائل شد. لذا رو به متهم کرد و گفت: «حق داری یک جمله بگویی، اگر راست بود ترا آتش خواهم زد و اگر دروغ بود، ترا به دریا خواهم افکند.» آن مرد جمله ای گفت که سبب خلاصش شد و از مرگ رهایی یافت، او چه جمله ای گفت؟

شخص پولداری، یک نفر را برای پاسداری از خود و خانه اش استخدام می کند و با او قرار می -50 گذارد، از بابت نگهداری خود و خانه اش، شبی ... مقدار به وی بپردازد. اتفاقاً شخص پولدار قصد سفر مکه می کند. شبی که قرار بود فردای آن روز عازم مکه شود، نگهبانش در خواب می بیند که آن مرد سوار هواپیما شد و هواپیما پس از برخاستن از روی باند فرودگاه، منفجر گردید. فردای آن روز، هنگامی که مرد - چمدان به دست - به سوی هواپیما حرکت می کند، نگهبانش از رفتن او مانع می شود. مرد پولدار هر قدر اصرار می ورزد و می گوید: حتماً باید به سفر حج بروم، لیکن نگهبانش آنقدر جلوی او را می گیرد تا مسافران همه سوار هواپیما شده و هواپیما فرودگاه را ترک می گوید. لحظه ای پس از پرواز از فرودگاه، هواپیما در آسمان منفجر می شود و همه مسافران کشته می شوند. وقتی مرد پولدار قضیه را می بیند شگفت زده می شود و از نگهبان می پرسد: تو از کجا می دانستی هواپیما منفجر خواهد شد؟ پاسدار می گوید: من دیشب عین این قضیه را در خواب دیدم! پولدار که این سخن را شنید با اینکه نگهبان جانش را نجات داده بود، لیکن گفت: تو به درد من نمی خوری! و او را بیرون کرد. علت این تصمیم او را بنویسید.

علتش اینست که او قدی کوتاه داشته و چون تکمه آسانسور طبقه بیست و دوم کمی بالا قرار -46 داشته است، از دسترس او دور بوده، و او تنها می توانسته دست خود را تا تکمه طبقه 15 دراز کند دو جواب دارد. یکی اینکه، اگر آن مرد زن دیگری دارد، آن زن به هر دوی آنها محرم است. -47 می تواند داخل حمام شده، روی شوهر و هویش را ببوشاند. در غیر اینصورت، این مأموریت را باید به یک کودک نابالغ شجاع سپرد - چه پسر باشد و چه دختر فرقی نمی کند

باید از او بپرسد: اگر من از یکی از دوستان و هم قبیله هایت راه ده را بپرسم، کجا را نشان -48

خواهد داد؟» هر پاسخی که آن شخص داد، راه درست همان است. زیرا، یا آن شخص جزو قبیله راستگوهاست، که در این صورت، هم خودش و هم رفیقش راست خواهند گفت و او را منحرف نخواهد کرد. و یا از قبیله دروغگوهاست، که در این صورت هم خودش دروغگو می گوید و هم رفیقش. و چون دروغ دروغ راست است، به مصداق اصل جبری مثبت = منفی × منفی، هر چه او بگوید راست است. مثلاً اگر بگوید از جاده الف باید رفت، راه درست همان جاده الف است

گفت: « من در آب غرق می شوم و می میرم !» و به این ترتیب از مرگ رست. زیرا اگر پادشاه -49 بخواهد او را در آتش بیفکند، برخلاف گفته او عمل کرده است، زیرا او گفته من می میرم و دروغ گفته است «در آتش می سوزم» اگر راست گفته بود، او را در آتش می سوزاندند. از سویی نمی تواند او را در دریا هم بیندازد، زیرا در اینصورت باید او را در آتش بیندازد و خلاف راستگویی او عمل کرده و راستگویی او را دروغ پنداشته است و مطابق آن عمل کرده. در حالیکه اگر می خواست او را به دریا بیندازد، لازم بود آن شخص دروغ گفته باشد، یعنی گفته باشد: مرا آتش خواهی زد

به او گفت: تو به درد من نمی خوری، زیرا شبی ک من می خواستم فردایش به سفر بروم، تو -50 بجای اینکه نگهبانی کنی به خواب رفته ای و حتی خواب هم دیده ای. بنابراین کسی که بجای پاسداری از جان و مال من، بی تفاوت بخوابد و استراحت کند، به درد من نمی خورد

GORJI

08-08-2010, 10:39

از کسی پرسیدند: از میان تنقلات، کدامیک را دوست داری؟ پاسخ داد: راندن مرغ و مادر بره. -51
او چه چیزی را بیشتر دوست می داشت؟

مردی از راهی می گذشت. ناگهان به اسکلت مرده ای برخورد. کنجکاویش تحریک شد تا -52
بداند این اسکلت متعلق به مرد است یا زن؟ او از کجا بفهمد اسکلت چه جنسیتی دارد؟

فرق کچل با مودار چیست؟-53

دو برادر را به دادگاه احضار کردند. رئیس دادگاه از آنان پرسید: شما برادر هستید؟ گفتند: -54 آری، گفت: پدر شما یکی است؟ گفتند: بلی، گفت: مادران هم یکی است؟ گفتند: آری بعد که به شناسنامه آنان نگاه کرد گفت: شما هر دو در دوازدهم تیر 1340 خورشیدی متولد شده اید، پس حتماً دوقلو هستید؟ گفتند: خیر! چطور چنین چیزی ممکن است. در حالیکه آنان دروغ نگفته اند؟

فرق صندوقدار، دزد، گندم و سیاست چیست؟-55

او «کشمش» را بیشتر دوسن می داشت؛ زیرا راندن مرغ «کیش» و مادر بره «میش» است که به -51 اصطلاح عوام «کیشمیش» و به اصطلاح علمی «کشمش» خواهد شد

اگر اسکلت دندان داشت، دندانهایش را می شمرد. اگر 32 عدد بود می فهمد اسکلت متعلق -52 به مرد است و در غیر اینصورت زن. ثانیاً دنده هایش را می شمرد. اگر یک دنده از مردان کمتر داشت، اسکلت متعلق به زن است راه سوم آنست که اندام زن ظریفتر و استخوانهایش باریکتر و قدش کوتاهتر است، لذا از این ویژگیها نیز می تواند به هویت او پی ببرد

کچل اصلاً «فرق» ندارد؛ زیرا مو ندارد که فرق (فاصله باز شده میان زلف) داشته باشد -53

زیرا آنان سه قلو بوده اند و دو نفرشان به دادگاه احضار شده بودند -54

صندوقدار کارش «جمع کردن» است، زیرا چیزی بر چیز دیگر می افزاید. کار دزد «کاستن» -55

است، زیرا پول یا جنسی را از جایی بر می دارد. کار گندم «ضرب کردن» است، زیرا از یک گندم، چند گندم به دست می آید، و کار سیاست «تقسیم کردن» است زیرا مردم را به گروه‌ها و دسته‌های متفاوت - با اندیشه‌های گوناگون - تقسیم می کند

GORJI

08-08-2010, 10:40

باغی باغبان سختگیری دارد که هر کس می خواهد وارد باغش شود با گفتن واژه «نه»، مانع -56 ورود او به باغ می شود. اما مردی زرننگ و هوشیار، با گفتن جمله ای، از باغبان اجازه ورود به باغ را می گیرد. او چه می پرسد که باغبان با وجود گفتن واژه نه به او اجازه ورود به باغ را می دهد؟

چگونه مردی توانست برادر زن خود شود؟ -57

آن نام شهر است، که اگر حرف اولش را بردارند، نام شخصی می شود. اگر دو حرف اولش را -58 بردارند. لقب یکی از پیامبران می گردد. و اگر سه حرف اولش را بردارند، یک وسیله جنگی است، و اگر چهار حرف اولش را بردارند، واحد پول یکی از کشورهاست؟

» عبارت زیر را بخوانید: « کشمشمشیر کشمشیر -59

یکنفر به قهوه خانه رفت و یک چایی خواست. قهوه چی یک چایی برایش آورد. مرد پس از -60 چند دقیقه، با رفیقش مشغول صحبت شد. آنگاه متوجه شد مگسی در استکان چائیش افتاده است. قهوه چی را صدا کرد و از او خواست تا چایی را برده، عوض کند. قهوه چی چایی را برد و پس از چند دقیقه، یک چایی بازگرداند. مشتری پس از نوشیدن جرعه ای از چای، قهوه چی را احضار کرد و بدو گفت: چرا چائی مرا عوض نکردی و همان را آوردی؟ او از کجا فهمید قهوه چی چایی را عوض نکرده است؟

می پرسد: «آیا اشکالی ندارد که من وارد باغ شوم» باغبان می گوید: نه و او بدون هیچ مانعی به -56
باغ وارد می شود

چندین سال پیش، افراد وابسته به پلیس پاریس، آدم بینوایی را که از بالای «پل شارانتون» توی -57
رودخانه جسته بود تا خودکشی کند، از آب بیرون آوردند. او را به نزدیک ترین کلانتری بردند و
بازجویی درباره انگیزه های خودکشی، از او شروع شد. مرد بینوا در آغاز ساکت ماند و سرانجام
چنین پاسخ داد: خودکشی من به علت امور خانوادگی بود. چون افسر پلیس اصرار بسیار کرد که
روشنتر سخن بگوید؛ مرد بینوا تصمیم گرفت سرنوشت خود را تعریف کند: «من با زن بیوه ای ازدواج
کردم که دختر 18 ساله ای داشت. پس از چندی، پدرم خاطرخواه دختر من شد و با او ازدواج کرد،
آنوقت او داماد من و نادختری من، نامادریم شد پس از آن زن من پسری زائید که هم برادر زن پدر من
و هم به عنوان برادر نامادری من، یعنی دایی من بود. نامادریم نیز بچه ای زائید، که برادر من و در آن
واحد نوه من بود. در نتیجه، من شوهر زنم و در عین حال نوه او بودم و چون شوهر نامادری هر کسی،
ناپدري او نیز هست، بنابراین، اکنون من برادر زن خود هستم! و چنانکه می بینید، همه این چیزها
باعث سردرگمی من شده است. زیرا دیگر نمی دانم کیستم؟! به این سبب بود که به فکر خودکشی
افتادم؛ زیرا در چنین شک و تردیدی، نمی توانم به زندگی ادامه دهم

رامین» است؛ که اگر حرف اولش را بردارند، نام شخصی یا به عبارت دیگر امین معشوقه «-58
«ویس» در اثر معروف «فخرالدین اسعد گرگانی» است. اگر دو حرف اولش را بردارند، تبدیل به
«امین» می شود که لقب پیامبر اکرم است. و اگر سه حرف اولش را بردارند تبدیل به «مین» می شود
که یک وسیله جنگی است. و اگر چهار حرف اولش را بردارند، تبدیل به «ین» می شود که واحد پول

کشور ژاپن است

عبارت مزبور چنین خوانده می شود: کِشَم شمشیر، کُشَم شیر -59

زیرا چائیش را قبلاً شیرین کرد بود و چون قهوه چی معمولاً چائی را قند پهلوی می آورد، مرد با -60
چشیدن جرعه ای از چای، فهمید که قهوه چی چائی را عوض نکرده، بلکه همان چائی را پس از
بیرون آوردن مگس، برگردانده است

GORJI

08-08-2010, 10:40

پادشاهی درچهل کشور قلمرو داشت، و از هر یک از آن کشورها، سالانه یک کیسه زر خراج -61
می گرفت. یک سال از چهل کشور، چهل کیسه زر برای او فرستادند؛ ولی جاسوسانش اطلاع دادند
که درمیان کیسه ها، کیسه ای هست که سکه هایش نقره اند اما روکش طلا دارند! پادشاه از این
سخن برآشفته و دستور داد تنها با یکبار وزن کردن، بدانند کدامیک از این کیسه ها، محتوی سکه
های نقره ای روکش دار است؟ با توجه به اینکه شکل، اندازه و حجم سکه ها و کیسه ها همه
یکسان بود وزن یک سکه نیز قبلاً مشخص شده بود؟

شخصی از طبقه هفتم ساختمانی به پایین پرتاب شد. در حال جان دادن بود که پلیس بالای -62
سرش آمد و پرسید: چه کسی ترا به پایین پرتاب کرد؟ مرد به آرامی گفت: بهرام! بلافاصله، پلیس با
آسانسور به طبقه بالا رفت و بدون اینکه بهرام را بشناسد، او را از میان افراد مستقر در طبقه هفتم
شناخت. پس او را دستگیر کرد و با خود به کلانتری برد. پلیس بهرام را از کجا شناخت؟

سه دانشمند بسیار گرانقدر، که یک نفرشان ریاضیدانی ارزشمند، دیگری فیزیکدانی صاحب نام -63
و سومی پزشکی متخصص بود، سوار بالنی شدند. بالن روانه فضا گردید. پس از چندی متوجه شدند

که بالن سوراخ کوچکی پیدا کرده و تحمل وزن آن سه تن را ندارد. ناچار تصمیم گرفتند، برای نجات جان دو نفر بقیه، یک نفر را فدا کرده به پایین پرتاب کنند. پس از اندیشیدن و تبادل نظر، یکی از سه نفر را به پایین پرتاب کردند و دو نفر بقیه از مرگ حتمی رستند. کدامیک از این سه تن به پایین پرتاب شدند؟

یک نفر با تفنگ به سوی پرنده ای تیری انداخت و او را نقش بر زمین ساخت. پرنده بلافاصله -64- در گذشت. حالا از کجا بدانیم بچه ای که در پرنده در شکم دارد حلال است یا حرام؟

سخت است سنگ نیست، چهار پا دارد شتر نیست، تخم می گذارد پرنده نیست -65-

ابتدا چهل کیسه را پشت سر هم ردیف کردند: آنگاه از کیسه اول یک سکه و از کیسه دوم، دو -61- سکه و از کیسه سوم سه سکه الی آخر برداشتند، بطوریکه مثلاً از کیسه بیستم بیست سکه و از کیسه چهلیم، چهل سکه برداشته شد. جمع سکه های برداشته شده 830 سکه بود. آنگاه همه سکه ها را وزن کردند. اگر مثلاً وزن هر سکه یک مثقال بود، می بایستی وزن همه سکه ها 830 مثقال باشد. اگر مثلاً از جمع سکه ها 10 گرم کم بود می فهمیدند که کیسه اول حاوی سکه های تقلبی است و اگر 20 گرم کم بود کیسه دوم الی آخر، بدین ترتیب از کسری وزن سکه ها حدس زدند که باید کدامیک از کیسه ها دارای سکه های نقره ای با روکش طلا باشد و چون نام کشور فرستنده روی کیسه ها نوشته شده بود، پادشاه کشور فرستنده را شناخت، و او را سخت مورد مؤاخذه قرار داد

از آنجا که افراد مستقر در طبقه هفتم، همه به جز یکی زن بودند و همان یکنفر مرد قاعدتاً باید -62- بهرام قاتل آن مرد باشد

آنکه چاقتر و وزنش از همه بیشتر بود. و اینکه گفته شده است آنان افراد لایقی بوده اند، نکته -63
انحرافی است و گرنه، وجود هر سه آنان برای جامعه مفید بود

پرنده تخمگذار است و بچه زان نیست تا بچه ای در شکم داشته باشد -64

لاک پشت -65

GORJI

08-08-2010, 10:40

از دختری پرسیدند: اسمت چیست؟ گفت: دو سال و شش ماه. اسم او چه بوده است؟ -66

دو نفر به حمام میروند. در حمام یا وارد خزینه می شوند و یا در زیر دوش قرار می گیرند. با -67
اینحال، یکی از آنها خیس می شود و دیگری خیس نمی شود. چطور چنین چیزی ممکن است؟

شخصی هنگام خواب، دوساعت را که هر دو سالم بوده و هر دو دقیق کار می کرده است میزان -68
می کند و بالای سرش می گذارد. صبح فردا که از خواب بر می خیزد می بیند یکی از ساعتها، از
ساعت دیگر یک ربع عقب تر است. در حالیکه هر دو ساعت مشغول کار بوده اند، چطور چنین
چیزی ممکن است؟

گرد است و گردو نیست؛ زرد است زردآلو نیست؛ شیر است درنده نیست؛ شمشیر است و بُرنده -69
!نیست

مادری برای دختران و پسرانش که پنج نفر بودند، در زنبیل 5 سیب آورد و گفت: هر کدام از -70
شما یک سیب بردارید، بطوریکه یک سیب هم توی زنبیل بماند. چگونه چنین چیزی ممکن است؟

اسمش «سیما» بوده است، زیرا دو سال 24 ماه است که با 6 ماه جمعاً سی ماه یا «سیما» می -66
شود

یکی از آنها زن آبستنی بوده که بچه ای در شکم داشته و دومی بچه ای است در شکم او، -67
بنابراین مادر، زیر دوش یا در خزینه خیس می شود و بچه خیس نمیشود

زیرا یکی از ساعتها کوکی و دیگری برقی بوده است و هنگامیکه او در خواب ناز بوده، یک -68
ربع برق قطع می شود ساعت برقی یک ربع از ساعت کوکی عقب میماند

سکه ی دهشاهی سالهای پیش است که روی آن عکس شیری مشاهده می شود -69

یا بچه ای در شکم داشته، و تعداد حاضران بغیر از خود او چهار نفر بوده اند و یا اینکه سیبی هم -70
در دست داشته و گفته است، «هر کدام از شما یک سیب بردارید» منتها یکی از آنها سیب را از دستش
. گرفته و چهار نفر بقیه از زنبیل برداشته اند و سرانجام نیز یک سیب در زنبیل مانده است

GORJI

08-08-2010, 14:02

چه تفاوت آشکاری بین مس، گُرْم، طلا و آهن وجود دارد؟ -71

باغی 7 دَرِ تو در تو دارد. اگر هنگام خروج از هر در میوه هایی را که چیده ایم نصف کنند و -72
هنگام خروج از در آخر، یک عدد میوه در سبد باقی بماند، تعداد میوه های سبد، در بخش مرکزی
باغ چند عدد بوده است؟

یک استاد دانشگاه سه مجسمه را روی میز می گذارد و با سه مهره امتحان خاصی را با این -73
مجسمه ها انجام می دهد. ابتدا مهره ها را در گوش چپ یکی از مجسمه ها می کند و از گوش
دیگرش بیرون می آورد. آنگاه می خواهد مهره دوم را در هر یک از دو گوش مجسمه دوم فرو
کند، هر کار می کند نمی شود. اما مهره سوم را که در گوش مجسمه سوم می کند، هر کاری می
کند بیرون آورده نمی شود. می خواهیم بدانیم او از میان این سه مجسمه، کدامیک را برتر می شمارد
و انتخاب می کند؟

شخصی در یک شب بارانی، زنش را به قصد کشتن سوار خودرو خود می کند و از خانه بیرون -74
می برد. پس از ارتکاب جرم، به خانه باز می گردد و اتومبیلش را کاملاً می شوید تا گل و خون و
همه آثار دیگر جرم را از آن محو و نابود سازد. با توجه به اینکه جز آن شب، در هیچ شب دیگری
باران نمی باریده است، وقتی پلیس از ماجرا خبردار می شود، به قصد تحقیق پیرامون این موضوع، به
خانه او می آیند. از او می پرسند: آیا تو در آن شب بارانی بیرون رفته بودی؟ قاتل می گوید: نه آنگاه
پلیس می گوید کلید (سویچ) ماشینت را بما بده ببینیم. پس از گرفتن سویچ، به گاراژ می روند و
همینکه ماشین را روشن می کنند، می فهمند قتل کار همان مرد بوده است! شما بگوئید پلیس از کجا
فهمید، قضیه قتل کار او بوده است؟

چگونه می توانیم تخم مرغ پخته را از خام تشخیص دهیم؟ -75

آهن، زیرا سایر فلزات فاقد نقطه هستند و تنها آهن است که نقطه دارد -71

صد و بیست و هشت عدد. زیرا پس از گذشتن از هفت مرحله نصف شدن، نتیجه به یک می --72

رسد

جمعمه سوم را، زیرا اولی از جمله کسانی است که حرف را از یک گوش می گرفته و از --73 گوش دیگر در می کرده است، جمعمه دومی متعلق به کسی است که حرف به گوشش نمی رفته و سومی. هر حرفی را می شنیده، درمخس نگه می داشته، لذا از آن دو برتر بوده است

پس از اینکه پلیس ماشین را روشن کرد، متوجه شد برف پاک کن آن روشن است و قاتل از --74 فرط دستپاچگی و شتابزدگی، یادش رفته آنرا خاموش کند و از پاسخی که او داده بود، فهمید قتل حتما کار خود او بوده است

مرغ پخته و خام به یک طریق نمی چرخند. تخم مرغی را بگیرید، آن را روی صفحه ای افقی و -75 صاف گذارده، بچرخانید. تخم مرغ پخته، بویژه اگر خوب سفت شده باشد، خیلی سریعتر و بیشتر از تخم مرغ خام می چرخد! در واقع، چرخاندن تخم خام کار مشکلی است. تخم مرغ سفت چنان سریع می چرخد، که بشکل بیضی سفید مسطح و مبهمی دیده می شود. اگر بتوانید سرعت دُوران کافی به آن بدهید، حتی ممکن است روی انتهای باریکش برخیزد. علت آن است که تخم مرغ پخته، برخلاف تخم مرغ خام، مثل یک مجموعه کامل یا جسم سختی دوران میکند، محتویات آبگونه ای تخم مرغ خام نمی تواند به سرعت، همراه پوست شروع به چرخش کند. لذا مانند ترمز عمل کرده و با لختی خود، در کار چرخیدن پوسته سفت اخلا می کند، دیگر آنکه موقع ایستادن، تخم مرغ پخته و خام به یک شکل متوقف نمی شوند. اگر به تخم مرغ پخته ای که در حال چرخیدن است انگشت بزنید، فوراً از دوران باز می ایستد، ولی اگر این کار را با تخم مرغ خام کنید، پس از برداشتن انگشت، دوباره حرکت خود را از سر می گیرد. محرک این عمل، نیز همان نیروی لختی است. پس از آنکه پوسته تخم مرغ خام را متوقف کردید، محتویات ابگونه ای درون آن باز هم به حرکت خود ادامه می دهند. در نتیجه، پس از برداشتن انگشت، دوباره پوسته را به حرکت وا می دارند. ولی محتویات تخم مرغ پخته با پوست خود متوقف می شوند

ایوب» بی پدر را بنشان کنار «مسافر بیمار» ، بین نتیجه چه می شود؟» 76-

پدر احمد می تواند یک اتوبوس پر از مسافر، یا یک کامیون پر از بار را با یک دست نگهدارد، 77- چگونه؟

فرق چینی و ژاپنی در چیست؟ 78-

شش دوست که به سینما رفته اند، شش صندلی را که تشکیل یک ردیف را داده است اشغال 79- می کنند. جواد دور از فرهاد نشسته و در دو طرفش، دو نفر قرار دارند که با دو نفری که اطراف فرهاد نشسته اند متفاوت می باشند. احمد و محمود هم در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و حسین دور از جواد است. آیا با این حساب، صندلی یوسف در کنار راهروی ورودی این ردیف قرار گرفته است؟

روی شیشه یک آرایشگاه، نام آن با حروف درشت و به خط نستعلیق نوشته شده است. صندلی 80- مشتریها پشت به شیشه در ورودی و روبروی آینه قرار دارد. یک مشتری که در حال اصلاح سر و صورت است، از راه آینه روبرو، نوشته روی شیشه را مشاهده می کند، حال بگوئید بینم، او نوشته روی شیشه را چگونه می بیند، برعکس یا به طور عادی؟

پدر به زبان عربی «اب» است بنابراین اگر از ایوب، اب را برداریم، یعنی آنرا بی پدر کنیم، یو 76- می ماند از سویی، مسافر بیمار هم سف می شود. زیرا اگر «م ا ر» را از واژه «مسافر» کم کنیم، سف می ماند. پس اگر ایوب بی پدر را که یو است کنار مسافر بیمار یا سف بنشانیم، یوسف می شود که

نام یکی از پیامبران و فرزند یعقوب است

او مأمور اداره راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه است که با اشاره یک دست اتوبوس پر از مسافر -77 یا کامیون پر از بار را نگه می دارد

تفاوت آنها در این است که «چینی» می شکند، اما ژاپنی نمی شکند -78

آری، ترتیب نشستن آنها از چپ به راست به قرار زیر است: یوسف، جواد، احمد، محمود، -79
فرهاد، حسین

مشتري حروف و کلمات روی شیشه را در آینه روبرو به صورت عادی مشاهده می کند -80

GORJI

08-08-2010, 14:03

هم فرشته است، هم پادشاه و هم سرزمین 81

یک روستایی به همسایه خود بهنگام بهار یک کیسه پر از گندم قرض داد که چهار پا بلندی و -82
شش پا دور آن بود. بهنگام خرمن، آن همسایه، دو کیسه پر از گندم برای پرداخت دین خود ره آن
روستایی داد که بلندی هر یک از کیسه ها چهار پا بود، اما دور هر یک از دو کیسه، نصف دوره کیسه
آن روستایی - یعنی هر کدام سه پا- بود. با این حساب آیا آن همسایه، بدهی خود را تمام و کمال
بدان روستایی پرداخته است یا خیر؟

آورده اند که یکی از خلفای عباسی، می خواست یکی از سه تن دوستان خود را که به آنها -83
اعتماد کامل داشت، وزیر خود کند، ولی نمی دانست کدامیک از آن سه نفر باهوشتر است. لذا

روزی آنها را احضار نمود و گفت: «چنانکه می بینید سه سیب سرخ» و دو سیب سفید، در این ظرف درمقابل خود دارم. چشمهای شما را بسته، سیبی روی سر هر یک از شما می گذارم و بعد چشمان شما را باز می کنم، بطوریکه هر یک از شما، سیبی را که روی سر دو نفر دیگر است می توانید ببیند، ولی سیبی را که روی سر خودتان است نمی توانید ببینید، هر کدام از شما که زودتر حدس زد، سیبی که روی سرش است چه رنگی دارد، او را وزیر خود خواهم کرد. پس از آنکه چشمان آنها را بسته و سه سیب سرخ و سفید روی سرشان گذاشت و چشمان آنان را باز کرد، از آن سه نفر، جعفر و موسی متحیر مانده نتوانستند جواب درستی بدهند؛ اما صادق ثابت کرد که از دیگران باهوشتر است و پس از لحظه ای درنگ گفت: سیبی که روی سر من است سرخ می باشد. صادق از کجا فهمید سیبی که روی سرش گذاشته شده سرخ است؟

:از میان ورق بازی، باید سیزده ورق را بدین ترتیب بیرون آورد 84-

یک لو، دولو، سه لو، چهارلو، پنج لو، شش لو، هفت لو، هشت لو، نه لو، ده لو، سرباز، بی بی، شاه. حالا باید این سیزده ورق را طوری روی هم گذاشت که اگر مرتباً یک ورق را به زمین بیندازیم و یک ورق رازیر دست بگذاریم، به ترتیب همان اوراقی که برشمردیم بیرون بیاید! چطور چنین چیزی ممکن است؟

مردی با همسرش در خیابان قدم می زد. ناگهان بفکرش رسید که کاری ضروری دارد! 85- بنابراین تصمیم گرفت از همسرش خداحافظی کرده، به دنبال کار خود برود. پس رو به زنش کرد و گفت: خداحافظ، خواهر عزیز!، با اینکه طرف مقابل همسر او بوده، چرا او اینگونه خداحافظی کرد؟

ملک است، که اگر فتح میم و لام باشد به معنی فرشته است که جمع آن ملائکه می شود. اگر با 81-

فتح میم و کسر لام باشد به معنی پادشاه است که جمع آن ملوک است و اگر با ضم میم و جزم لام باشد به معنی سرزمین و مال و منال غیر منقول است که جمع آن املاک می باشد

دو کیسه گندمی که در عوض آن یک کیسه برای ادای دین به آن روستایی داده شده است، از -82
نظر وزن و حجم، تقریباً نصف مقدار گندمی است که در کیسه ی آن روستایی بوده است

صادق پیش خود فکر کرد، جعفر می داند سیبی که روی سر من است سرخ یا سفید است، ولی -83
نمی داند روی سر خودش چه رنگ سیبی است اگر سیبی که روی سر من است سفید باشد، جعفر
فکر خواهد کرد که اگر سیبی هم که روی سر اوست سفید باشد، چون سفید دو تا بیشتر نیست،
موسی فوراً رنگ سیبی را که روی سر خودش هست حدس خواهد زد و خواهد گفت: روی سر من
سیب سرخ است ولی چون موسی صدایش در نیامده، پس معلوم می شود که سیبی که روی سر من
است (یعنی صادق) سفید نیست. پس حتماً سرخ است لذا رو به خلیفه کرد و گفت سیبی که روی سر
من است سرخ است و مدلل داشت که از جعفر و موسی باهوش تر است. لذا به وزارت خلیفه انتخاب
شد

تنها در صورتی ممکن است که آن سیزده ورق را به ترتیب زی بچینیم: یک لو، بی بی، دولو، -84
هشت لو، سه لو، سرباز، چهارلو، پنج لو، شاه، شش لو، ده لو، هفت لو

زیرا نام خواهر زن یا برادر زنش عزیز بوده، بنابراین همسرش «خواهر عزیز» می باشد -85

GORJI

08-08-2010, 14:04

هم نام شهری است، هم نام گیاهی -86

هم جَوَد آنرا و هم شهری بُود 87-

!شعری بنویسید که واژه ها چهار زبان در آن بکار رفته باشد 88-

این مصراع را بخوانید: پیشلطیفطلعتشقیمتمنشکستهشد 89-

یک چراغ نفتی داریم که فتیله اش کوتاه است و نفت به فتیله آن نمی رسد. از سویی مقدار 90-
نفت ما هم کم است و دسترسی به نفت نداریم. با این وضع، چگونه می توانیم چراغ را روشن کنیم؟

سرخس است که هم نام گیاهی است و هم نام شهری در شمال شرقی استان خراسان-86

سَقَز از شهرهای استان کردستان-87

قال (عربی) دِ تیچِر (انگلیسی): گاماس، گاماس (ارمنی)، گَ بُر (ترکی) پا تَخِته 88-
(فارسی)..... گفتم (فارسی) نُن دِیس سِوَن لِسِن (انگلیسی) وِری وِری (انگلیسی) سَخِته (فارسی)

مصراع مزبور چنین خوانده می شود: پیش لطیف طلعتش، قیمت من شکسته شد-89

مقداری آب در منبع نفت چراغ می ریزیم، بطوریکه فتیله چراغ درون آب و نفت قرار گیرد و 90-
آنگاه اندکی صبر می کنیم. چون آب از نفت سنگین تر است، در ته ظرف قرار می گیرد و نفت روی
آن واقع می شود، بطوریکه فتیله درون نفت قرار می گیرد. آنگاه با زدن کبریت و نزدیک کردن آن
به سر فتیله، چراغ را به راحتی روشن می کنیم

می دانیم هر جانوری را به شکلی خاص رام می کنند. مثلاً اسب وحشی را با سواری گرفتن و 91- شلاق زدن و خسته کردن رام می سازند یا گاو وحشی را با دواندن و خسته کردن و بستن در یکجا و ... اکنون بگوئید مار را چگونه رام می کنند؟

!نام چند جانور را بنویسید که برعکس آنها هم خودشان باشند 92-

!نام چند جانور را بنویسید که برعکس آنها معنا داشته باشد 93-

آیا شنها آواز می خوانند؟ آیا در جهان جایی وجود دارد که شنهایش ناقوس کلیسا سردهند؟ 94-

مخوف ترین گودال عالم کدام است؟ 95-

برای رام کردن «مار»، آنرا برعکس می کنند، زیرا، برعکس مار، رام می شود-91

شپش، کبک، ساس، گرگ-92

رخ، سگ (گس)، شیر (ریش)، خرس (سرخ)، خوک (کوخ)، هُدهُد (دَه) فیل (لیف)، خر -93
دَه، مور (روم)، مار (رام)، اسب (بَسا)، غاز (زاغ)

از بیابانهای خاورمیانه، نظیر بیابان سینا و حارب هم، داستانهای افسانه ای از 200 سال پیش به 94- اینطرف شنیده شده است، که خواه ناخواه، در آن موقع، به نظر مردم جنبهٔ ماورالطبیعه داشته است. داستانی که در این مورد نقل می شود اینست که می گویند: صومعه ای که از قرنهای پیش زیر توفان

های شن مدفون شده است، هنوز ناقوسهایش صدا می دهند! مردمی که از آن نقطه می گذشتند، هنگامی که چنین صدای مرموزی را که در کوهستان نزدیک طنین افکن می شد می شنیدند، از ترس، بر جای خشک می شدند و شتران هم از این صدای مرموز که از زیرزمین به گوش می رسید، پاهایشان از رفتن باز می ماند! هر چند این اظهارات بنظر افسانه می آید، اما زوار مسیحی که از دو قرن پیش بدین طرف، برای زیارت بیت المقدس رفته اند، واقعیت فوق را تایید کرده اند و آنچه که تا دیروز، برای مردم جنبه افسانه، خرافات و امثال آنرا داشته، اکنون به صورت حقیقی جلوه گر شده است. زوار مسیحی گفته اند: صدای زنگی طولانی و یکنواخت را شنیده اند چنان بنظر می رسد، که گویی «ناقوس» به صدا در آمده است. اما نقطه ای را که بدان اشاره کرده اند، جای دورافتاده و بیابان متروکی است هیچ کشیش یا کسی را در آن نزدیکی ندیده بودند که بتوان صدای ناقوس را بدانها نسبت داد. از آن تاریخ تاکنون، منطقه مزبور را به زبان عربی جبل ناقوس میگویند. مسافرانی که در سالهای اخیر بدین نقطه رفته اند، ادعاهای فوق را قبول ندارند و به کشف جنبه علمی پرداخته و بدین نتیجه رسیده اند، که آوازی که به گوش زوار و کاروانیان می رسیده، چیزی جز صدای شنهای آوازه خوان نبوده، که یک سوی کوهستان را از دامنه تا به پایان پوشانیده است. این بیابان شنی، بر اثر بادهای نیرومند غربی، که دائماً از بیابان سینا می وززد، در اینجا رسوب کرده اند! همینکه باد شروع به وزیدن می کند، شنهای مزبور صدایی شبیه ناقوس بر می آورند

مخوف ترین و تاریک ترین گودال عالم، بنام ماریان در اقیانوس آرام قرار دارد که عمق آن -95
6/5 میل (مایل) است بطوریکه اگر بتوانیم کوه اورست را در کف این گودال قرار دهیم، باز هم به
اندازه یک میل، پایین تر از سطح دریا قرار خواهد گرفت

GORJI

08-08-2010, 14:04

منوچهر، به خواهر کوچکترش پروین گفت: تو، اگر یک تومان از پول خودت را به من 96- بدهی، پول من دو برابر پول تو خواهد شد! پروین پاسخ داد: اگر تو از پول خودت یک تومان به من غاز چند تومان داشتند؟ برای حل بدهی، پولهای هر دومان مساوی خواهد شد؟ هر یک از آنها در آ! این چیستان، نباید از قلم و کاغذ استفاده شود

آیا می دانید که بزرگترین و کوچکترین کشورهای جهان کدامند؟ 97-

بزرگترین جزیره دنیا کدامست 98-

آیا می دانید سردترین نقطه روی زمین در کجاست؟ 99-

مردی روزی دوبار از کوچه ای که در آن ده درخت وجود دارد می گذرد. اگر او یک ماه 100- تمام از این کوچه عبور کند، جمعاً چند درخت را در آنجا خواهد دید؟

پروین 5 تومان و منوچهر 7 تومان پول داشتند-96

بزرگترین کشور جهان روسیه و کوچکترین کشور جهان ، سان مارینو در اروپاست-97

اگر حقیقتش را بخواهید، بزرگترین جزیره دنیا، اوراسیا است که از مجموع قاره های آسیا و 98- اروپا تشکیل شده است از آن که بگذریم، چون آفریقا از زمان حف رکانال سوئز به صورت جزیره در آمده است، با مساحتی در حدود 30000000 کیلومتر مربع، بزرگترین جزیره جهان است، اما جغرافی دانان گرین لند در امریکای شمالی را، بزرگترین جزیره دنیا می دانند

سردترین نقطه روی زمین، اوامیا کن در سیری است -99

ده درخت را، زیرا هر روز همان درخت را می بیند و چیزی از آنها کم یا به آنها اضافه نمی -100
شود لذا هر چند بار از آنجا بگذرد، باز همان درختها را خواهد دید

GORJI

08-08-2010, 15:25

- مردی روزی دوبار از کوچه ای که در آن ده درخت وجود دارد می گذرد. اگر او یک ماه 100
تمام از این کوچه عبور کند، جمعاً چند درخت را در آنجا خواهد دید؟
- خرگوشی دوسال از عمرش را پشت سر می گذارد، اکنون او چه می شود؟ 101-
- نام کدام پرنده ای است که اگر برعکسش کنیم، نام پرنده دیگر می شود؟ 102-
- چگونه می توان بانگاه کردن به پرنده ای که درحال پرواز است، پی برد که آن پرنده، حلال 103-
گوشت است یا حرام گوشت؟
- دو کشور را که اختلاف نامشان تنها در لفظ «یه» است ، نام ببرید 104-
- هم نام شهری است، هم زیور پا 105-

وارد سه سالگی می شود-101

غاز است که برعکسش زاغ می شود-102

اگر پشت سر هم بال می زد حلال گوشت است مانند کبوتر، گنجشک و کبک، و اگر چند -103
بال می زد و با بار کردن بالهایش بر روی هوا سوار می شد، حرام گوشت است مانند کرکس، عقاب
و لاشخوار

کشورهای مزبور نیجر و نیجریه هستند که اختلاف نامشان تنها در لفظ یه می باشد-104

خلخال-105

GORJI

08-08-2010, 15:25

شخصی با وجود داشتن همسر، همسر دیگری اختیار کرد. خدا از کار او خشنود بود، اما محمد 106
و علی و فاطمه، از کار او ناراضی بودند. چطور چنین چیزی ممکن است؟

هم نام خیابانی است در تهران، هم نام بازاری در همان شهر و هم نام پادگانی؟ -107

نام چه شهری است که سه حرف اولش یکی از حشرات، دو حرف دوم و سومش، نام یکی -108
از پایتختهای باستانی و چهار حرف آخرش داستان بلند است؟

نام چه شهری است که دو حرف اولش کشنده است، حرف دوم و سومش واحد وزن است -109
و سه حرف آخرش نوعی خوراکی است؟

نام چه شهری است که چهار حرف اولش نام یک پرنده و چهار حرف آخرش محل کسب -110
و کار است و اگر حروف چهارم و پنجم آنرا برداریم، یکی از کشورهای آسیایی است؟

زیرا محمد و علی فرزندان وی و فاطمه نیز همسر وی می باشد که هر سه از کار او ناراضی -106 بودند

عباس آباد-107

کرمان است که سه حرف اولش «کِرم»، حرف دوم و سومش «رُم» و چهار حرف آخرش -108 «رُمان» است

سمنان است، که دو حرف اولش سَم است، حرف دوم و سومش «مَن» واحد وزن است و سه -109 حرف آخرش «نان» نوعی خوراکی است

اردکان است که چهار حرف اولش «أردک» نام پرنده ای است؛ چهار حرف آخرش «دکان» -110 محل کسب و کار است و اگر حروف سوم و چهارمش را برداریم، تبدیل به «أردُن» می شود که یکی از کشورهای آسیایی است

GORJI

08-08-2010, 15:26

هم در نانوائی است، و هم نام بندری از بنادر ایران؟ 111

هم در بیابان پراکنده است، و هم نام بندری است در جنوب ایران؟ 112-

نام چند شهر را که سه حرف اولشان نام جانوری باشد بنویسید؟ 113-

ده و ده بیست می شه، پنجاه تا به آن اضافه کنی یازده می شه! چطور چنین چیزی ممکن 114-
است؟

از صفر تا صد چند تا 9 وجود دارد؟ 115-

خمیر-111

ریگ-112

کرمان (کِرم)، شیراز (شیر)، اهواز (آهو)، گرگان (گرگ)، ساری (سار)، اسد آباد (اسد)، 113-
قوچان (قوچ)، شیروان (شیر)، کرمانشاه (کرم)

ساعتی است که ده و ده دقیقه را نشان می دهد که بیست نیست؛ و اگر پنجاه دقیقه بدان 114-
بیفزایی یازده می شود

بیست تا-115

GORJI

08-08-2010, 15:26

نام چند وسیله در خودرو را که نام چهار دختر ایرانی است بنویسید 116

نام پنج وسیله را در خودرو که نام پنج حیوان در آن نهفته است بنویسید 117-

از واژه های ردیف دوم، کدامیک را با ذکر دلیل، به جای علامت سؤال در ردیف اول باید 118- گذاشت؟

مد-کار-علوم-مسموم-کاردار-؟

شکر-کوتاه-استقلال-قایقران-سهامدار-سلام

اولین و آخرین سوره نازل شده قرآن کدامند؟ 119-

نخستین کسی که دانه تسبیح را درست کرد که بود؟ 120-

پروانه 2- شمع 3- آینه 4- پیمانه 5- گیت (گیتا)-1-116

پروانه 2- شتر گلو 3- کله گاوی 4- سگدست 5- شغال دست-1-117

واژه ای سهامدار را، زیرا کلمات ردیف اول به ترتیب دو حرفی، سه حرفی، چهار حرفی، پنج-118 حرفی و شش حرفی هستند و ردیف آخر یعنی جای علامت سوال باید هفت حرفی باشد. اما از میان واژه های ردیف دوم، کلمات قایقران و سهامدار هر دو هفت حرفی هستند منتها از میان این دو واژه نیز باید واژه ی سهامدار را انتخاب کرد؛ زیرا همه کلمات ردیف اول بی نقطه هستند، بنابراین هفتمین واژه نیز، ضمن اینکه باید هفت حرفی باشد، باید بدون نقطه نیز باشد و سهامدار واجد چنین ویژگیهایی است

بنا به روایات، نخستین سوره نازل شده، بر پیامبر اکرم سوره علق و آخرین سوره نیز سوره -119 نصر بو

نخستین کسی که تسبیح درست کرد صدیقه کبری سلام الله علیها است، ک از اُحُد، خاک -120
قبر حضرت حمزه سیدالشهدا گِل ساخت و تسبیح درست کرد و با آن ذکر خدا نمود

GORJI

08-08-2010, 15:27

در کتاب «عجائب احکام امیرالمؤمنین» از «اصبغ بن نباته» روایت کنند که ابن کوا عرض 121
کرد: یا امیر المؤمنین ، به من خبر ده از کسیکه در شب و روز کور است، و از کسی که در شب و
روز روشن است، و از کسی که در شب کور است و در روز روشن، و از کسیکه در شب روشن است
و در روز کور است. حضرت چه پاسخی داد؟

شیخ صدوق «قدس سره، در خصال و عیون و علل حدیث کند، که مرد شامی از « 122-
امیرالمؤمنین سؤال کرد: چند نفر از انبیا به عربی تکلم کردند و چند نفر آنان خفته کرده به دنیا آمدند
و چند نفرشان دو اسم داشته اند و اول کسی که شعر گفت و از کیفیت کشتی نوح (ع)؟ حضرت چه
پاسخی دادند؟

اگر دو را از ده کم کنیم، نه می شود! چطور چنین چیزی ممکن است؟ 123-

منظور از این بیت عربی چیست؟ علیّ ححسم کجز تنعم 124-

آن چیست که می بینی و نمی خری، می خری و نمی پوشی، می پوشی و نمی بینی؟ 125-

حضرت علی در پاسخ نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم - اما آن چیزی که مخلوق نیست قرآن -121 است و اما آنچه خدا نمی داند این است که شما می گوئید برای خدا ولد است «وَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَهُمَا كَانُوا مِنْ اللَّهِ لَمْ يُؤْلَدُوا» و اما آنچه در نزد خدا نیست ظلم است و آن چیزی که همه آن دهن است آتش می باشد و آن چیزی که همه آن بال است باد می باشد و آن چیزی که همه آن پا است آب می باشد و چیزی که همه آن چشم است شمس می باشد. اما آن پنج چیزی که رحم مادر ندیده اند و به روی زمین راه یافته اند، آدم، حوا، گوسفند ابراهیم که برای فدای اسماعیل آمد و عصای موسی و ناقه صالح است و اما آن کسیکه عشیره نداشت، آدم ابوالبشر است و اما آن چیزی که نفس می کشد و روح ندارد، صبح است و اما آن چیزی که یک مرتبه پرواز کرد کوه طور بود اما مکانی که یک مرتبه آفتاب بر آن تابید، قعر رود نیل بود که موسی عصا را به دریا زد شکافته شد و آفتاب بر ته آن تابید و اما آن درختی که سوار تندرو تا صد سال برود سایه آنرا طی نمی کند، شجره طوبی از درختهای بهشت است و اما آن درختی که بدون آب نمود کرد، آن درختی بود که خدای متعال برای یونس می رویانید. اما غذای اهل جنت مثل آن دنیا، جنین در رحم مادر است که از راه ناف می خورد و می آشامد و بزرگ می شود و چیزی از او دفع نمیشود. اما الوان مختلفه از طعامها در یک ظرف بهشتی، که با هم مخلوط نمی شود، مثل آن دنیا، تخم مرغ است که سفیده آن مخلوط با زرده آن نمی شود و هر دو در یک ظرف می باشد. و اما جاریه آنچنانی که از سیب بیرون می آید و از سیب چیزی کم نمی شود، مثل آن دنیا، کرم است که از سیب خارج می شود و از سیب چیزی کم نمی شود و اما جاریه آنچنانی که در دنیا برای دوفنر است و در آخرت برای یک نفر، پس آن نخله ای است که در دنیا مؤمن و کافر از او تناول می کنند و در آخرت مختص مؤمن خواهد بود. و اما کلید بهشت کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رُسُولُ اللَّهِ» می باشد

حضرت فرمودند: اما پیغمبرانی که به زبان عربی صحبت کردند پنج نفر بودند: هود، صالح، -122 شعیب، اسماعیل و محمد (ص). اما پیغمبرانی که ختنه شده متولد شدند: آدم ابوالبشر و فرزند او شیث

و ادريس و نوح و سام بن نوح و ابراهيم و داود و سليمان و لوط و اسماعيل و موسى و عيسى و محمد بودند و اما پيغمبراني که دو اسم داشتند شش نفر بودند: يکي يعقوب که او را اسرائيل الله هم گفته اند خضر که او را قاليا هم ناميده اند يونس که او را ذوالنون هم می ناميدند. ادريس که او را اخنوخ هم می گفته اند عيسى که او را مسيح هم می گفته اند و سرانجام حضرت محمد که او را احمد نیز ناميده اند

اشکال سر خواندن جمله است، بايد جمله مزبور را اينگونه بخوانيم: 1 (يک) گردو را از ده -123 کم کنيم، نه می شود، که کاملاً صحيح است

منظور دوازده امام است که هر يک با اول نام يا لقبشان مشخص شده اند: علي، حسن، حسين، -124 سجاد، محمدباقر، کاظم، جعفر صادق، رضا، تقی، نقی، عسگری، مهدي

کفن -125

GORJI

08-08-2010, 15:28

چگونه می توان از يخ آتش ساخت؟ 126

پدر و مادری دارای يک پسر و دختر هستند. دختر آنها با پسری ازدواج می کند و ثمره اين -127 ازدواج يک پسر می شود و پسرشان با يک دختر ازدواج می کند و ثمره پيوندشان يک دختر می شود. حال بگوئيد در اين مجموعه خانوداگی، چند پدر، چند مادر، چند پسر و چند دختر وجود دارد؟

يک زن و شوهر با هم سوار اتوبوسی می شوند. ناگهان زن آن مرد می رود و با راننده -128

اتوبوس، روبوسی می کند، شوهر آن زن، برای آنکه تردید مسافران اتوبوس را برطرف کند، رو به آنان کرده، می گوید، برادر زن راننده، دایی عیال بنده است! آن راننده با آن زن چه نسبتی داشته است؟

اگر سه روز قبل از یک روز به جمعه مانده باشد، پس فردای آن روز، چه روزی می شود؟ 129-

در روزگار گذشته، شاهزاده ای چیستانی گفته و عهد کرده بود که هر کس جواب چیستان 130- او را بدهد، وی همسر آن مرد خواهد شد: چیستان این بود: نه در دارد، نه دیوار و حصاری شنیدم گنبدی بر روی داری در آن گنبد بود لشکر هزاری بنازم قدرت پروردگاری

ک ظرف نیم کره کوچک را پر از آب کرده در یخچال می گذاریم تا خوب یخ بزند. آنگاه 126- یخ را طوری جلو آفتاب می گیریم، تا شعاع آفتاب مستقیماً بر آن بتابد سپس کاغذی را در زیر یخ می گیریم تا بر کاغذ بتابد. سپس آنرا آنقدر جلو و عقب می بریم، تا نقطه تابش بر صفحه کاغذ بیفتد و پس از چند دقیقه، کاغذ شعله ور می شود؛ زیرا یخ حالت عدسی را پیدا می کند

سه پدر، سه مادر، سه پسر و سه دختر- 127

پدرش بوده، زیرا برادر زن پدر آن زن، دایی او می شود- 128

چهارشنبه است. زیرا روز پیش از جمعه پنجشنبه است سه روز پیش از پنجشنبه، دو شنبه و 129- پس فردای دوشنبه، چهارشنبه می باشد

بلی خانم که حرفت راست باشد.....برشتت از دم الماس باشد گمانم می رسد گویا من -130
گُر.....که این حرف شما «خشخاش» باشد

GORJI

09-10-2010, 20:33

اولین حقی که در قیامت رسیدگی می شود ؟-1

اولین کسانی که به بهشت وارد می شوند چه کسانی هستند ؟ -2

اولین کسی که دروغگو را تکذیب می کند کیست ؟ -3

اولین وظیفه ای که به حسابش می رسند چیست ؟ -4

اولین کسانی که روز قیامت شفاعت می کنند چه کسانی هستند ؟ -5

خون. حضرت محمد (ص) - 1

پیامبران و سپس شهیدان. حضرت محمد (ص) - 2

خداوند بزرگ. امام باقر (ع) - 3

نماز. حضرت محمد (ص) - 4

پیامبران سپس علماء و بعد شهیدان. حضرت محمد (ص) - 5

GORJI

09-10-2010, 20:34

اولین مرحله عبادت چیست ؟ -6

اولین چیزی که در میزان می نهند چیست ؟ -7

اولین کسی که درب بهشت را می کوبد کیست ؟ -8

اولین کسی که جان خود را در راه خدا فدا کرد که بود ؟ -9

اولین سوال (عقیدتی) که از بندگان می شود چیست ؟ -10

خاموشی. حضرت محمد (ص) -6

خوی خوش. حضرت محمد (ص) - 7

رسول گرامی اسلام. حضرت محمد (ص) - 8

. حضرت علی(ع) - 9-

دوستی ما خاندان. حضرت محمد (ص) - 10

GORJI

09-10-2010, 20:36

اولین چیزی که از این امت برداشته می شود چیست ؟ - 11

اولین کسی که فخر فروشی و مباحات کرد که بود ؟ - 12

اولین چیزی که در امر دین از دست می دهید چیست ؟ - 13

اولین اسباب نافرمانی خداوند بزرگ چند چیز است ؟ - 14

اولین چیزی که به سبب آن نافرمانی خدا شد چیست ؟ - 15

حیا و امانت. حضرت محمد (ص) - 11

قارون. حضرت محمد (ص) - 12

امانت. حضرت محمد (ص) - 13

شش چیز: 1- دنیا و دوستی 2- ریاست طلبی 3- شکمبارگی 4- پرخواهی - 14
راحت طلبی 6- زن بارگی. حضرت محمد (ص) - 5

.تکبر، که توسط شیطان انجام شد - 15

GORJI

09-10-2010, 20:37

اولین چیزی که خداوند بر امت حضرت رسول (ص) واجب کرد - 16
چه بود؟

اولین وظیفه واجب بر شما در مقابل خداوند چیست؟ - 17

اولین قدم در راه مردی چیست؟ - 18

اولین مرحله حکمت و دانایی در چیست؟ - 19

اولین نشانه عقل چیست؟ -20

نماز های پنجگانه. حضرت محمد (ص) - 16

سپاسگذاری از نعمتها و جستجوی خوشنودی او. حضرت محمد (ص) - 17

فرمانبرداری از خداوند. حضرت علی (ع) - 18

ترک لذتها. حضرت علی (ع) - 19

اظهار مودت و دوستی با مردم - 20

GORJI

10-10-2010, 13:36

اولین قدم و نشانه جوانمردی چیست؟ -21

اولین قدم در دینداری چیست؟ -22

اولین کسی که راستگو را تصدیق می کند کیست ؟ -23

اولین نیکی که پدر به فرزندش می کند چیست ؟ -24

اولین چیزی که خداوند آفرید چه بود ؟ -25

گشاده رویی. حضرت علی (ع) -21

شناخت خدا. حضرت علی (ع) -22

خداوند متعال. امام صادق (ع) -23

نام نیک بر او بگذارد. امام موسی کاظم (ع) -24

عقل. حضرت محمد (ص) -25

GORJI

10-10-2010, 13:38

اولین قومی که بت پرست شدند کدام قوم بودند؟ -26

اولین زن معصومه که بود؟ -27

اولین شخصی که با تربت امام حسین (ع) نماز خواند که بود؟ -28

اولین جمله ای که حضرت آدم(ع) بر زبان آورد چه بود؟ -29

اولین کسی که به امر خداوند مجدداً زنده خواهد شد کیست؟ -30

اولین قومی که بت پرست شدند امت حضرت ادریس ع بودند - 26

اولین زن معصومه حضرت مریم بود - 27

اولین شخصی که با تربت امام حسین(ع) نماز خواند امام زین العابدین(ع) بود - 28

اولین جمله ای که حضرت آدم(ع) بر زبان آورد « الحمد لله رب العالمین » بود - 29

اولین شخصی که به امر خداوند مجددا زنده می شود اسرافیل است که به امر خداوند در - 30
صور می دمد آنگاه دیگران زنده خواهند شد

GORJI

10-10-2010, 13:41

اولین شخص از یاران امام حسین(ع) که در روز-31
عاشورا به میدان آمد چه نام داشت؟

اولین کسی که خط نوشت که بود؟ -32

اولین خانمی که به سوی رسول خدا (ص) با پای پیاده -33
از مکه به مدینه هجرت کرد که بود؟

اولین چیزی که خداوند متعال خلق نمود چه بود؟ -34

اولین شخصی که به ربوبیت حضرت حق ایمان آورد که بود؟ -35

اولین شخصی که از یاران امام حسین (ع) که در روز عاشورا به میدان آمد عبدالله بن عمیر - 31
بود .

اولین کسی که خط نوشت حضرت ادریس (ع) بود - 32

اولین خانمی که به سوی پیامبر هجرت کرد فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی (ع) بود - 33

اولین چیزی که خداوند خلق کرد عقل است - 34

اولین شخصی که به ربوبیت حضرت حق ایمان آورد حضرت محمد (ص) بود - 35

GORJI

10-10-2010, 13:42

اولین زنی که به حضرت موسی (ع) ایمان آورد که بود؟ - 36

اولین کسی که توبه کرد که بود؟ - 37

اولین کسی که تسبیح درست کرد که بود؟ - 38

اولین کسی که شعر گفت که بود؟ - 39

اولین خانمی که اسلام اختیار کرد چه نام داشت؟ - 40

اولین زنی که به حضرت موسی(ع) ایمان آورد آسیه زن فرعون بود - 36

اولین کسی که توبه کرد حضرت آدم(ع) بود که خداوند را به حق پنج تن آبا قسم داد تا - 37
توبه اش پذیرفته شد

اولین کسی که تسبیح درست کرد حضرت زهرا(س) بود که خاک آن از قبر حضرت حمزه - 38
سید الشهداء بود

اولین شخصی که شعر گفت حضرت آدم(ع) بود - 39

اولین خانمی که اسلام آورد حضرت خدیجه بود - 40

GORJI

10-10-2010, 13:44

اولین کسی که تیر به طرف لشکر امام حسین(ع) پرتاب کرد که بود؟ - 41

اولین زنی که دو قلو زایید چه نام داشت؟ - 42

اولین قاتل که بود؟ - 43

اولین جمله ای که حضرت مهدی(عج) پس از ظهور بر زبان می آورد چیست؟ - 44

اولین عملی که حضرت آدم (ع) بعد از خلقت انجام داد چه بود؟ -45

اولین کسی که تیر به طرف لشگر امام حسین (ع) انداخت عمر بن سعد (لعنه الله علیه) بود - 41

اولین زنی که دوقلو زایید حضرت حوا بود - 42

اولین قاتل قابیل بود که برادر خود حضرت هابیل را کشت - 43

اولین جمله ای که حضرت مهدی (عج) پس از ظهور بر زبان مبارکشان جاری می کنند (بقیه - 44
الله خیر لکم ان کنتم مومنین) است

اولین عملی که حضرت آدم (ع) بعد از خلقت انجام داد عطسه زد - 45

GORJI

10-10-2010, 13:46

اولین زنی که ملقب به بتول و عذرا شد که بود؟ -46

اولین شهید زن در اسلام که بود؟ -47

اولین شخصی که به زیارت قبر امام حسین (ع) مشرف شد که بود؟ -48

اولین بار چه کسی موی سر حضرت آدم (ع) را تراشید؟ -49

اولین شخصی که وارد بهشت می شود کیست؟ -50

اولین زنی که ملقب به بتول و عذرا شد حضرت مریم بود - 46

اولین شهید زندر اسلام سمیه بود - 47

اولین شخصی که به زیارت قبر امام حسین (ع) مشرف شد جابر ابن عبد الله انصاری بود - 48

اولین بار جبرئیل موی سر حضرت آدم (ع) را با یاقوتی که از بهشت آورده بود تراشید - 49

اولین شخصی که وارد بهشت می شود حضرت زهرا (س) است - 50

GORJI

10-10-2010, 17:34

دختری که در محراب ، برای او از جانب خدا ، غذایی آورده شده که بود؟ -1

به مادر کدام انبیاء وحی نازل شد؟ - 2

دو زن نمونه {خوب} از قرآن را نام ببرید - 3

دو زن که در قرآن به زشتی از آنها نام برده شده ، کدامند ؟ - 4

کدام سوره نام یک زن است و کدام سوره به معنای «زنان» است ؟ - 5

1 - . دختری که از جانب خدا برای او غذا آورده شد، حضرت «مریم» بود

2 - به «مادر حضرت موسی» وحی شده است

3 - دو زن نمونه {خوب} در قرآن : «آسیه» زن فرعون و «مریم» مادر حضرت عیسی - علیه السلام - هستند

4 - . دو زن بد در قرآن : «زن نوح» و «زن لوط» می باشند

5 - سوره ای که به نام یک زن است ، سوره «مریم» می باشد و «نساء» سوره است که به معنای - «زنان» است

کدام سوره، درباره یک زن نمونه است و آن زن کیست ؟ - 6

کدام سوره قرآن است که سفارش شده زنها آن را بیشتر بخوانند ؟ - 7

کدام زن است که هیزم کش آتش جهنم است و در قرآن به او اشاره شده است - 8

در قرآن به دختری از پیامبران اشاره شده که با عفت و حیا گام برمی داشت، او که بود ؟ - 9

زنی که بدون پدر و مادر به دنیا آمد ، که بود ؟ - 10

۶ - سوره ای که درباره یک زن نمونه است ، «کوثر» است

۷ - سوره ای که سفارش شده که زنها آن را بیشتر بخوانند ، سوره «نور» است

۸ - زن ابولهب «هیزم کش آتش جهنم است»

۹ - در قرآن از دختری «حضرت شعب» - علیه السلام - به عفت و راه رفتن با حیا یاد شده است

۱۰ - زنی که بدون پدر و مادر به دنیا آمد «حوا» زن حضرت آدم - علیه السلام - است

10-10-2010, 17:37

نام 2 مادر پیامبر که اسم ایشان در قرآن برده شده چیست؟ - 11

تنها همسر پیامبری که نام او در قرآن برده شده است؟ - 12

کدام زن به یازده امام محرم و به یک امام نامحرم بود؟ - 13

کفن کدام زن از بهشت آورده شد؟ - 14

زنان مومن با چه سنی وارد بهشت می شود؟ - 15

حضرت مریم س و حضرت هاجر س - 11

حضرت هاجر س - 12

حضرت شهربانو همسر امام حسین ع بود که تنها به امام حسن مجتبی ع نامحرم بود - 13

حضرت خدیجه از بهشت آورده شد - 14

زنان مومن با سن شانزده سالگی وارد بهشت میشوند - 15

10-10-2010, 17:38

بهترین زنان اهل بهشت چه کسانی هستند؟ -16

رسول اکرم ص عمامه و قطعه ای از لباس خود را جهت کفن کردن کدام زن هدیه نمودند؟ -17

کدام زن بود که هم دختر امام هم همسر امام هم عروس امام و هم مادر امام بود؟ -18

کدام زن چهل سال با آیات قرآن سخن گفت؟ -19

خانم بنت اسد {مادر حضرت علی ع} چندمین شخصی بود که مسلمان شد؟ -20

بهترین زنان اهل بهشت حضرت خدیجه س حضرت مریم س حضرت فاطمه س حضرت - 16

.آسیه س می باشد

.جهت کفن نمودن خانم فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی ع هدیه نمود - 17

.فاطمه س دختر امام حسن ع همسر امام سجاده بود - 18

فضه خادمه حضرت زهرا بود - 19

یازدهمین شخصی بود که به اسلام ایمان آورد - 20

GORJI

10-10-2010, 17:41

آن چیست که اولین و آخرین علم ها در آن است؟ - 1

آن چیست که همه می خورند و لی حضرت آدم (ع) نخورد؟ - 2

آن چیست که همه می بینند ولی خدا نمی بیند؟ - 3

آن چیست که در آخرت که از موباریک تر و از شمشیر برنده تر است؟ - 4

آن چیست که به شکل همه در می آید جز پیامبر اسلام (ص) و اوصیاء ایشان؟ -5

1 - اولین و آخرین علم ها در قرآن کریم است

2 - همه شیر مادر می خورند ولی حضرت آدم(ع) نخورد

3 - همه خواب می بینند ولی خدا خواب نمی بیند

4 - پل صراط در آخرت از موباریکتر و از شمشیر برنده تر است

5 - آنکه به شکل همه کس در می آید جز پیامبر اسلام (ص) و اوصیاء ایشان شیطان است

GORJI

10-10-2010, 17:42

آن چیست که حضرت حق فرموده در حصار من است؟ -6

آن چیست که همه دارند ولی پیامبر اکرم (ص) نداشت؟ -7

آن دو چیست که خداوند آن را به زنان واگذار نکرد؟ - 8

آن چیست که با هیچ آبی پاک نمی شود جز با زبان؟ - 9

آن چیست که جای رفتن است نه جای ماندن؟ - 10

حضرت حق فرموده کلمه (لا اله الا الله) در حصار من است - 6

همه سایه دارند اما حضرت محمد (ص) سایه نداشت - 7

خداوند پیامبری وامامت را به زنان محول نکرد - 8

آن چیزی که با هیچ آبی پاک نمی شود کافر است که فقط با زبان وقتی شهادتین را بگوید - 9
پاک می شود

دنیا جای رفتن است نه جای ماندن - 10

15-10-2010, 10:17

پرنده گانی که به امر خداوند با لشکر ابرهه جنگیدند چه نام داشتند؟ - 1

قاتل نمرود چه حیوانی بود؟ - 2

پنج سوره که به نام حیوانات است کدام است؟ - 3

حیوانات ذکر شده در قرآن را نام ببرید؟ - 4

بزرگترین و کوچکترین حیوان در قرآن چه نام دارند؟ - 5

ابابیل - 1

مگس - 2

فیل، نمل، عنکبوت، بقره، نحل - 3

سگ {کلب}، خوک {خنزیر}، مگس {ذباب}، فیل، نمل {مورچه}، عنکبوت، گاو - 4

{بقره}، زنبور عسل {نحل}، ابل {شت} {؟} {؟} {بایبل، هدهد، کلاغ {غراب}، ذئب {؟} {؟} {رگ}

۵- مورچه {نمل}، فیل - 5

GORJI

15-10-2010, 10:19

۶- بهترین خوراکی از این حیوان است؟

۷- بزرگترین حیوان حلال گوشت در قرآن؟

۸- سست ترین حیوانات که نامش در قرآن هست؟

۹- بهترین نوشیدنی از این حیوان است؟

۱۰- نام حیوان حرام گوشت در قرآن را بگوئید؟

۶- زنبور عسل {نحل} - 6

۷- بقره {گاو} - 7

8 - عنكبوت

9 - بقره {گاو}

10 - خنزير {خوك}

GORJI

15-10-2010, 12:34

آرتيست؟-1

آكتور؟ -2

آكوييس؟-3

استوديو؟-4

ايده؟ -5

هنرمند،بازيگرماهرونقش اول - 1

هنرپیشه مرد - 2

هنرپیشه زن - 3

کارگاه و محل تهیه فیلم - 4

القاء فکر بوسیله فیلم - 5

GORJI

15-10-2010, 12:35

پرسوناژ؟ - 6

پلان؟ - 7

پرتیو؟ - 8

پیس؟ - 9

تراژدی؟ - 10

بازیگران تاتریا سینما - 6

صحنه ای از فیلم - 7

نسخه مثبت حلقه فیلم برداری شده - 8

نمایشنامه - 9

صحنه های تاثر آور و حوادث فیلم - 10

15-10-2010, 12:38

۱- نخستین آیه ای که در مورد جنگ و جهاد نازل شد؟

نخستین آیه ای که از سوره براءت نازل شد؟ - 2

نخستین آیه ای که از سوره آل عمران نازل شد؟ - 3

نخستین آیه ای که بعد از ارتحال پیامبر به آن استناد شد؟ - 4

نخستین سوره کاملی که بر پیامبر نازل شد؟ - 5

سوره حج آیه 39 - 1

عمر ابن الخطاب (صحیح مسلم ج 1 ص 575) - 2

سوره آل عمران آیه 138 - 3

سوره زمر آیه 30 - 4

سوره علق(نظر ابن عباس ومجاهد)قول - 5

GORJI

15-10-2010, 12:40

نخستین سوره ای که پیامبر آن را در مکه اعلان نمود؟ -6

نخستین سوره ای که در مدینه نازل شد؟ -7

نخستین کسی که قرآن را جمع آوری کرد؟ -8

نخستین کسی که قرآن را اعراب گذاری ونقطه گذاری کرد؟ -9

نخستین آیه ای که حضرت مهدی تلاوت میفرمایند؟ -10

**

سوره نجم - 6

سوره مطففین - به قولی سوره قدر - سوره بقره - 7

امام علی ع - 8

ابوالاسود دوئلی - قول دیگر یحیی بن یعمر - 9

...بقیه الله خیر لکم - 10

GORJI

15-10-2010, 12:41

نخستین کسی که در (آیات الحکام) کتاب نوشت؟ - 1

نخستین کسی که در (علم قرائت قرآن) کتاب نوشت؟ - 2

نخستین کسی که در (فضائل قرآن) کتاب نوشت؟ - 3

نخستین کسی که در (غرایب قرآن) کتاب نوشت؟ - 4

نخستین کسی که (طیقات مفسران) را نگاشت؟ - 5

محمد ابن صاحب کلبی - 1

ابان ابن تغلب - 2

ابی ابن کعب - 3

ابی ابن کعب - 4

جلال الدین سیوطی - 5

GORJI

15-10-2010, 12:43

نخستین کسی که تفسیری برقرآن کریم نوشت؟ -6

نخستین کشف الایاتی که برای قرآن نوشته شد؟ -7

نخستین کتاب بزرگ طبی درجهان اسلام چیست؟ -8

نخستین کتاب طبی که از مسلمانان به چاپ رسید؟ -9

نخستین مسلمانی که درطب تالیف کرد؟ -10

/*****

ابن عباس -6

آیه الایات فرقانی(قرن نهم هـ-ق) -7

الحاوی زکریای رازی (در20جلد) -8

فردوس الحکمه(زکریای رازی) -9

علی ابن ربن طبری -10

GORJI

15-10-2010, 12:44

نخستین کتاب جامع درپزشکی که به زبان فارسی نگارش یافت؟ -11

نخستین کسی که در(جبرو مقابله) کتاب نوشت؟ -12

نخستین کسی که در(علم کلام) کتاب نوشت ؟ -13

نخستین کسی که در(علم اصول فقه) کتاب نوشت ؟ -14

نخستین کسی که در(علم رجال) کتاب نوشت ؟ -15

هدایت المتعلمین فی الطب (ابوبکر بخاری) -11

ابو عبدالله محمد ابن موسی خوارزمی (قرن سوم هجری) - 12

عیسی ابن روفه تابعه (در امامت) - 13

هشام ابن حکم - 14

عبیدالله ابن ابی رافع - 15

GORJI

15-10-2010, 12:46

نخستین کسی از اهل سنت که (در فقه) کتاب نوشت ؟ - 16

نخستین کسی که در(تصوف) کتاب نوشت ؟ -17

نخستین کسی که در(سیره پیامبر اسلام) کتاب نوشت ؟ -18

نخستین کتاب چاپی فارسی در ایران؟ - 19

نخستین کسی که بدون ذکر شواهد (فرهنگ فارسی) نوشت؟ - 20

**** *

ابو حنیفه - 16

حسن بصری (کتاب رعایت حقوق الله) - 17

محمد ابن اسحاق (شیعه) - 18

کتاب جهادیه (قائم مقام اول 1234هـ-) - 19

قطران (قرن پنجم) - 20

GORJI

15-10-2010, 12:47

نخستین روزنامه فارسی در ایران؟ - 21

نخستین مجله در جهان؟ - 22

نخستین کتابی که اهل سنت در رد عقید وهابیت نوشت؟ - 23

نخستین کتابی که شیعه در رد عقیده وهابیت نوشت؟ -24

نخستین چاپ قرآن در چه سالی بود؟ -25

کاغذ اخبار (میرزا صالح شیرازی) -21

مجله فیلاسوفیکال (چاپ لندن سال 1665 م) -22

الصواعق الالهیه (سلیمان برادر بنیانگذار وهابیت) -23

منهج الرشاد (شیخ جعفر کاشف الغطاء) -24

سال 1105 هـ - ق - در هامبورگ -25

GORJI

15-10-2010, 12:48

نخستین دایره المعارف به ترتیب حروف الفبا در جهان؟ -26

نخستین کتاب چاپی در جهان؟ -27

نخستین قرآنی که در ایران به چاپ رسید؟ -28

نخستین کتاب فارسی که در هندوستان به چاپ رسید؟ -29

نخستین کتابخانه عمومی در جهان؟ -30

دایره المعارف جان هاریس - 26

انجیل (سال 1453 م توسط) - 27

قرآن سال 1311 هـ - ق - (چاپ سنگی در بمبئی به خط محمد علی لاری) - 28

(کلیات سعدی شیرازی در سال 1206 هـ - ق - 29

کتابخانه عمومی در یونان (قرن ششم قبل از میلاد) - 30

GORJI

15-10-2010, 12:50

نخستین کسی که از اهل سنت "مصطلح الحديث" تالیف کرد؟ - 1

نخستین کسی که از اهل تشیع "مصطلح الحديث" تالیف کرد؟ - 2

نخستین کسی که در شهر مقدس قم به نشر احادیث پرداخت؟ - 3

نخستین تدوین کننده "حدیث" در مکتب تشیع؟ - 4

نخستین تدوین کننده "حدیث" در مکتب تسنن؟ - 5

قاضی ابو محمد رامهرمزی (کتاب "المحدث الفاضل") - 1

شهید زین الدین بن علی (معروف به شهید ثانی) - 2

ابراهیم ابن هاشم - 3

امام علی علیه السلام (به خط علی ودیکته پیامبر اسلام) - 4

محمد ابن شهاب زهری (به دستور عمر ابن عبدالعزیز) - 5

GORJI

15-10-2010, 12:51

نخستین کسی که در اذان نماز تصرف کرد؟ - 1

نخستین کسی که سه طلاقه کردن زن با لفظ واحد را جایز دانست؟ - 2

نخستین کسی که متعه حج و متعه نساء را حرام کرد؟ - 3

نخستین کسی که دستورداد نمازهای مستحب ماه رمضان به جماعت برگزار گردد؟ - 4

نخستین کسی که قیاس "تمثیل منطقی" را در مسائل دینی روا داشت؟ - 5

عمر ابن الخطاب (الموطأ مالک ج 1 ص) - 1

عمر ابن الخطاب (صحیح مسلم ج 1 ص 575) - 2

عمر ابن الخطاب (صحیح مسلم ج 1 ص 467) - 3

عمر ابن الخطاب (معروف به نماز تراویح) - 4

شیطان رجیم - 5

GORJI

15-10-2010, 12:52

نخستین فقیهی که براساس قیاس و رای فتوا داد؟ - 6

نخستین کسی که نماز میت را با چهار تکبیر برگزار کرد؟ - 7

نخستین کسی که خطبه های نماز عید قربان و فطر را قبل از نماز خواند؟ - 8

نخستین کسی که خطبه های نماز جمعه را نشسته خواند؟ - 9

نخستین کسی که اذان و اقامه را در نماز عید فطر و قربان بدعت گذاشت؟ - 10

ابو عثمان ربیعہ ابن ابی عبدالرحمان - 6

عمر ابن الخطاب (تاریخ الخلفای سیوطی ص 137) - 7

مروان حکم (قول دیگر عثمان، تاریخ الخلفاء ص 165) - 8

معاویہ ابن ابی سفیان (تاریخ الخلفاء ص 200) - 9

بشر ابن مروان - 10

GORJI

15-10-2010, 12:55

نخستین کسی که انگشتر را در دست چپ رسم کرد؟ - 11

نخستین کسی که دشنام به علی را بدعت گذاشت؟ - 12

نخستین کسی که در سفر نماز را تمام خواند؟ - 13

نخستین کسی که قائل به جبر شد؟ - 14

نخستین کسی که از نوشتن احادیث پیامبر اکرم جلوگیری کرد؟ - 15

معاویہ ابن ابی سفیان (الغدیر ج 10 ص 310) - 11

معاویہ ابن ابی سفیان - 12

معاویہ ابن ابی سفیان - 13

معاویہ ابن ابی سفیان - 14

عمر ابن خطاب - 15

GORJI

15-10-2010, 12:58

نخستین کسی که در حیات پیامبر اسلام ادعای نبوت کرد؟ - 1

نخستین "وادی عشق" بر اساس منطق الطیر عطار نیشابوری؟ - 2

نخستین مقام عرفانی در سلوک بر اساس "اللمع" سراج طوسی؟ - 3

نخستین کسی که صریحا "از" فناء فی الله وبقاء فی الله "سخن گفت؟ - 4

نخستین کسی که در عرفان به رمز سخن گفت؟ - 5

اسود عنسی (قول دیگر مسیلمه کذاب) - 1

طلب - 2

توبه - 3

بایزید بسطامی - 4

ذوالنون مصری - 5

GORJI

15-10-2010, 12:59

نخستین کسی که صوفی نام گرفت؟ - 6

نخستین کسی که "حافظ شیرازی" را لسان الغیب نامید؟ - 7

نخستین اجتماع خوارج در کجا بود؟ - 8

نخستین کسی که به "اصالت وجود و اصالت ماهیت" قائل شد؟ - 9

نخستین خلیفه ای که به مذهب شافعی گرائید؟ - 10

ابوهاشم کوفی (نفحات الانس - 6

عبدالرحمان جامی (قرن نهم هـ - ق) - 7

منطقه حروراء - 8

شیخ احمد احسائی (.... شیخیه) - 9

متوکل عباسی - 10

GORJI

15-10-2010, 13:00

نخستین کسی که نهج البلاغه را شرح کرد؟ - 1

نخستین خطبه ای که حضرت علی پس از بیعت مردم بیان کرد؟ - 2

نخستین ترجمه فارسی نهج البلاغه چیست؟ - 3

نخستین نامه حضرت علی به معاویه بعد از قتل عثمان کدام است؟ - 4

نخستین خطبه علی در کوفه کدام است؟ - 5

سید فضل الله راوندی - 1

خطبه 16 (ذمتی بما اقول رهینه) - 2

ترجمه الهی اردبیلی (قرن دهم هجری) - 3

نامه ششم نهج البلاغه - 4

خطبه 22 نهج البلاغه (الحمد لله الذی.... اسئل منازل الشهداء) - 5

GORJI

15-10-2010, 13:02

نخستین خطبه علی بعد از زمامداری در مدینه؟ - 6

نخستین گردآورنده خطبه های علی کیست؟ - 7

نخستین مستدرک نهج البلاغه چه نام دارد؟ - 8

نخستین معجم الفاظ نهج البلاغه چه نام دارد؟ - 9

نخستین کسی که تدریس چهار مذهب را در یک مدرسه ترتیب داد؟ - 10

خطبه 87 نهج البلاغه (اما بعد لایر عین مرع) - 6

شهیدزید ابن وهب (کتاب الذریعه ج 7 ص 192) - 7

التذیل - 8

الکاشف (دکتر سید جواد مصطفوی با 20000 هزار کلمه) - 9

صالح نجم الدین ایوب (قرن هفتم هـ - ق) - 10

GORJI

08-11-2010, 10:21

کدام یک از قاریان مصری به (گیتار آسمانها) ملقب گردیده بود؟ - 1

بنیانگذار سبک جدید و رایج تلاوت قرآن کریم کیست؟ - 2

کدام فرزند استاد عبد الباسط به عنوان جانشین او در امر تلاوت مطرح شده است؟ -3

کدام قاری مصری به (شهید القراء) ملقب گردیده بود؟ -4

نوار تلاوت سوره مبارکه هود کدام قاری از مفاخر موزه بریتانیا به حساب می آید؟ -5

1- استاد محمدرفعت

2- استاد محمدرفعت

3- استاد طارق عبدالباسط

4- استاد محمد صدیق منشاوی

5- استاد محمدرفعت

GORJI

08-11-2010, 10:22

کدام قاری به قاری (حنجره طلائی) معروف شده بود؟ -6

کدام قاری بزرگ مشهور و پیش کسوت قرآن کریم است که دایی استاد عبدالبا سط است؟ - 7

شاعر معروف قرن هشتم که لقب (ملک القراء) دارد کیست؟ - 8

اولین قاری مصری که برای تلاوت به خارج از مصر اعزام شد؟ - 9

ابو علی سینا در چند سالگی موفق به حفظ قرآن مجید شد؟ - 10

**** *

استاد عبدالبا سط - 6

ستاد ابوالعینین شعیشع - 7

لسان الغیب حافظ شیرازی - 8

استاد محمود خلیل الحصری - 9

در 10 سالگی - 10

GORJI

08-11-2010, 10:25

نخستین فیزیکدان مسلمانی که جایزه نوبل رادیافت کرد؟ - 1

نخستین فیزیکدان ایرانی که مرد علمی سال 1990 میلادی اعلام شد؟ - 2

نخستین نویسنده عرب که در ادبیات جایزه نوبل دریافت کرد؟ - 3

نخستین جایزه نوبل در فیزیک؟ - 4

نخستین جایزه نوبل در پزشکی؟ - 5

علی ابن یقطين (بدستور امام موسی کاظم علیه السلام) - 1

ابوسلمه همدانی (نخستین وزیر بنی عباس) - 2

حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام - 3

خالد بن برمک - 4

ابویوسف قاضی - 5

08-11-2010, 10:27

نخستین جایزه نوبل در ادبیات؟ - 6

نخستین جایزه نوبل در شیمی؟ - 7

نخستین کسی که به کتاب "امام علی علیه السلام" جرداق مسیحی جایزه داد؟ - 8

نخستین سالی که کتاب داستان راستان "(نوشته شهید مطهری) کتاب سال شناخته شد - 9

نخستین مترجم نهج البلاغه که به دریافت جایزه سال دست یافت؟ - 10

سلیمان بن ربیعہ باہلی - 6

مغیرہ ابن شعبہ - 7

مغیرہ ابن شعبہ - 8

سعد ابن مالک - 9

حجاج ابن خزیمه - 10

GORJI

08-11-2010, 10:30

از اینجا تا به شوشتر همه ش خونِ کبوتر

گل سرخ

از دور دیدم ماه را از دل کشیدم آه را
آن ترک تیر انداز را برهم زده شیراز را

کبریت

اطلس سبز و سرخ پوشیده، در میان دو کاسه چوبین، نو عروسی به ناز خوابیده

پسته

اولم آخر پلنگ است که زیبا وقتِ جنگ است دومم آخر شیر است
که بر جنگل امیر است سومم میان ببر است چو توفان و چو ابر است آخرم آخر گربه است ولی مایه
خنده است

با بچه ها همبازیم چه نازیم، چه نازیم مَشَشَنگم و قشَنگم که خیلی شوخ و شنگم

گربه

اولم اول پیاز است دومم اول ساز است چهارم آخر هسته توی صندوقچه بسته
اولم اول زمستان، آخرم آخر باغ دومم رفته زمستان، آمده میان باغ

زاغ

GORJI

08-11-2010, 10:34

صندوق چوبی، پر از روغن کوهی

گردو

با فتم و با فتم، پشت کو انداختم

گیس

یوز پلنگ بی دُم، نه جو خورده نه گندم، گشت زند بیابان، نفع دهد به مردم

زنبور عسل

!این سر کوه، آرّه آرّه آن سر کوه، آرّه آرّه میان کوه، گوشت بره

دندانها و زبان

آن کدام شب تاریک است که در میان روز دیده میشود؟

سیاهی چشم

GORJI

08-11-2010, 10:37

آن چیست که تا آسمان نگرید، اشکش روان نمی شود؟

باران

آن چیست که نه دست دارد و نه پا، در همه جای زمین است و نمی رود به هیچ جا؟

خاک

آن چیست که نه دست دارد، نه پا، نه استخوان دارد، نه گوشت، ولی همیشه راه میرود و هیچ وقت هم خسته نمی شود؟

آب جوی و رود

آن چیست که خودش آب، دشمنش آب؟

یخ

آن کدام دوبرادرند که در زیر یک کوه زندگی میکنند، و هیچ وقت خانه یکدیگر را نمی بینند؟

چشمها

GORJI

08-11-2010, 10:38

منظور از عبارت شوخی وار «اوری بادی خربا بوزه ایتینگ گُنه پا لَرزِشَم سی تینگ گُنه» چیست؟_1

!جزایر «لانگرهانس» در کجا هستن؟!_2

من یک سکه کوچک را در چاهی عمیق می اندازم، آنگاه در عرض یک دقیقه می روم در می _3
آورم، چطور چنین چیزی ممکن است؟

زنی را در خیابان دیدم که پسر بچه ای را به دنبال داشت. از او پرسیدم: این پسر با توجه نسبتی _4
دارد؟ گفت: «او پسرِ پسرِم است، برادر شوهرم»، چطور چنین چیزی ممکن است؟

چراغ راهنمایی و رانندگی که روبروی خیابان است قرمز است، افسر راهنمایی هم در آنجا _5
ایستاده است، با اینحال راننده ای از چراغ قرمز می گذرد و کسی مزاحم او نمی شود. چطور چنین
چیزی ممکن است؟

.....
.....

:پاسخ چیستان ها.

می دانیم «اوری بادی» به زبان انگلیسی بمعنی «هرکس»، «ایتینگ» بع معنی «خوردن» و «سیتینگ»: 1
به معنی «نشستن» است. پس با این ترتیب، عبارت فوق مرادف ضرب المثل معروف فارسی «هر که
خربزه بخورد باید پای لرزش بنشیند» می باشد

در لوزالمعدة آدمی: 2

من که ادعا نکردم می روم سگه را از چاه درمی آورم بلکه گفتم: در عرض یک دقیقه می روم: 3
«در» می آورم. بنابراین مراد از «در» اینجا در اتاق یا راهرو و امثال آنست

تنها در صورتی ممکن است که دو دوست، هر یک با مادر شوهر مرده یا مطلقه دیگری ازدواج: 4
کنند و هریک از آن مادران پسری بدنیا آورند. این پسر برای زن دیگر، حکم پسرِ پسر و برادرِ شوهر
را دارد.

آن راننده پیاده بوده است، بنابراین افسر راهنمایی کاری باو ندارد: 5

LIDA

30-11-2010, 20:12

قدیم ترین انجیل مسیحیان؟ -

قدیم ترین کتاب دینی جهان؟ - 2

قدیم ترین کتاب درباره مذاهب وادیان به زبان فارسی؟ - 3

قدیم ترین کتاب در چشم پزشکی از مسلمانان؟ - 4

قدیم ترین مذاهب از مذاهب چهارگانه اهل سنت؟ - 5

**** **

انجيل مرقس (انجيل "برنابا" قبل از انجيلهای چهارگانه است) - 1

کتاب "ريگ ودا" (کتاب هندوها) - 2

بيان الاديان ابوالمعالي علوي - 3

العشر مقالات في العين (جُنين بن اسحق عبادي) - 4

مذهب حنفي - 5

LIDA

30-11-2010, 20:13

قديم ترين کتا بخانه جهان اسلام؟ - 6

قديم ترين رصد خانه جهان؟ - 7

قديم ترين گنبد مسجد درايران؟ - 8

قديم ترين نسخه خطي نهج البلاغه؟ - 9

قدیم ترین سنگ مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه السلام که اکنون موجود است؟ -10

بیت الحکمه (بغداد) - 6

جامسونگدی (کیونگجوی کره جنوبی) - 7

گنبد مسجد جامع قم (قرن سوم هجری) - 8

سال 421 (کتابخانه شخصی آیت الله حسن زاده آملی) - 9

مربوط به سال 516 قمری می باشد - 10

LIDA

30-11-2010, 20:15

قدیم ترین نسخه خطی کتابخانه واتیکان؟ - 11

قدیم ترین نسخه انجیل کتابخانه واتیکان؟ - 12

قدیم ترین تمدن ها؟ - 13

قدیم ترین دانشگاه در اروپا؟ -14

قدیم ترین دانشگاه در جهان اسلام؟ -15

*

کتابی که دو قرن قبل از میلاد بوده - 11

مربوط به قرن پنجم میلادی - 12

تمدن مصر و بابل - 13

دانشگاه سالرنوژ - 14

دانشگاه الازهر مصر (توسط شیعیان فاطمی ساخته شد) - 15

LIDA

30-11-2010, 20:17

قدیم ترین نسخه صحیفه سجادیه؟ -16

قدیم ترین ترجمه کهن فارسی از قرآن؟ -17

قدیم ترین سرودهایی که در ایران شناخته شده؟ -18

قدیم ترین بنای اسلامی موجود در ایران؟ -19

قدیم ترین کتابی که در ایران بعد از اسلام مصور شده؟ -20

نسخه سال 416 قمری - 16

تفسیر ابوالفتوح رازی - 17

دفتر کاآهای اشو "زرتشت" - 18

تاریخانه دامغان (سال 143هـ- ق) - 19

کلیله و دمنه - 20

LIDA

30-11-2010, 20:18

قدیم ترین کتابی که از "تهران" یاد کرده است؟ -21

قدیم ترین نمونه فرش جهان در کدام کشور کشف شده است؟ -22

قدیم ترین فرش شناخته شده ایرانی متعلق به چه دوره ای است؟ -23

فارسنامه ابن بلخی - 21

روسیه - 22

هخامنشی - 23

GORJI

01-12-2010, 14:14

عجایب خلقتی دیدم که شش پا و دو سر دارد - 1
عجایب تر از آن، دیدم که دمبی در کمر دارد

دارم سؤال، خواجه بفرما جواب چیست؟ - در یک گلاب پاش دو رنگ گلاب چیست - 2
• سرمای زمهریر که یخ بست او نبست - آتش بدو رسیدن و بستن جواب چیست

بار اول که زاد بی جان بود - بار دوم که زاد جان آورد - 3

آن چیست که بر سینه ی خصم اش گذراست؟ - کهربا پیکر و آدم دم و فولاد سَراست؟ - 4

اگر برداری تو از دنباله کوه یک حرف - گذاری بر سردنباله رود همان حرف - 5
کنی یک بار دیگر کار تکرار - از آن حرف شد برون نامی پر آثار
بسازی مرغکی خوش رنگ و زیبا - خبر آر و خبر بر، خوب و رعنا

ترازو - 1

تخم مرغ - 2

تخم مرغ - 3

تبرزین - 4

هْدُهد - 5

GORJI

01-12-2010, 14:14

آن چیست که ارغوان قبایی دارد - 1

بیرون و درون شهر جایی دارد

گرد است و مدور است و تاجش بر سر

همچون دم موش تیره پایی دارد

آن چیست کز او حسن بُت افزون گردد - 2

اندر کفِ مهوشان موزون گردد

سبز است تنش تا نرسد آب بدو

چون آب بدو رسد همه خون گردد

آن تیر صفت که شد دهان آماجش - 3

از طورِ کلیم راز جو معراجش

هر چند به خردی و ضعیفی مَثَل است

حکام دهند از بُنِ دندان باجش

آن چیست که بی پا و سر و دست روان است - 4

و آن چیست که اندر شکمش خلق نهان است؟

آن چیست که یک لحظه بگردد همه عالم؟

و آن چیست که سر تا به قدم جمله زبان است؟

چیست آن طرفه خرگه بی در - اندر آن خیمه، خیمه های دگر - 5

گاه باشد به سان نقره سفید - گاه باشد چو یاقُتِ (یاقوت) احمر

گاه بینی زمردین علفی - از گریبان او برآرد سر

مفلسان را مناسب سفره - منعمان را رفیق را سفر

این لغز را هر آن که بگشاید - قطره یی آب آیدش به نظر

چغندر - 1

حنا - 2

خلال دندان - 3

آب است که بی پا و سرو دست روان است.....خاک است که اندر شکمش خلق نهان - 4
است باد است که یک لحظه بگردد همه عالم.....ناراست که سر تا به قدم جمله زبان است

پیاز - 5

GORJI

01-12-2010, 14:41

چیزی نمانده در ره دین شیخ ساده را - جز دامن ردا که کند صاف باده را - 1

مرغی که به کوه جای گیرد یا دشت - نامش به حساب جمله آمد ده و هشت - 2
هر چار حروف نامش ار قلب کنی - هر چند که هژده است خالی ده گشت

شاعری به نام سیفی نیشابوری، تمام حروف الفبا را در یک بیت آورده و فقط لام را تکرار - 3
کرده است. آیا آن بیت را می دانید؟

خاقانی که در ستایش حضرت رسول شعر زیر را گفته است، چه مقصودی دارد؟ - 4
آن ب و ت شکن که به تعریف او گرفت - هم قاف و لام رونق و هم کاف و نون بها

به یک قیام و چهار اصل و چهل صباح که هست - از این سه معنی الف د، میم بی اعراب - 5

چون شیخ بی چیز شود «خا» می ماند، چه چیز، شیئی است و دامن ردا «الف» است و از باده - 1
«می» مراد است و هرگاه می را از دامن صاف کنند، صاف می که «میم» است به زیر «الف» خواهد
بود و دُرد می که «با» است بر بالای الف می رود که حاصل آن «خیام» می شود

هُدُودُ به حساب ابجد یا جمل هیجده می شود، زیرا ه مساوی 6 و د مساوی 3 است و «هد» - 2
مساوی 9 و ه دهد برابر هیجده است. اما مقلوب حروف آن ده ده می شود. این است که می نویسد،
حروف را اگر قلب کنی، هر چند که هژده است، (به حساب جمل) خالی ده گردد

اثر وصف غم عشق خطت.....ندهد خط کسی جز بضلال - 3

ب و ت مقصود «بت» و قاف و لام یعنی «قُل» و اشاره به «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و کاف و نون یعنی - 4
«كُنْ» که اشاره به «كُنْ فَيَكُونُ» است و با توجه به آیه قرآن، «جهان» مراد است

منظورش «آدم» است که از چهار اصل در چهل صبح گلشن سرشته شد و با یک قیام از جای - 5
برخاست

:واژگان این بیت پیوسته «موصّل» را جدا کنید - 1

سستپشتبتنیست - بتبشپشتتتستشکست

این بیت «امیر معزّی» را چگونه باید خواند؟ - 2

آفرین کن شاه و صاحب را که نام هر دو هست - سنجر و محمد

چیست آن درج زمرّد رنگ ناپیدا دهان - چون صدف یکتا دُری ناسُفته دارد در میان - 3
حیرتی دارم که چون آن درج بشکافد کسی - افکند آن گوهر ناسفته از کف رایگان

چه پیکرست ز تیر سپهر یافته تیر - بشکل تیر و بد و ملک راست گشته چو تیر - 4
کجا بگرید، در کالبد بخندد جان - کجا بنالد، در آسمان بتازد تیر
ز نادرات جواهر نشان دهد به سرشک - ز مشکلات ضمائر خبر دهد بصریر

سر پروانه را از تن جدا کن - به پای سروزن سر رارها کن - 5
پس آنگه حاصل مقصود ما را - به پای گل بزن شکر خدا کن

=====

سُست پیشِ تب تن پست.....به تبش، پشتِ تنِ سُست شکست - 1

آفرین کن شاه و صاحب را که نام هر دو هست.....سین و نون و جیم و را و میم و ح و - 2
میم و دال

غنچه گل درون کاسبرگ سبزرنگ - 3

قلم - 4

سر پروانه «پ» است که اگر آنرا به پای سرو که «واو» است بزیم «پو» می شود و اگر آنرا به - 5
پای گل که «ل» است بیفزاییم، تبدیل به «پول» خواهد شد

GORJI

02-12-2010, 23:49

گل ای مهوش کرم قبل دامن زلفنگ بوقارو چک - کر پشتک خالترینده، گاهی جفت و - 1
گاهی تک

آن غم که شدم از غم رویش آگاه - وز شکوه من نداشت یک ذره شکوه - 2
درمانده شدم زغم بگفتم نامش - دندان من و قدم و دامن کوه

آن حقّه که در ندارد و باشد پر - گویم به کنایتی که درماند حر - 3
خوبان چو بلورشان شود عنابی - ساینده به لعل و آزماینده به در

در ولایات علی شمس و قمر یعنی که چه - در میان پیرهن، یک تن دو سر یعنی که چه - 4
ای منافق، قدرت حق را ببین و دم مزن - دختر بی شوهر بکر و پسر یعنی که چه

یک جفت کبوترند ابلق - جفتند ولی زهم جدایند - 5
پرواز کنند گردِ عالم - از کالبدشان برون نیایند

=====

معنی فارسی آن این است: بیا ای مهوش کرم کن و دامن زلفهایت بالا کش؛ که خالهای 1
صورتت گهی جفت و گهی طاق است. منظور از مهوش «زا» است و از زلف «جیم» و از جیم، رقم
آن به حروف ابجد است که (3) می باشد. هر گاه دامن این رقم بالا کشیده شود «مس» حاصل می
گردد و خالها که منظور از آن «نقطه» می باشد، در زیر گاه جفت و گاه طاق میشود که وقتی در زیر
«س» دو نقطه جفت و یک نقطه طاق گذاشته شود «بیا» می شود که با «زا» تبدیل به «زیبا» می گردد

پاسخ درست «سنجر» است؛ زیرا، دندان من «س» و قد من «ن» و دامن کوه «جر» است که - 2
رویهم «سنجر» می شود

تخم مرغ - 3

امام حسن (شمس)، امام حسین (قمر)، ذوالفقار علی (یک تن و دو سر)، مریم عذرا (دختر بی - 4
شوهر بکر صاحب پسر)

زمین و ماه - 5

GORJI

02-12-2010, 23:49

اژدری دیدم که او را چار شاخ اندر سر است - بر سر هر شاخ او سه دختر افسونگر است - 1
بر سر هر درختی، بنشسته باشد سی پسر - هر پسر را بیس و چار فرزند دیگر در خور است

این چه چیز است، لعبتی آبی - در بر او قباى عنابی - 2
تنِ او همچو ساعد سعد است - پایِ او همچو پای مرغابی

این چیست که تاج نقره بر سر دارد - وز آتش سرخ تاج و افسر دارد - 3
ناکرده گناه روی او چون قیر است - بر گردنش از هر طرفی زنجیر است

حقّه ئی دیده ایم در بسته - اهل حقّه، تمام سر بسته - 4
همه یاقوت رنگ و لعل صفت - صاف و رنگین به یکدگر بسته

عجایب صنعت نادیده دیدم - پریرویان به بستان تازه دیدم - 5

چو دَس بردم گل از باغش بچینم - به یک مَحْمِل دو صد دُرْدانه دیدم

=====

=====

سال، فصول چهارگانه، شبانه روز (24 ساعت) - 1

ریواس - 2

سرقلیان - 3

انار - 4

انار - 5

GORJI

02-12-2010, 23:59

چیست گردنده ئی که دم نزنند - روز و شب گردد و قدم نزنند - 1

نعره او به سان شیر بُود - برف بارد و لیک دم نزنند

صنعتی دیده ام که فن دارد - ماده بر روی نر وطن دارد - 2

قوتِ او قوتِ آدمیزاد بوده است - در میان شکم دهن دارد

عجایب صنعتی دیدم دراین دشت - که نر خوابیده بود و ماده می گشت - 3

آن چه باشد که پشت خَم دارد - وز خَمی هر دو سر به هم دارد - 4
وزن او نیست خود به صد مثقال - صد منی را به پشت بر دارد

آن چه باشد که سر بر افلاک است - پای او غرق در دل خاک است - 5
رنگ او سرخ و زرد و گاه سیاه - گوشت شیرین و استخوان چاک است

=====

=====

آسیاب - 1

آسیاب - 2

آسیاب - 3

نعل - 4

خرما، نخل - 5

GORJI

06-12-2010, 19:13

چیست آن تن که سر بر افلاک است - پای او غرق در دلِ خاک است - 1
یک تن و سی هزار فرزندان - گوشت شیرین و استخوان چاک است
نیمی از مار و نیمی از خرگوش - نامش از این دو جنس ناپاک است

آن چیست که جا به کوه و صحرا دارد - اندر صفِ مردان خدا جا دارد - 2
از هیبت او جمله بلرزد عالم - سیصد سرو ده شکم دو صد پا دارد

آن چیست که رنگ گل زرین دارد - رنگ رخ عاشقان مسکین دارد - 3
دسمالِ سرش بادِ هوا می گیرد - بوی خوشِ او محلّه ها می گیرد
آبش میدن، طبق طبق مرواری - نونش میدن به کوزه مثقالی

آن چیست که روزمی نماید شبگون - صد پاره تنش بود به یک پای نگون چون - 4
ناز کنی تنش زاندازه فزون - همچون عاشق ز چشم او ریزد خون

آن چیست که روزها نماید شبگون - صد پاره تنش، ولی به یک پایه نگون - 5
چون دست بر او نهی زاندازه فزون - همچون دل عاشقان فرو ریزد خون

=====

شیر به حروف ابجد - 2

چلو - 3

شاتوت - 4

شاتوت - 5

GORJI

06-12-2010, 19:17

آن چه باشد که زرد مثل زر است - به شباهت نظیر یکدگر است - 1
قیمت آن بسی گردان بُوَد - معدنش در میان دشت و در است

آن چیست که پیک عاشقان است - مشاطه زلفِ دلبران است - 2
خندیدن گل زبوسه اوست - رقصِ چمن از نوای آن است

در باغ شدم به چیدن نرگس تر - دیدم صنمی نشسته در پیش پدر - 3
گفتم: صنما، بوسه بده صدقه سر - گفت: امروزه، فردانه، چو شد روز دگر
هم بوسه و هم لیسه و هم چیز دگر

فکن از مطلع سبع المثانی حرف ثانی را - پس آنگه رو تماشا کن جمال یارجانی را - 4

محبوبه من که مَه ز رویش خجل است - دو حرف ز نظم حافظ مرتجل است - 5
اول و ششم هجا و قلبش روشن - وین طرفه که قلب آخرش خون دل است

=====

هویج، زردک - 1

نسیم، باد - 2

باقلا - 3

احمد - 4

احمد - 5

Arman™

10-12-2010, 10:54

اگه قرار باشه واسه یکی هدیه کفش بخری اون شخص کیه

جواب: کسی که تو دنیا بیشتر از همه بهش اهمیت میدی

* * * * *

اگه يه تيکه ابر بهت بدن چيکارش ميکنی؟

جواب

حالا جای ابر همسر رو بذار

* * * * *

مهم ترين خصوصياتي رو که در کلمات زير مي بيني توصيف کن

سگ ۲- گربه 3- موش 4- افيانوس 5- قهوه- 1

:جواب

1. شخصيت خود شما .

2. شريك زندگي .

3. دشمنان شما .

4. به زندگي خود شما .

5. تعبيرت از رابطه جنس .

* * * * *

به هر کدوم از رنگهای زیر، یک نفر که می شناسی و برات مهمه رو نسبت بده

زرد ۲- پرتقالی ۳- قرمز ۴- سفید ۵- سبز ۱-

جواب

۱- کسی فراموشش نمی کنی

یه دوست خوب ۲-

واقعاً دوستش داری ۳-

یک روح در دو بدن ۴-

همیشه یادش هستی ۵-

* * * * *

حیوونای زیر رو به ترتیبی که برات اولویت دارن نام ببر

گاو ۲- ببر ۳- گوسفند ۴- اسب ۵- خوک ۱-

:جواب

1. حرفه و شغل

2. غرور

3. عشق

4. خانواده

5. پول

Arman™

10-12-2010, 10:57

اگه تو خیالت در حال قدم زدن تو جنگل باشی

چه وقتی رو تصور میکنی

صبح زود 2 - عصر ۳ - شب 1-

:جواب

تو زندگیت هدف داری و برای رسیدن بهش تلاش میکنی: 1

هدف داری اما تنبلی: 2

هدف خاصی تو زندگیت نداری: 3

* * * * *

تا حیوون که خیلی دوست دارید روبه تریب نام ببر و برای هر کدوم 3 صفت بگو 3

:جواب

نظر مردم در موردت 1

نظر خودت در مورد خودت 2:

خصوصیات واقعیت 3:

* * * * *

اگر با این ۴ تا حیوون تو کشتی باشی طوفان بیاد و مجبور بشی یکشون رو بندازی تو دریا

کدوم رو میندازی؟

گاو ۲- گوسفند ۳- پلنگ ۴- اسب ۱-

:جواب

۱. مال و درایی

۲. خانوادهت

۳. غرورت

۴. عشقت

* * * * *

از بین این چهار گزینه کدام رو بیشتر دوست داری

خورشید ۲- جنگل ۳- دریا ۴- آسمون ۱-

:جواب

مادر ۱-

غرور ۲-

عشق ۲-

خانوادت ۴-

™Arman

03-01-2011, 12:49

:در یک جنگ 100 سرباز شرکت کردند و جراحاتی برداشتند. آمار جراحات به شرح زیر است

نفر دست راستشان را از دست دادند 70

نفر دست چپشان را از دست دادند 75

نفر پای راست 80

.نفر پای چپ از دست دادند 85

حد اقل تعداد افرادی که هر 4 عضویشان را از دست دادن چندتاست؟

جواب در ادامه مطلب

:جواب

نفر 10

مجموع عضو های از بین رفته 310 عضو که در بهترین حالت 90 نفر سه عضوی و 10 نفر 4 عضوی می شود

تعداد 3 عضوی y تعداد 4 عضوی و x اگر

$$4x + 3y = 310$$

$$x + y = 100$$

:در نتیجه

$$y = 90$$

$$x = 10$$

LIDA

21-01-2011, 20:40

بعضی از ماهها 30 روز دارند بعضی 31 روز 1.

چند ماه 29 روز دارد؟

اگر دکتر به شما 3 قرص بدهد و بگوید هر 2. نیم ساعت 1 قرص بخور چقدر طول میکشد تا تمام قرصها خورده شود؟

من ساعت 8 شب به رختخواب رفتم و ساعت 3. را کوک کردم که 9 صبح زنگ بزند وقتی با صدای زنگ ساعت از خواب بیدار شدم چند ساعت خوابیده بودم؟

عدد 30 را به نیم تقسیم کنید و عدد 10 را به حاصل 4. آن اضافه کنید چه عددی به دست می آید؟

مزرعه داری 17 گوسفند زنده داشت تمام 5. گوسفند هایش به جز 9 تا مردند چند گوسفند زنده برایش باقی مانده است؟

1. تمام ماهها حداقل 29 روز را دارند.

یک ساعت (شما یک قرص را در ساعت 1 و دیگری 2. (را در ساعت 5/1 و بعدی را در ساعت 2 می خورید

3. ساعت کوکی نمیتواند شب و روز را تشخیص دهد .
پس به اولین ساعت 9 که برسد زنگ میزند که
ساعت 9 شب است

4 . 70 (تقسیم بر نیم معادل ضرب در 2 است)

5 . 9 . گوسفند

LIDA

21-01-2011, 20:40

6. اگر تنها یک کبریت داشته باشید و وارد یک اتاق.
سرد و تاریک شوید که در آن یک بخاری نفتی یک چراغ
نفتی و یک شمع باشد اول کدامیک را روشن میکنید؟

7. فردی خانه ای ساخته که هر چهار دیوار آن به سمت
جنوب پنجره دارد خرسی بزرگ به این خانه نزدیک
میشود این خرس چه رنگی است؟

8. اگر 2 سیب از 3 سیب بردارین چند سیب دارید؟

9. حضرت موسی از هر حیوان چند تا با خود به کشتی برد؟

اگر اتوبوسی را با 43 مسافر از مشهد به سمت 10. تهران برانید و در نیشابور 5 مسافر را پیاده کنید و 7 مسافر جدید را سوار کنید و در دامغان 8 مسافر پیاده و 4 نفر را سوار کنید و سرانجام بعد از 14 ساعت به تهران برسید حالا نام راننده اتوبوس چیست؟

6. کبریت.

سفید چون خانه ای که هر چهار دیوارش رو به سمت 7. جنوب پنجره داشته باشد باید در نوک قطب جنوب باشد.

8. سیب 2.

هیچ (حضرت نوح بود نه حضرت موسی) . 9

خوب خودتونید دیگه (نام خودتان) . 10

LIDA

21-01-2011, 20:42

مسئله 1 - فرض کنید راننده یک اتوبوس برقی هستید. در ایستگاه اول 6 نفر وارد اتوبوس می شوند ، در ایستگاه دوم 3 نفر بیرون می روند و پنج نفر وارد می شوند . راننده چند سال دارد ؟

مسئله 2 - پنج کلاغ روی درختی نشسته اند ، 3 تا از آنها در شرف پرواز هستند . حال چه تعداد کلاغ روی درخت باقی می ماند؟

مسئله 3 - چه تعداد از هر نوع حیوان به داخل کشتی موسی برده شد ؟

مسئله 4 - شیب یک طرف پشت بام شیروانی شکلی ، شصت درجه است و طرف دیگر 30 درجه است . خروسی روی این پشت بام تخم گذاشته است . تخم به کدام سمت پرت می شود ؟

مسئله 5 - این سوال حقوقی است . هواپیمایی از ایران به سمت ترکیه در حرکت است و در مرز این دو سقوط می کند ، بازمانده ها را کجا دفن می کنند ؟

مسئله 6 - من دو سکه به شما می دهم که مجموعش 30 تومان می شود. اما یکی از آنها نباید 25 تومانی باشد . چطور ؟

مسئله 1 - راننده اتوبوس هم سن شما باید باشد . چون جمله اول سوال می گوید " تصور کنید که " . راننده اتوبوس هستید

مسئله 2 - همه کلاغ ها ، چون آنها فقط " در شرف پرواز " هستند و هنوز از روی درخت بلند نشده اند.. (اگر جواب شما $5-3=2$ بوده بدانید دوباره محاسبات جلوی تفکر تان را گرفته است.)

مسئله 3 - هیچ . آن نوح بود که حیوانات را به کشتی برد و نه موسی ("چه تعداد " جلوی فکر کردن شما را گرفته است.)

مسئله 4 - هیچ کدام . خروس ها که تخم نمی گذارند. اگر شما سعی کردید جواب توسط محاسبات . و مقایسه اعداد بدست آورید ، شما دوباره به وسیله اعداد منحرف شدید

مسئله 5 - بازمانده ها را دفن نمی کنند . آنها جان سالم بدر برده اند . شما به وسیله کلمات حقوقی و . دفن کردن منحرف شده اید

مسئله 6 - یک 25 تومانی و یک 5 تومانی . به یاد بیاورید (فقط یکی از آنها) نباید 25 تومانی باشد و همین طور هم هست . یک سکه 5 تومانی داریم. شما با عبارت " یکی از آنها نباید ... " فریب خوردید

LIDA

26-01-2011, 20:13

آن چه عددی است که اگر وارونه اش کنیم بیشتر می شود؟ (1)

آن چیست که روز را روشن می کند و کار را تمام؟ (2)

نام جانوری است که اگر حرف اول آن را برداریم ، در بدن انسان فراوان است؟ (3)

کدام کلیدی هست که به هیچ دری نمی خورد؟ (4)

نام کدام جزیره است که وارونه اش را بچه ها می نویسند؟ (5)

آن چیست که آسمانش سبز است و شهرش قرمز و مردمانش سیاه؟ (6)

واحد اندازه گیری است که برعکسش جانوری است خطرناک؟ (7)

: پاسخ چیستان ها

7) 1)

»حرف «ر (2)

گرگ (3)

کلید برق (4)

قشم (5)

هندوانه (6)

لیتر (7)

Arman™

02-02-2011, 19:30

مردی با زنی در خیابان راه میرفتند

یکی سوال کرد که چه نسبتی با هم دارید ؟

مرد گفت : مادر شوهر این زن ، با مادر زن من ، دختر و مادر هستند

نسبت این مرد و زن چیست!؟

(جواب : مرد با عروس خود راه میرفته)

منتها شما جواب رو برای دوستتون نفرستید

! بذارید توی خماری بمونه

* * * * *

می دونی شباهت قهوه با تو چیه؟؟؟

.رقیقه مثل قلبت، خوش رنگ مثل چشمت، تلخ مثل دوریت

* * * * *

!می دونی فرق تو با بنزین چیه؟بنزین چند ماهه که عزیز شده ولی تو یه عمره واسم عزیزی

* * * * *

اگر میتونستی از هرکسی یه صفت برای خودت برداری

از من چی برمیداشتی!؟

واسه همه بفرست جواب های جالبی میگیری

! ولی اول جواب من رو بده

* * * * *

اگر خود کار بهت بدن که اندازه یه جمله جوهر داشته باشه
چی باهاش مینوشتی ؟

™Arman

02-02-2011, 19:31

اگر توی یک کشتی باشی و ۵ تا حیوون داشته باشی
گاو ، گوسفند ، پلنگ ، اسب ، جوجه
طوفان میشه مجبوری ۴ تاشون رو بندازی تو دریا ، کدوم رو نگه میداری ؟
پلنگ = غرورت
گوسفند = خانوادت
گاو = مال و درایی
جوجه = بچه ات
اسب = عشقت

* * * * *

اگر یک روزی قرار باشه که دیگه منو نبینی
آخرین حرفی که بهم میزنی چیه ؟
فقط یک جمله باشه

* * * * *

اگر بتونی از صفات یا عادت بد من چیزی رو حذف کنی

چی رو انتخاب میکردی؟!

(! بدون رو دروباسی بگو)

* * * * *

!میدونی فرق تو با کامیون چیه؟ کامیون بار میبره ولی تو دل میبری

* * * * *

!میدونی فرق تو با ابر چیه؟ از ابر بارون میباره . از تو معرفت

™Arman

02-02-2011, 19:34

!میدونی فرق تو با باد چیه؟ باد نفس آسمونه ولی تو نفس منی

* * * * *

.می دونی شباهت تو با خورشید چیه؟ هردوتون از پشت کوه اومدین

* * * * *

!میدونی فرق تو با ماه چیه؟ ماه سه حرف داره ولی تو حرف نداری

!اگه گفتی فرق تو با جوراب چیه؟ جوراب لنگه داره ولی تو نداری

!میدونی فرق تو با کلاغ چیه؟ کلاغ تو درخت لونه میکنه ، اما تو کنج قلبم

TM Arman

02-02-2011, 19:35

!میدونی فرق تو با اشک چیه؟ اشک از چشم میفته ولی تو هیچ وقت از چشم نمیوفتی

می دونی فرق تو با چغندر چیه ؟ از چغندر قند می گیرن از قندش شیرینی ، شکلات و عسل درست می کنن اما تو تو خودت قند و نباتی شکلاتی شکلاتی عسلی یا که شیرینی ، که به دل اینجور

!میشینی

میدونی فرق تو با روز چیه؟؟؟

روز ۳۰ تاش باید جمع بشه تا ماه بشه ولی تو همین جوری مـــــــــــــــا اـــــــــــــللهی

* * * * *

!میدونی فرق تو با راه چیه؟ راه رو باید بری تا به آخرش برسی اما تو خودت آخرشی

* * * * *

!می دونی فرق تو با پینوکیو چیه؟ پینوکیو آدم شد ولی تو آدم نمی شی

™Arman

02-02-2011, 19:38

!می دونی فرق تو با پناستی چیه؟ پناستی 50 درصد گله اما تو صد درصد گلی

* * * * *

.می دونی فرق تو با فرقون چیه؟ فرقون گِل می بره ولی تو دل می بری

* * * * *

!میدونی شباهت تو با لامپ چیه؟! دور هر دوتا تون پشه جمع میشه

* * * * *

!میدونی فرق تو با گل چیه؟ گل رو باید بو کرد، ولی تو خودت همین جوری بو میدی

می دونی شباهت تو با گل چیه؟ هر دو تون عشقین با این تفاوت که گل عشق زنبور عسله ولی تو

!عشق مگس

* * * * *

!! می دونی فرق تو با گاو چیه؟!... ، جون خودت هیچ فرقی ندارین

™Arman

02-02-2011, 19:40

!! می دونی فرق تو با کبوتر چیه؟ اون از قشنگی اسیر میشه....! تو با قشنگیت اسیر می کنی

* * * * *

!هم نمیدی sms می دونی فرق تو با آهن چیه؟ آهن زنگ می زنه، ولی تو حتی یه

* * * * *

...میدونی فرق لبخند تو با لبخند من چیه ؟ تو وقتی شادی میخندی، من وقتی تو شادی میخندم

* * * * *

میدونی فرق تو با عشق زندگی و گل چیه ؟ عشق یک کلمه هست ولی تو معنی ان هستی ، زندگی
یک اجبار هست ولی تو دلیل آن هستی ، گل یک گیاه هست ولی تو عطر آن هستی

* * * * *

.میدونی فرق تو با کشتی چیه؟ کشتی به گل میشینه ولی تو به دل میشینی

LIDA

یک خروس در بام خانه‌ای که شیب دوطرفه دارد، تخم می‌گذارد. این تخم از کدام طرف -1 می‌افتد؟

شمال - جنوب - هیچ کدام

خانمی عاشق رنگ قرمز است و تمام وسایل او به رنگ قرمز است. او در آپارتمانی یک طبقه که -2 قرمز رنگ است، زندگی می‌کند. صندلی و میز او قرمز رنگ است. تمام دیوارها و سقف آپارتمان قرمز رنگ هستند. کفپوش آپارتمان و فرش‌ها نیز قرمز رنگ هستند. تلویزیون هم قرمز رنگ است. سریع پاسخ دهید که پله‌های آپارتمان چه رنگی هستند؟

قرمز - آبی - هیچ کدام

پدر و پسر را که در حادثه رانندگی مجروح شده بودند، به بیمارستان می‌برند. پدر در راه -3 بیمارستان فوت می‌کند ولی پسر را به اتاق عمل می‌برند. پس از مدتی دکتر می‌گوید من نمی‌توانم این شخص را عمل کنم، به علت اینکه او پسر من است. آیا به نظر شما این داستان می‌تواند صحت داشته باشد؟

آری - خیر - هیچ کدام

اگر چهار تخم مرغ، آرد، وانیل، شکر، نمک و بیکنینگ پودر را با همدیگر مخلوط کنید، آیا -4

کیک خواهید داشت؟

آری - خیر - هیچ کدام

آیا می توانید از منزلتان بالاتر پرش کنید؟-5

آری - خیر - هیچ کدام

!هیچ کدام. خروس که تخم نمی گذارد

!هیچ کدام. آپارتمان یک طبقه که راه پله ندارد

آری. اگر این سوال را نتوانستید جواب دهید، وای بر شما. دکتر یک خانم جراح است یعنی این شخص مادر پسر است

! خیر، شما پیش از اینکه کیک داشته باشید باید آن را بپذیرد

!آری،. بپرید و ببینید که خانه شما چقدر می پرد

LIDA

09-02-2011, 20:30

یک کیلو گرم آهن چند گرم سنگین تر از یک کیلو گرم پنبه است؟-1

۱ گرم - ۱۰۰ گرم - هیچ کدام

مردی به طرف یک پلیس که در حال جریمه کردن اتومبیل بود، می رود و التماس می کند که -2
پلیس جریمه نکند ولی آقای پلیس قبول نمی کند. به پلیس نه یک بار بلکه هشت بار بد دهنی
می کند. جواب دهید که این مرد چند بار جریمه خواهد شد؟

بار - ۹ بار - هیچ کدام ۸

اگر تمام رنگ ها را با هم مخلوط کنید، آیا رنگین کمان خواهیم داشت؟ -3

آری - خیر - هیچ کدام

گرگی به بالای کوه می رود تا غرش شبانه اش را آغاز کند. چه مدت طول می کشد تا به بالای -4
کوه برسد؟

دو شب - پنج شب - هیچ کدام

اگر به طور اتفاقی وارد کود کستان دوران کودکی تان شوید، آیا قادر به خواندن نوشتن و انجام -5
جدول ضرب خواهید بود؟

آری - خیر - هیچ کدام

هیچ کدام. یک کیلو گرم آهن با یک کیلو گرم پنبه به طور دقیق برابر هستند

هیچ کدام. خود رو به آن مرد تعلق ندارد

خیر. رنگ خاکستری خواهید داشت

هیچ کدام. گرگ پیشتر بالای کوه است

آری، شما فقط از کود کستان دیدن می کنید و با همین شرایطی که الان دارید فقط وارد کود کستان شده اید.

LIDA

09-02-2011, 20:32

آیا امکان دارد یک نفر سریع تر از رودخانه می سی سی پی شنا کند؟

آری - خیر - هیچ کدام

آقای بیل اسمیت و خانم ژانت اسمیت از هم طلاق می گیرند. پس از مدتی خانم ژانت اسم اولیه خود

را پس می گیرد. با این حال، پس از پنج سال با اینکه هنوز از آقای بیل اسمیت طلاق گرفته است، دوباره خانم ژانت اسمیت می شود. آیا این قضیه امکان پذیر است؟

آری - خیر - هیچ کدام

آقای جیم کوک مشکوک به قتل است ولی وقتی که پلیس از او سوال می کند که در موقع قتل کجا بوده است، آقای جیم می گوید در خانه مشغول تماشای سریال مورد علاقه ام بوده ام. حتی جزئیات سریال را برای پلیس شرح می دهد. آیا این موضوع ثابت می کند که آقای جیم بی گناه است؟

آری - خیر - هیچ کدام

یک شترمرغ تصمیم می گیرد که به وطنش بازگردد. چه موقع برای پرواز او به جنوب مناسب است؟

بهار - پاییز - هیچ کدام

جمله بعدی صحت دارد. جمله قبلی غلط است. آیا این قضیه منطقی است؟

آری - خیر - هیچ کدام

آیا امکان دارد که یک اختراع قدیمی قادر باشد که پشت دیوار را به ما نشان دهد؟

آری - خیر - هیچ کدام

اگر بخواهید یک نامه به دوست تان بنویسید، ترجیح می دهید با شکم پر یا با شکم خالی بنویسید؟

پر - خالی - هیچ کدام

!آری، چون که رودخانه ها که قادر به شنا کردن نیستند

.آری ژانت با یک آقای دیگر که فامیل اش اسمیت بوده، ازدواج کرده است

.خیر. چون که ممکن است این سریال تکراری باشد و او پیشتر این سریال را دیده باشد

هیچ کدام. شتر مرغ که قادر به پرواز نیست (۱۵)

هیچ کدام. چون که جملات متضاد هم هستند

!آری. پنجره یک اختراع قدیمی است که به وسیله آن می توان پشت دیوار را مشاهده کرد

!هیچ کدام. بهتر است که یک نامه عاشقانه را با قلم و کاغذ بنویسید و با شکم نمی توان نامه نوشت

LIDA

09-02-2011, 20:47

بعضی از ماهها 30 روز دارند بعضی 31 روز چند ماه 29 روز دارد؟ - 1

اگر دکتر به شما 3 قرص بدهد و بگوید هر نیم ساعت 1 قرص بخور چقدر طول میکشد تا تمام - 2
قرصها خورده شود؟

من ساعت 8 شب به رختخواب رفتم و ساعت را کوک کردم که 9 صبح زنگ بزند وقتی با - 3
صدای زنگ ساعت از خواب بیدار شدم چند ساعت خوابیده بودم؟

عدد 30 را به نیم تقسیم کنید و عدد 10 را به حاصل آن اضافه کنید چه عددی به دست می - 4

آید؟

مزرعه داری 17 گوسفند زنده داشت تمام گوسفند هایش به جز 9 تا مردند چند گوسفند زنده 5-
برایش باقی مانده است؟

تمام ماهها حداقل 29 روز را دارند 1-

یک ساعت (شما یک قرص را در ساعت 1 و دیگری را در ساعت 5/1 و بعدی را در ساعت 2-
2 می خورید)

ساعت کوکی نمیتواند شب و روز را تشخیص دهد پس به اولین ساعت 9 که برسد زنگ میزند 3-
که
ساعت 9 شب است

حاصل 70 است (تقسیم بر نیم معادل ضرب در 2 است) 4-

او 9 گوسفند خواهد داشت 5-

LIDA

09-02-2011, 20:49

اگر تنها یک کبریت داشته باشید و وارد یک اتاق سرد و تاریک شوید که در آن یک بخاری 6-
نفتی یک چراغ نفتی و یک شمع باشد اول کدامیک را روشن میکنید؟

7- فردی خانه ای ساخته که هر چهار دیوار آن به سمت جنوب پنجره دارد خرسی بزرگ به این خانه نزدیک میشود این خرس چه رنگی است؟

اگر 2 سیب از 3 سیب بردارین چند سیب دارید؟ -8

حضرت موسی از هر حیوان چند تا با خود به کشتی برد؟ -9

اگر اتوبوسی را با 43 مسافر از مشهد به سمت تهران برانید و در نیشابور 5 مسافر را پیاده کنید -10
و 7 مسافر جدید را سوار کنید و در دامغان 8 مسافر پیاده و 4 نفر را سوار کنید و سرانجام بعد از 14 ساعت به تهران برسید حالا نام راننده اتوبوس چیست؟

کبریت -6

سفید چون خانه ای که هر چهار دیوارش رو به سمت جنوب پنجره داشته باشد باید در نوک -7
قطب جنوب باشد

همان 2 سیب -8

هیچ (حضرت نوح بود نه حضرت موسی) -9

خوب خودتونید دیگه (نام خودتان) -10

LIDA

14-02-2011, 13:24

جملات زیر را درست بخوانید: «زنی زنی زنی خوش آمد»، «سربازی سربازی سربازی 1
»سربازی را گشت

۲ شخصی مدت هفت شب در مهمانخانه ای منزل می کند و چون پول نقد برای پرداختِ کرایه
مهمانخانه را ندارد، قرار می گذارد از هفت حلقه بهم پیوسته طلا که به همراه دارد، هر شب یکی از
آنها را به جای کرایه به مهمانخانه دار بپردازد. اما می خواهد بیش از یکبار آن حلقه ها را از هم
نگسلد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

۳ منظور از «خروس بیوه» چیست؟

۴ شخصی در حین خواندن نماز میت، به هنگام سجده، ناگهان سرش به لبه تابوت می خورد پیشانی
می شکند و خون پیشانی او به کفن مرده غسل داده شده می خورد و آنرا نجس می کند. حالا این
سوال پیش می آید که آیا باید مرده را دوباره غسل داد یا باید کفنش را عوض کرد یا چاره دیگری
اندیشید؟

۵ خداوند متعال چه میخورد، چه می پوشد و چقدر توانایی دارد؟

جواب چیستان ۱

جملات مزبور اینگونه خوانده می شوند: «زنی زنی زنی خوش آمد» «سربازی سربازی

سُربازی، سَرَبازی را کشت

جواب چیستان ۲

نخست حلقه سوم را پاره می کند و شب اول آنرا به مهمانخانه دار می دهد. شب دوم حلقه اول و دوم را که بهم پیوسته بود به او می دهد و حلقه سوم را می گیرد. شب سوم، حلقه سوم را که ابتدا جدا کرده بود به مهمانخانه دار می دهد که جمعاً سه حلقه می شود. شب چهارم، چهار حلقه بهم پیوسته را در اختیار صاحب مهمانخانه می گذارد و دو حلقه بهم پیوسته و یک حلقه جدا (حلقه سوم) را می گیرد. در شب پنجم، حلقه سوم را به مهمانخانه دار می دهد. شب ششم حلقه سوم را می گیرد و حلقه های دوتایی را باو می دهد و در شب هفتم، حلقه تکی را هم بوی تحویل می دهد و بدین ترتیب، تنها با یکبار گسستن حلقه ها، کار را به نتیجه می رساند

جواب چیستان ۳

منظور از خروس بیوه همان «خرس» است، زیرا خروس بی «و» یعنی بدون واو خرس می شود

جواب چیستان ۴

هیچکدام، زیرا نماز میت اصلاً سجده ندارد تا چنین اتفاقی بیفتد

جواب چیستان ۵

خداوند متعال غم بندگانش را می خورد، عیب آنان را می پوشد و قدرتش بی انتهاست

LIDA

14-02-2011, 13:27

h-m-b-a-a4-b-r: عبارت زیر را بخوانید = ۶

می دانیم که در بهشت هر چه بخورند دفع نمی شود، در جهان مادی کدامیک از مثالها و شواهد = ۷ را می توان یافت که با آن امر همسان باشد؟

منظور از «کانت واز بود» چیست؟ = ۸

شخصی برای نخستین بار سوار یک خودروی «فولکس واگون» شد و بسوی شهری حرکت = ۹ کرد، درمیان راه خودروی او خراب شد ناچار ماشین را به کنار جاده هدایت کرد و کاپوت ماشین را بالا زد، ولی با کمال تعجب دید نه از موتور خبری هست، نه از سیلندر و نه چیز دیگر چطور چنین چیزی ممکن است؟

چراغ راهنمایی و رانندگی که روبروی خیابان است قرمز است، افسر راهنمایی هم در آنجا = ۱۰ ایستاده است، با اینحال راننده ای از چراغ قرمز می گذرد و کسی مزاحم او نمی شود. چطور چنین چیزی ممکن است؟

جواب چیستان ۶ [B]

«عبارت مزبور چنین خوانده می شود: «هاشم بیا آچار بیا»

جواب چیستان ۷

بچه در شکم مادر

جواب چیستان ۸

یعنی: «بود، بود، بود» زیرا «کانت» در عربی به معنی «بود» و «واز» در زبان انگلیسی به معنی «بود» و بود
-نیز در زبان پارسی به معنی بود است

جواب چیستان ۹

زیرا موتور فولکس واگن در عقب آنست نه در جلو

جواب چیستان ۱۰

آن راننده پیاده بوده است، بنابراین افسر راهنمایی کاری باو ندارد

LIDA

14-02-2011, 13:29

در اتفاقی یک زن و شوهر نشسته اند. یکنفر هم در حال خواندن نماز است، نفر چهارم هم روزه - ۱۱ دارد. به ناگهان مردی از در وارد می شود، با وارد شدن او، این زن و شوهر به هم حرام می شوند. نماز آن شخص و روزه نفر چهارم هم باطل می گردد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

آدرویش، خداداده سه تا میش. یکی شیرش حلال و گوشتش حرام، یکی گوشتش حلال و - ۱۲ شیرش حرام و سومی هم گوشتش حرام، هم شیرش

!آمد و رفت، آمد و نرفت، زائید و نمرد، نزائید و مرد - ۱۳

جملات زیر، مصداق چه حکایتی هستند؟ « برو، اگر نیامده، بگو بیاید. رفتم، نیامده بود، گفتم: - ۱۴
» .بیاید، چرا نیامد؟ حتماً آمده که نیامده است. اگر نیامده بود می آمد

شخصی در یک اتاق به ابعاد $20 \times 20 \times 5$ متر، خودش را با یک ریسمان دومتری از سقف -۱۵
آویزان می کند و دار می زند. وقتی به در اتاق او می آیند و می بینند از او صدایی شنیده نمی شود،
نگران می شوند و در را می شکنند با کمال تعجب می بینند، او از سقف خودش را دار زده است و در
اتاق را از درون قفل کرده و کلید را در جیبش گذاشته است. با اینکه میز، صندلی، نردبام یا چیز
دیگری در اتاق نبوده است، او چگونه خود را دار زده است؟

جواب چیستان ۱۱

مردی که ناگهان وارد می شود، شوهر پیشین آن زن بوده که بیش از چهار سال بدون اطلاع او را
ترک گفته و از خود خبری به جای نگذاشته است. بنابراین، آن زن پس از گذشت چهار سال انتظار،
بتصور اینکه شوهرش از دنیا رفته، با اجازه حاکم شرع طلاق می گیرد و با مرد دومی ازدواج م ی کند
و از میراث باقیمانده شوهرش، سهمی در اختیار کسی می گذارد تا برایش نماز بخواند، پولی نیز به نفر
چهارم می دهد تا برای او روزه بگیرد. پس از بازگشت او، شوهر دوم به او حرام می شود و چون آدم
زنده و کیل و وصی نمی خواهد، روزه و نماز آندو نیز باطل می گردد

جواب چیستان ۱۲

اولی مادر است که شیرش حلال و گوشتش حرام است، دومی همسر است که گوشتش حلال و
شیرش برای شوهر حرام است و سومی خواهر است که هم شیرش برای برادر حرام است و هم
گوشتش

جواب چیستان ۱۳

آنکه آمد و رفت «عُمر» است، آنکه آمد و نرفت، «تجربه» و «قرآن» است. آنکه زائید و نمرد، «حضرت مهدی عج» و حضرت خضر هستند نزائید و مرد، حضرت آدم است

جواب چیستان ۱۴

سه نفر دزد هستند که یکی از آنان در کوچه کشیک می کشد و دو نفرشان از دیوار خانه بالا می روند و وارد خانه می شوند. یکی از آنان در صندوقخانه مشغول جمع آوری اثاث است و دومی مشغول انتقال اثاث به خیابان، آنکه کشیک می دهد، به دزد دوم می گوید: برو، اگر صاحبخانه نیامده بود، بگو دزد سوم بیاید. دزد دومی می گوید: «رفتم نیامده بود، گفتم بیاید» کشیک دهنده می گوید: «پس چرا نیامد؟ حتماً (صاحبخانه) آمده که (دزد سوم) نیامده است! اگر (صاحبخانه) نیامده بود، (دزد «!سوم) می آمد»

جواب چیستان ۱۵

پیش از خودکشی، تعدادی قالب یخ به درون اتاق می آورد، آنها را روی هم و زیر پا می گذارد و با استفاده از آنها طناب را به سقف وصل می کند و به گردن خود می اندازد. آنگاه یخها کم کم آب می شوند و از پایین در اتاق به بیرون تراوش می کنند بطوریکه هنگام حضور دیگران اثری از یخها نبوده و همین امر موجبات شگفتی آنان را فراهم می سازد

LIDA

14-02-2011, 13:34

شخصی چگونه - بدون استفاده از هواپیما- خود را دو ساعته به مشهد می رساند؟-۱۶

حضرت آدم و حوا شش چیز در بهشت آوردند که هر یک از آنها منشأ چیزی شد، آن شش چیز -۱۷
کدامند؟

کسانیکه رَحِم مادر را ندیده اند 9 نفرند، آن 9 نفر چه کسانی هستند؟-۱۸

اکنون چهار تن از پیامبران زنده هستند، آن چهارتن کدامند؟-۱۹

:از حضرت علی (ع) پرسیدند-۲۰

واجب و واجبتَر چیست؟ نزدیک و نزدیکتر کدامند؟ عجیب و عجیب تر چیست؟ سخت و سخت تر چیست؟

اگر شما بودید چه جوابی می دادید؟ حضرت علی چه جوابی داد؟

جواب چیستان ۱۶

آن شخص از ماشین یا قطار یا وسیله دیگری (غیر از هواپیما) برای سفر استفاده می کند، در حالیکه دو ساعت به مچ خود بسته یا در جیب خود گذاشته بود.

جواب چیستان ۱۷

عصای موسی (ع) 2- انگشتر حضرت سلمیان (ع) 3- چهار برگ درخت که با آن حضرت 1- آدم و حوا ستر عورت کرده بودند. یکی از برگها را آهوی ختن خورد که از آن مشک به عمل آمد. برگ دوم را گاو دریایی خورد که از آن عنبر بدست آمد. سومین برگ را کرم خورد که ابریشم از اوست و چهارمین برگ را زنبور خورد که عسل حاصل آنست

جواب چیستان ۱۸

حضرت آدم (ع) 2- حضرت حوا 3- گوسفند ابراهیم (ع) 4- عصای موسی (ع) 5- خفاشی 1- که حضرت عیسی (ع) ساخت 6- نافه صالح 7- بنا به قولی، ماری که شیطان را وارد بهشت کرد 8- کلاغی که کفن هابیل را به قابیل داد 9- شیطان لعین

جواب چیستان ۱۹

حضرت خضر 2- حضرت الیاس که در زمین است 3- حضرت ادریس 4- حضرت عیسی که 1- در آسمان است

جواب چیستان ۲۰

حضرت علی (ع) فرمود: 1- واجب اطاعت از خدا و واجبتر از آن ترک گناه است 2- نزدیک قیامت و نزدیکتر از آن مرگ است 3- عجیب دنیا و عجیب تر از آن محبت دنیا است 4- سخت قبر است و از آن سخت تر، دست خالی به قبر رفتن است

LIDA

14-02-2011, 13:40

زنی را در خیابان دیدم که پسر بچه ای را به دنبال داشت. از او پرسیدم: این پسر با توجه نسبتی ۱- دارد؟ گفت: «او پسرِ پسرِ من است، برادر شوهرم»، چطور چنین چیزی ممکن است؟

از میان تعدادی زن و مرد برهنه، چگونه می توان آدم و حوا را شناخت؟ - ۲

شخصی تخم مرغ را دانه ای 70 ریال خرید و دانه ای 50 ریال فروخت و سرانجام میلیونر شد! - ۳
چطور چنین چیزی ممکن است؟

حکم اعدام متهمی را صادر می کنند و مضمون «بخشش لازم نیست، اعدامش کنید.» را به امضا، - ۴
دادستان می رسانند. پس از امضاء دادستان، مأمور اجرای حکم، با تغییری در مضمون، جمله را به

صورتی در می آورد که جلو اعدام متهم را می گیرد، او چه تغییری در جمله بوجود می آورد؟

این عبارت را درست بخوانید: گندم فروشا، ارزن آمد نخود آمد ماش فرستادیم برنجش مده، - ۵
•برنجش بده

جواب چیستان ۱

تنها در صورتی ممکن است که دو دوست، هر یک با مادر شوهر مرده یا مطلقه دیگری ازدواج کنند و هریک از آن مادران پسری بدنیا آورند. این پسر برای زن دیگر، حکم پسرِ پسر و برادرِ شوهر را دارد

جواب چیستان ۲

آدم و حوا ناف ندارند. زیرا آنان از شکم مادر متولد نشده اند که نیازی به بند ناف و ناف داشته باشند! آدم از بهشت آمد و حوا نیز از پهلوی آدم خلق شده است

جواب چیستان ۳

او نخست میلیارد بود، اما در اثر زیانهای پی در پی بخشی از دارائیش را از دست داده و میلیونر شد

جواب چیستان ۴

مأمور ویرگول را از جلو کلمه «نیست» بر می دارد و جلو کلمه «بخشش» می گذارد، بدین ترتیب:
» «بخشش، لازم نیست اعدامش کنید

جواب چیستان ۵

عبارت اینگونه خوانده می شود: «گندم فروشا، ار، زنی آمد، نه خود آمد ماش (ما او را) فرستادیم، به
» «رنجش مده، برنجش بده

LIDA

14-02-2011, 13:48

منظور از جمله «شیخ الحدید مال جدید الاصل شما بود» چیست؟-۶

منظور از عبارت شوخی وار «اوری بادی خربا بوزه ایتینگ گنه پا لَرِشَم سی تینگ گنه» چیست؟-۷

از شخصی خواستند خودش را معرفی کند، این شخص شکسته نفسی کرده، خودش را کوچکتر از ۸-
آنچه بود معرفی کرد و گفت: من «میرزا نیم من بوق بن پشم اندر پانزده» هستم! نام او چه بوده است؟

آن چیست که با اینکه سه تاست، یکی است و با اینکه یکی است سه تاست-۹

آن چیست که پر و خالیش یک وزن دارد؟-۱۰

جواب چیستان ۶

با توجه به اینکه معنی شیخ «پیر» و معنی حدید «آهن» و معنی جدید «نو» و معنی اصم «گر» است، پس
«معنی جمله مزبور چنین می شود: «پیراهن مال نو کر شما بود

جواب چیستان ۷

می دانیم «اوری بادی» به زبان انگلیسی بمعنی «هرکس» ، «ایتینگ» بع معنی «خوردن» و «سیتینگ» به
معنی «نشستن» است. پس با این ترتیب، عبارت فوق مرادف ضرب المثل معروف فارسی «هر که خربزه
بخورد باید پای لرزش بنشیند» می باشد

جواب چیستان ۸

می دانیم بزرگتر از «میرزا» ، «آقا» و بزرگتر از «نیم من» ، « من» و بزرگتر از «بوق» ، «صور» و بزرگتر
از «ابن» ، «پدر» و بلندتر از «پشم» ، «مو» و بزرگتر از «پانزده» ، «سی» است. پس با ان ترتیب. نام
«شخص مزبور این بوده است: «آقا من صور پدر موسی» یا به عبارتی «آقا منصور پدر موسی

جواب چیستان ۹

تثلیت مسیحیت یعنی «اب» و «ابن» و «روح القدس» است که هر سه در حقیقت یکی هستند و مراد از
یکی سه تاست

جواب چیستان ۱۰

نوار کاست و ویدئو

14-02-2011, 13:52

من یک سگه کوچک را در چاهی عمیق می اندازم، آنگاه در عرض یک دقیقه می روم در می آورم، چطور چنین چیزی ممکن است؟

یکنفر اهل منطق به شهری وارد شد و تصمیم گرفت نزد سلمانی برود و سروصورتش را اصلاح کند. آن شهر دو سلمانی بیشتر نداشت. وقتی مرد بسراغ نخستین سلمانی رفت، او را با سروصورتی آشفته و پرپشت و موهایی ژولیده و نامرتب و هنگامی که به سراغ دومین سلمانی رفت، او را با موهایی بسیار مرتب و ریشی تراشیده یافت. لذا تصمیم گرفت نزد نخستین سلمانی برود و سروصورتش را بپیراید. چرا او چنین تصمیمی گرفت؟

چرا شکارچی به هنگام شکار، یک چشمش را می بندد؟

وجه تشابه «سنگگ سوخته»، «آدم غرق شده» و «زن آبستن» چیست؟

زندانی دارای دو در است، یکی در آزادی و دیگری درِ اعدام. این زندان دارای دو زندانبان است که یکی از آنها راستگو و دیگری دروغگوست. خودِ زندانبانان همدیگر را به خوبی می شناسند. در این زندان مردی محبوس است که نمی داند کدامیک از زندانبانان راستگو، و کدامیک دروغگو است؟ به

او اجازه می دهند، از هر یک از زندانبانان که دلش می خواهد سؤالی بکند و از پاسخ طرف مقابل بفهمد در آزادی کدام است تا از آن خارج شود. پرسشی که او باید بکند تا به آزادی او بینجامد چیست؟

من که ادعا نکردم می روم سگه را از چاه درمی آورم بلکه گفتم: در عرض یک دقیقه می روم «در» می آورم. بنابراین مراد از «در» اینجا در اتاق یا راهرو و امثال آنست

زیرا با نگاه کردن به موهای نخستین سلمان، فهمید او توسط دومین سلمانی که مردی ناشی بوده سلمانی شده است؛ اما سلمانی دوم که موهایی مرتب و منظم داشته، توسط سلمانی اول اصلاح شده است. بنابراین تصمیم گرفت نزد نخستین سلمانی برود و چون شنیده بود «سلمانی ها وقتی بیکار می شوند، سر یکدیگر را اصلاح می کنند

زیرا اگر دو چشمش را ببندد، جایی و کسی را نخواهد دید و قادر به شکار نخواهد بود

وجه تشابه آنها این است که هر سه، در نتیجه دیر بیرون آوردن بدین روز افتاده اند. سنگگ در اثر دیر بیرون آوردن از تنور سوخته شد، غریق در اثر دیر بیرون آوردن از آب غرق شده و همینطور زن آبستن

به یکی از دربانها نزدیک شده، از او می پرسد: « آقا، اگر من از دربان دیگر بپرسم که در آزادی کدام است، کدام در را نشان خواهد داد؟ » هر دری را که دربان نشان دهد، می فهمد آن در، درِ اعدام است لذا برعکس عمل کرده، از در دیگر خارج خواهد شد. چرا؟ علتش آن است که اگر جمله فوق را از دروغگو بپرسد، او چون دروغگوست، بجای درِ آزادی، درِ اعدام را نشان خواهد داد لذا او برعکسش کرده، از در دیگر خارج می شود. و اگر از دربان راستگو بپرسد، چون او راستگوست، عین عبارت دروغِ دروغگو را بیان خواهد کرد و خواهد گفت: اگر از آن شخص (دروغگو) بپرسی فلان در را نشان خواهد داد و چون دروغگو، درِ اعدام را بجای درِ آزادی معرفی خواهد کرد و عین گفته او رانیز راستگو تکرار کرده، مرد محبوس آنرا برعکس نموده از در آزادی خارج خواهد شد

LIDA

26-08-2011, 12:39

معماهایی از فیزیک پایه برای عموم

:چند سوال از مفاهیم فیزیک

هر تراموا یک خط اتصال برق و هر اتوبوس برقی دو خط اتصال برق دارد. دلیل این موضوع - ۱
: این است که

الف - خط اتصال اضافی در اتوبوس برای نگهداری و تامین ایمنی بیشتر به کار می رود

است. dc و برای تراموا ac ب - منبع برق اتوبوس

است. ac و برای تراموا dc ج - منبع برق اتوبوس

د - اتوبوس بیشتر از تراموا جریان برق می کشد

ه - تراموا از ریلهایش به عنوان خط اتصال دوم استفاده می کند

پرنده ای روی یک سیم لخت با ولتاژ زیاد و بالا نشسته است، آیا او را برق می گیرد؟ - ۲

الف - بلی

ب - نه

فرض کنید یک پتوی نو و ضخیم و یک پتوی کهنه نازک دارید؛ پتوی نو یک عایق ضعیف - ۳
برای گرماست. همچنین فرض کنید در یک شب زمستانی شما می خواهید از هر دو پتو استفاده کنید.
در کدام حالت شما خود را گرم نگه می دارید؟

الف - پتوی کهنه را روی خود بکشید و پتوی نو را روی پتوی کهنه، در اینصورت پتوی نو از نفوذ
سرمای بیرون به داخل جلوگیری می کند

ب - پتوی نو را روی خود بکشید و پتوی کهنه را روی پتوی نو، در اینصورت پتوی نو از خروج
گرمای بدن به خارج جلوگیری می کند

ج - فرقی نمی کند

آیا می شود یک ولتاژ بالا بدون جریان بسیار زیاد داشت؟ - ۴

الف - بلی

ب - نه

جریان زیاد: واحد جریان الکتریسته آمپر است و گاهی جریان الکتریکی را در مقایسه با ولتاژ - ۵
آمپراژ می گویند. آیا بدون ولتاژ خیلی زیاد امکان وجود آمپراژ خیلی زیاد است؟

الف - بلی

ب - نه

اما جوابها

ه پاسخ صحیح است: مولد برقی که برق تراموا رو تولید می کند از یک طرف اتصال به زمین - ۱ دارد. بنابراین برق از مولد، از طریق یک خط اتصال به تراموا می رود و از طریق زمین به مولد بر می گردد. اتوبوس برقی چرخهای لاستیکی دارد پس نمی تواند جریان برق را از طریق زمین برگرداند.
پس اتوبوس دو خط اتصالی دارد

ب صحیح است: ممکن است تصور کنید یک ولتاژ بسیار بالا مثلاً ۲۰۰۰۰۰ ولت می تواند بر - ۲ مقاومت بدن پرنده غلبه کند؛ اما منظور از این ۲۰۰۰۰۰ ولت ولتاژ تمام طول سیم نسبت به زمین است. اگر چه پرنده روی ولتاژ ۲۰۰۰۰۰ ولتی نشسته است اما در واقع تمام بدن او در همین ولتاژ است. یعنی هیچ اختلاف پتانسیلی در سرتاسر بدن پرنده وجود ندارد و می دانیم که جریان در محیط رسانا وقتی ایجاد می شود که اختلاف پتانسیلی در دو سر آن وجود داشته باشد. در این حالت اگر پرنده بالهایش را طوری باز کند که با سیم مجاور که با این سیم اختلاف پتانسیل داشته باشد آنوقت پرنده بیچاره ... اما در اصل سیمهای فشار قوی آنقدر از هم فاصله دارند که حتی اگر پرنده بالهایش را باز کند به سیم مجاور نمی رسد.

د صحیح است: پتوها نسبت بهم سری هستند یعنی گرما باید از طریق هر دو آنها خارج شود یا - ۳

سرما باید از طریق هر دوی آنها به داخل نفوذ کند. مثل الکتریسیته که از ولتاژ بالا به پایین منتقل می شود گرما هم از از جای گرم به جای سرد می رود. حال فرض کنید که یک مقاومت بزرگ با یک مقاومت پایین در مدار قرار گرفته اند (البته به طور سری) اگر جای این دو عوض شود در شدت جریان تاثیری نخواهد داشت ؛ پتوها هم عینا مثل مقاومت های سری هستند

الف صحیح است: بارهای همنام همدیگر را دفع و غیر همنام همدیگر را جذب می کنند و برای - ۴ جدا کردن این بارهای بهم چسبیده صرف انرژی لازم است و تا هنگامی که این دو بار از هم دور نگه داشته شوند انرژی ذخیره می شود و انرژی پتانسیل حاصل می شود. در مورد بارها این انرژی ، انرژی پتانسیل الکتریکی نام دارد. که بدون وجود جریان الکتریکی بالا با واحد ولت ایجاد می گردد. حال اگر پلی رسانا بین محل های دوبار مخالف ایجاد شود بار از طریق پل به حرکت در آمده و جریان برقرار می شود. مثال باتری اتومبیل

الف صحیح است: مقدار جریان در هر مداری نه تنها به ولتاژ بلکه به مقاومت نیز بستگی دارد. - ۵ اگر مقاومت رسانا خیلی کم باشد، ولتاژ بسیار اندکی می تواند جریانی خیلی زیاد در مدار برقرار کند. مقاومت بعضی از مواد هنگامی که تا دماهای خیلی پایین سرد می شود صفر است که به این مواد ابررسانا می گویند. ولتاژهای خیلی پایین می توانند جریانهای بزرگی را در مواد ابررسانا تولید کنند. در واقع در هر مدار ابررسانا حتی بعد از قطع چشمه ولتاژ تا بینهایت برقرار می ماند

26-08-2011, 12:44

زندانی دارای دو در است، یکی در آزادی و دیگری درِ اعدام. این زندان دارای دو زندانبان - ۱ - است که یکی از آنها راستگو و دیگری دروغگوست. خودِ زندانبانان همدیگر را به خوبی می شناسند. در این زندان مردی محبوس است که نمی داند کدامیک از زندانبانان راستگو، و کدامیک دروغگو است؟ به او اجازه میدهند، از هر یک از زندانبانان که دلش می خواهد سؤالی بکند و از پاسخ طرف مقابل بفهمد در آزادی کدام است تا از آن خارج شود. پرسشی که او باید بکند تا به آزادی او بینجامد چیست؟

دو مرد نسبت به هم، دایی و خواهر زاده اند. یعنی اولی دایی دومی و خواهر زاده اوست، دومی نیز - ۲ - دایی اولی و خواهرزاده وی می باشد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

شخصی مدت هفت شب در مهمانخانه ای منزل می کند و چون پول نقد برای پرداختِ کرایه - ۳ - مهمانخانه را ندارد، قرار می گذارد از هفت حلقه بهم پیوسته طلا که به همراه دارد، هر شب یکی از آنها را به جای کرایه به مهمانخانه دار بپردازد. اما می خواهد بیش از یکبار آن حلقه ها را از هم نگسلد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

شخصی تخم مرغ را دانه ای ۷۰ ریال خرید و دانه ای ۵۰ ریال فروخت و سرانجام میلیونر شد! - ۴ -

چطور چنین چیزی ممکن است؟

نردبانی داریم که اگر کنار دیوار، بطور قائم قرار گیرد نوک نردبان از انتهای دیوار ۱۰ سانتیمتر -5 بالاتر قرار می گیرد. و هرگاه پای همین نردبان را از پای همان دیوار ۷۰ سانتیمتر فاصله بدهیم نوک نردبان به انتهای دیوار منطبق می شود. طول نردبان را پیدا کنید

زندانی : به یکی از دربانها نزدیک شده، از او می پرسد: « آقا، اگر من از دربان دیگر پرسم که - ۱ در آزادی کدام است، کدام در را نشان خواهد داد؟» هر دری را که دربان نشان دهد، می فهمد آن در، درِ اعدام است لذا برعکس عمل کرده، از در دیگر خارج خواهد شد. چرا؟ علتش آن است که اگر جمله فوق را از دروغگو پرسد، او چون دروغگوست، بجای درِ آزادی، درِ اعدام را نشان خواهد داد لذا او برعکسش کرده، از در دیگر خارج می شود. و اگر از دربان راستگو پرسد، چون او راستگوست، عین عبارت دروغِ دروغگو را بیان خواهد کرد و خواهد گفت: اگر از آن شخص (دروغگو) پرسى فلان در را نشان خواهد داد و چون دروغگو، درِ اعدام را بجای درِ آزادی معرفی خواهد کرد و عین گفته او رانیز راستگو تکرار کرده، مرد محبوس آنرا برعکس نموده از در آزادی خارج خواهد شد

خویشاوندی : هر چند که این نوع خویشاوندی به ندرت اتفاق می افتد، ولی غیر ممکن نیست. - ۲ دو مرد را در نظر می گیریم که زنشان فوت کرده و هر کدام یک دختر دارند. اولی دختر دومی را به

عقد خود در می آورد و دومی نیز دختر اولی را به زنی می گیرد و آن دو پدر زن یکدیگر و در عین حال داماد هم محسوب می شوند. هر کدام از آنها صاحب پسری می شوند. اگر کمی فکر کنیم، متوجه خواهیم شد که هر یک از این دو پسر نسبت به دیگری هم دایی محسوب می شوند و هم خواهر زاده.

کرایه مهمانخانه : نخست حلقه سوم را پاره می کند و شب اول آنرا به مهمانخانه دار می دهد. - ۳
شب دوم حلقه اول و دوم را که بهم پیوسته بود به او می دهد و حلقه سوم را می گیرد. شب سوم، حلقه سوم را که ابتدا جدا کرده بود به مهمانخانه دار می دهد که جمعاً سه حلقه می شود. شب چهارم، چهار حلقه بهم پیوسته را در اختیار صاحب مهمانخانه می گذارد و دو حلقه بهم پیوسته و یک حلقه جدا (حلقه سوم) را می گیرد. در شب پنجم، حلقه سوم را به مهمانخانه دار می دهد. شب ششم حلقه سومی را می گیرد و حلقه های دوتایی را باو می دهد و در شب هفتم، حلقه تکی را هم بوی . تحویل می دهد و بدین ترتیب، تنها با یکبار گسستن حلقه ها، کار را به نتیجه می رساند

تخم مرغ و میلیونر: او نخست میلیارد بود، اما در اثر زیانهای پی در پی بخشی از دارائیش را از - ۴ دست داده و میلیونر شد

جواب معمای ۳ نردبان - 5

سانتیمتر فرض کنیم، بنا به داده مسئله نردبان ۱۰ m سانتیمتر و طول دیوار را e اگر طول نردبان را $e-m=10$ سانت از دیوار بلندتر است پس

در وضعیتی که پای نردبان از زیر دیوار ۷۰ سانتیمتر فاصله دارد و انتهای آنها بر هم منطبق است، مثلث قائم الزاویه ای تشکیل می شود که با حل قضیه فیثاغورث در مورد آن می توان طول نردبان را ۲۵۰ سانتیمتر و طول دیوار را ۲۴۰ سانتی متر بدست آورد

LIDA

14-10-2011, 17:52

معماهایی از فیزیک پایه

:چند سوال از مفاهیم فیزیک

هر تراموا یک خط اتصال برق و هر اتوبوس برقی دو خط اتصال برق دارد. دلیل این موضوع ۱ -
: این است که

الف - خط اتصال اضافی در اتوبوس برای نگهداری و تامین ایمنی بیشتر به کار می رود

است dc و برای تراموا ac ب - منبع برق اتوبوس

است ac و برای تراموا dc ج - منبع برق اتوبوس

د - اتوبوس بیشتر از تراموا جریان برق می کشد

ه - تراموا از ریلهایش به عنوان خط اتصال دوم استفاده می کند

پرنده ای روی یک سیم لخت با ولتاژ زیاد و بالا نشسته است، آیا او را برق می گیرد؟ - ۲

الف - بلی

ب - نه

فرض کنید یک پتوی نو و ضخیم و یک پتوی کهنه نازک دارید؛ پتوی نو یک عایق ضعیف - ۳
برای گرماست. همچنین فرض کنید در یک شب زمستانی شما می خواهید از هر دو پتو استفاده کنید.
در کدام حالت شما خود را گرم نگه می دارید؟

الف - پتوی کهنه را روی خود بکشید و پتوی نو را روی پتوی کهنه، در اینصورت پتوی نو از نفوذ
سرمای بیرون به داخل جلوگیری می کند

ب - پتوی نو را روی خود بکشید و پتوی کهنه را روی پتوی نو، در اینصورت پتوی نو از خروج
گرمای بدن به خارج جلوگیری می کند

ج - فرقی نمی کند

آیا می شود یک ولتاژ بالا بدون جریان بسیار زیاد داشت؟ - ۴

الف - بلی

ب - نه

جریان زیاد: واحد جریان الکتریسته آمپر است و گاهی جریان الکتریکی را در مقایسه با ولتاژ - ۵
آمپراژ می گویند. آیا بدون ولتاژ خیلی زیاد امکان وجود آمپراژ خیلی زیاد است؟

الف - بلی

ب - نه

اما جوابها

ه پاسخ صحیح است: مولد برقی که برق تراموا رو تولید می کند از یک طرف اتصال به زمین ۱ - دارد. بنابراین برق از مولد، از طریق یک خط اتصال به تراموا می رود و از طریق زمین به مولد بر می گردد. اتوبوس برقی چرخهای لاستیکی دارد پس نمی تواند جریان برق را از طریق زمین برگرداند . پس اتوبوس دو خط اتصالی دارد

ب صحیح است: ممکن است تصور کنید یک ولتاژ بسیار بالا مثلاً ۲۰۰۰۰۰ ولت می تواند بر ۲ - مقاومت بدن پرنده غلبه کند؛ اما منظور از این ۲۰۰۰۰۰ ولت ولتاژ تمام طول سیم نسبت به زمین است. اگر چه پرنده روی ولتاژ ۲۰۰۰۰۰ ولتی نشسته است اما در واقع تمام بدن او در همین ولتاژ است. یعنی هیچ اختلاف پتانسیلی در سرتاسر بدن پرنده وجود ندارد و می دانیم که جریان در محیط رسانا وقتی ایجاد می شود که اختلاف پتانسیلی در دو سر آن وجود داشته باشد. در این حالت اگر پرنده بالهایش را طوری باز کند که با سیم مجاور که با این سیم اختلاف پتانسیل داشته باشد آنوقت پرنده بیچاره ... اما در اصل سیمهای فشار قوی آنقدر از هم فاصله دارند که حتی اگر پرنده بالهایش را باز کند به سیم مجاور نمی رسد.

د صحیح است: پتوها نسبت بهم سری هستند یعنی گرما باید از طریق هر دو آنها خارج شود یا - ۳
سرما باید از طریق هر دوی آنها به داخل نفوذ کند. مثل الکتریسیته که از ولتاژ بالا به پایین منتقل می
شود گرما هم از از جای گرم به جای سرد می رود. حال فرض کنید که یک مقاومت بزرگ با یک
مقاومت پایین در مدار قرار گرفته اند (البته به طور سری) اگر جای این دو عوض شود در شدت
. جریان تاثیری نخواهد داشت ؛ پتوها هم عینا مثل مقاومت های سری هستند

الف صحیح است: بارهای همنام همدیگر را دفع و غیر همنام همدیگر را جذب می کنند و برای - ۴
جدا کردن این بارهای بهم چسبیده صرف انرژی لازم است و تا هنگامی که این دو بار از هم دور نگه
داشته شوند انرژی ذخیره می شود و انرژی پتانسیل حاصل می شود. در مورد بارها این انرژی ، انرژی
پتانسیل الکتریکی نام دارد. که بدون وجود جریان الکتریکی بالا با واحد ولت ایجاد می گردد. حال
اگر پلی رسانا بین محل های دوبار مخالف ایجاد شود بار از طریق پل به حرکت در آمده و جریان
برقرار می شود. مثال باتری اتومبیل

الف صحیح است: مقدار جریان در هر مداری نه تنها به ولتاژ بلکه به مقاومت نیز بستگی دارد. - ۵
اگر مقاومت رسانا خیلی کم باشد، ولتاژ بسیار اندکی می تواند جریانی خیلی زیاد در مدار برقرار کند.
مقاومت بعضی از مواد هنگامی که تا دماهای خیلی پایین سرد می شود صفر است که به این مواد

ابرسانا می گویند. ولتاژهای خیلی پایین می توانند جریانهای بزرگی را در مواد ابررسانا تولید کنند.
در واقع در هر مدار ابررسانا جریان حتی بعد از قطع چشمه ولتاژ تا بینهایت برقرار می ماند

LIDA

17-10-2011, 14:06

زندانی دارای دو در است، یکی در آزادی و دیگری درِ اعدام. این زندان دارای دو زندانبان - ۱ است که یکی از آنها راستگو و دیگری دروغگوست. خود زندانبانان همدیگر را به خوبی می شناسند. در این زندان مردی محبوس است که نمی داند کدامیک از زندانبانان راستگو، و کدامیک دروغگو است؟ به او اجازه میدهند، از هر یک از زندانبانان که دلش می خواهد سؤالی بکند و از پاسخ طرف مقابل بفهمد در آزادی کدام است تا از آن خارج شود. پرسشی که او باید بکند تا به آزادی او بینجامد چیست؟

دو مرد نسبت به هم، دایی و خواهر زاده اند. یعنی اولی دایی دومی و خواهر زاده اوست، دومی نیز - ۲ دایی اولی و خواهرزاده وی می باشد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

شخصی مدت هفت شب در مهمانخانه ای منزل می کند و چون پول نقد برای پرداختِ کرایه - ۳ مهمانخانه را ندارد، قرار می گذارد از هفت حلقه بهم پیوسته طلا که به همراه دارد، هر شب یکی از آنها را به جای کرایه به مهمانخانه دار بپردازد. اما می خواهد بیش از یکبار آن حلقه ها را از هم نگسلد. چطور چنین چیزی ممکن است؟

شخصی تخم مرغ را دانه ای ۷۰ ریال خرید و دانه ای ۵۰ ریال فروخت و سرانجام میلیونر شد! - ۴
چطور چنین چیزی ممکن است؟

قمارباز بدبختی در یک بازی ۱۵۰۰۰ ریال باخت. این پول از سکه های ۱۰ ریالی و ۵۰ ریالی و 5-
اسکناسهای ۱۰۰ ریالی و ۵۰۰ ریالی تشکیل شده بود. آیا می توانید شمار هر کدام از سکه ها و
اسکناسها را بیابید. در صورتی که تعداد سکه های ۵۰ ریالی ۱۰ برابر سکه های ۱۰ ریالی و تعداد
اسکناسهای ۵۰۰ ریالی دو برابر اسکناسهای ۱۰۰ ریالی بوده است؟

.....

زندانی : به یکی از دربانها نزدیک شده، از او می پرسد: « آقا، اگر من از دربان دیگر بپرسم که - ۱
در آزادی کدام است، کدام در را نشان خواهد داد؟» هر دری را که دربان نشان دهد، می فهمد آن
در، درِ اعدام است لذا برعکس عمل کرده، از در دیگر خارج خواهد شد. چرا؟ علتش آن است که
اگر جمله فوق را از دروغگو بپرسد، او چون دروغگوست، بجای درِ آزادی، درِ اعدام را نشان خواهد
داد لذا او برعکسش کرده، از در دیگر خارج می شود. و اگر از دربان راستگو بپرسد، چون او
راستگوست، عین عبارت دروغِ دروغگو را بیان خواهد کرد و خواهد گفت: اگر از آن شخص
(دروغگو) بپرسی فلان در را نشان خواهد داد و چون دروغگو، درِ اعدام را بجای درِ آزادی معرفی
خواهد کرد و عین گفته او رانیز راستگو تکرار کرده، مرد محبوس آنرا برعکس نموده از در آزادی
خارج خواهد شد

خویشاوندی: هر چند که این نوع خویشاوندی به ندرت اتفاق می افتد، ولی غیر ممکن نیست. - ۲

دو مرد را در نظر می گیریم که زنشان فوت کرده و هر کدام یک دختر دارند. اولی دختر دومی را به عقد خود در می آورد و دومی نیز دختر اولی را به زنی می گیرد و آن دو پدر زن یکدیگر و در عین حال داماد هم محسوب می شوند. هر کدام از آنها صاحب پسری می شوند. اگر کمی فکر کنیم، متوجه خواهیم شد که هر یک از این دو پسر نسبت به دیگری هم دایی محسوب می شوند و هم خواهر زاده.

کرایه مهمانخانه: نخست حلقه سوم را پاره می کند و شب اول آنرا به مهمانخانه دار می دهد. - ۳

شب دوم حلقه اول و دوم را که بهم پیوسته بود به او می دهد و حلقه سوم را می گیرد. شب سوم، حلقه سوم را که ابتدا جدا کرده بود به مهمانخانه دار می دهد که جمعاً سه حلقه می شود. شب چهارم، چهار حلقه بهم پیوسته را در اختیار صاحب مهمانخانه می گذارد و دو حلقه بهم پیوسته و یک حلقه جدا (حلقه سوم) را می گیرد. در شب پنجم، حلقه سوم را به مهمانخانه دار می دهد. شب ششم حلقه سومی را می گیرد و حلقه های دوتایی را باو می دهد و در شب هفتم، حلقه تکی را هم بوی تحویل می دهد و بدین ترتیب، تنها با یکبار گسستن حلقه ها، کار را به نتیجه می رساند.

تخم مرغ و میلیونر: او نخست میلیارد بود، اما در اثر زیانهای پی در پی بخشی از دارائیش را از - ۴

دست داده و میلیونر شد

:با تشکیل چند معادله از اطلاعات مسئله براحتی جواب بدست می آید --5

سکه ده ریالی ، ۱۰۰ سکه پنجاه ریالی، ۹ اسکناس صد ریالی و ۱۸ اسکناس پانصد ریالی ۱۰

LIDA

21-07-2012, 12:03

!! چیستان برای تست هوش شما

.معمایی آماده کردیم که می توانید هوش خود را بسنجید

:سوال اول

یه چوپان بود که یک گرگ و یه بز و یه گونی علف داشت. این چوپان تو بیابانه و میخواد بره شهر.

.حالا هم باید گرگ هم بز هم علفا رو باخودش بره

.سوال اینه که آقا چوپان چطوری باید این سه تا رو ببره شهر

:نکات

هر دفعه که میخواد بره شهر فقط میتونه یه چیز رو با خودش ببره. اگر علف رو اول ببره گرگ بز رو

میخوره اگر گرگ رو اول ببره بز علف رو

میخوره و اگر اونور شهر باز هم بز و گرگ یا بز و علف در کنار هم باشند و چوپان تو بیابان باشه یکی

.خورده میشه

=====

=====

=====

:سوال دوم

.فرض کنید یه رود خونه خیلی طویل بین یه شهر و یه بیابان باشه

.نفر تو بیابان اند به اسمهای رضا و علی و محمد و میخوان برن شهر 3

.یه قایق هم وجود داره که راننده نداره

.وزن رضا 200 کیلو است، اما وزن علی و محمد هر کدام 100 کیلو

.قایق هم فقط و فقط میتونه وزن 200 کیلو رو تحمل کنه

.حالا به نظر شما این سه تا چطوری میتونن با قایق برن شهر؟ نکته انحرافی هم نداره

.

.

.

.

.

▪

:جواب سوال اول

اول بز رو میبره شهر بعد بر میگردد بیابان گرگ رو میبره شهر همزمان گرگ رو که گذاشت شهر بز رو بر میداره میاره بیابان و بز رو همونجا میداره و علف رو بر میداره میبره پیش گرگ تو شهر (چون گرگ علف نمیخوره) بعد هم بر میگردد بیابان خودش و بز میان شهر و با خوبی و خوشی میرن سر .
خونه زندگیشون

:جواب سوال دوم

اول علی و محمد با قایق میرن اونور رودخونه (چون وزنشون روهم میشه 200 کیلو) علی تو شهر پیاده میشه اما محمد با قایق برمیگرده بیابان. قایق رو میده دست رضا (چون رضا وزنش 200 کیلوه باید خودش تنها سوار قایق بشه) و خودش تو بیابان پیاده میشه. رضا هم میره شهر و قایق رو میده دست علی که تو شهر بود و میگه برو محمد رو بیار. علی هم میره محمد رو میاره

LIDA

21-07-2012, 12:08

شخصی چگونه بدون استفاده از هواپیما خود را دو ساعته از تهران به مشهد می رساند؟

..

▪

جواب: آن شخص از ماشین یا قطار یا وسیله دیگری (غیر از هواپیما) برای سفر استفاده می کند، در حالیکه دو ساعت به میچ خود بسته یا در جیب خود گذاشته بود

... زندانی دارای دو در است، یکی در آزادی و دیگری درِ سیاهچال

زندانی دارای دو در است، یکی در آزادی و دیگری درِ سیاهچال. این زندان دارای دو زندانبان است که یکی از آنها راستگو و دیگری دروغگوست. خودِ زندانبانان همدیگر را به خوبی می شناسند. در این زندان مردی محبوس است که نمی داند کدامیک از زندانبانان راستگو، و کدامیک دروغگو است؟ به او اجازه می دهند، از هر یک از زندانبانان که دلش می خواهد سؤالی بکند و از پاسخ طرف مقابل بفهمد در آزادی کدام است تا از آن خارج شود. پرسشی که او باید بکند تا به آزادی او بینجامد چیست؟

..

: پاسخ چیستان و معما

به یکی از دربانها نزدیک شده، از او می پرسد: « آقا، اگر من از دربان دیگر پرسم که در آزادی کدام است، کدام در را نشان خواهد داد؟ » هر دری را که دربان نشان دهد، می فهمد آن در، درِ سیاهچال است لذا برعکس عمل کرده، از در دیگر خارج خواهد شد. چرا؟ علتش آن است که اگر جمله فوق را از دروغگو پرسد، او چون دروغگوست، بجای درِ آزادی، درِ سیاهچال را نشان خواهد داد لذا او برعکسش کرده، از در دیگر خارج می شود. و اگر از دربان راستگو پرسد، چون او راستگوست، عین عبارت دروغِ دروغگو را بیان خواهد کرد و خواهد گفت: اگر از آن شخص

(دروغگو) پرسی فلان در را نشان خواهد داد و چون دروغگو، درِ سیاهچال را بجای درِ آزادی معرفی خواهد کرد و عین گفته او رانیز راستگو تکرار کرده، مرد محبوس آنرا برعکس نموده از در آزادی خارج خواهد شد

پس از آن که شمعی روشن بود، سر دیگر آن را نیز روشن کردیم و یک سوم ساعت دیگر طول کشید تا شمع سوخت . اگر شمع در آغاز از دو طرف روشن شده بود و یک سر آن تنها زمانی که یک سوم میانی آن باقی مانده بود ، خاموش می شد، سوختن شمع چه مدت طول می کشید؟

.

.

جواب : طریق دوم در واقع عکس طریق اول است . در این طریق نیز سوختن دو سوم ساعت طول می کشد .

LIDA

21-07-2012, 12:12

سه نفر سیاهپوست و سه نفر سفید پوست می خواهند با قایقی که بیش از دو نفر گنجایش ندارد از رودخانه ای بگذرند. سفیدپوستها رانندگی قایق را بلدند اما یکی از سیاهپوستها رانندگی قایق را نمی داند. اگر تعداد سیاهپوستها بیش از سفیدپوستها باشد آنها را خواهند خورد. مثلاً نمی توان دو نفر سیاهپوست و یک سفید پوست راتنها کنار هم گذاشت. اما سفید پوستها آدمخوار نیستند و اگر تعدادشان زیاده از سیاه پوستها باشد با آنها کاری نخواهد داشت. چگونه می توان این گروه شش

نفری را از رودخانه عبود داد، بدون اینکه به هیچیک از آنان آسیبی رسد؟

.....

پاسخ: نخست یک نفر سیاهپوست (که قایقرانی بلد نیست) به همراه یک سپید پوست به آنسوی رودخانه می روند. سیاهپوست آنطرف رودخانه می ماند و سفیدپوست قایق را بر می گرداند. بار دوم یک سیاه پوست و یک سفید به آنسوی رودخانه می روند سیاه پوست پیاده می شود و سفید پوست بر می گردد. بار سوم باز هم یکنفر سپیدپوست به همراه یک سیاه پوست به آنسوی آب می رود، سیاه پیاده می شود و سفید قایق را بر می گرداند، بار سوم دو سفید پوست قایق را به آنسوی رودخانه می برند هر دو پیاده می شوند و یکی از سیاهپوستها قایق را بر می گرداند و برای چهارمین بار یک سیاهپوست و یک سفید پوست باقیمانده به آنسوی رودخانه می روند و باین ترتیب به هیچیک از آنان آسیبی نمی رسد.

چرا شکارچی به هنگام شکار، یک چشمش را می بندد؟

.....

پاسخ: زیرا اگر دو چشمش را ببندد، جایی و کسی را نخواهد دید و قادر به شکار نخواهد بود

منظور از جمله «شیخ الحديد مال جديد الاصم شما بود» چیست؟

▪
▪

جواب: با توجه به اینکه معنی شیخ «پیر» و معنی حديد «آهن» و معنی جديد «نو» و معنی اصم «گر»
«است، پس معنی جمله مزبور چنین می شود: «پیراهن مال نو گر شما بود

H-m-b-a-a4-b-r : عبارت زیر را بخوانید

» پاسخ: عبارت مزبور چنین خوانده می شود: «هاشم بیا آچار بیار

شخصی تخم مرغ را دانه ای 70 ریال خرید و دانه ای 50 ریال فروخت و سرانجام میلیونر شد!
چطور چنین چیزی ممکن است؟

..

پاسخ: او نخست میلیارد بود، اما در اثر زیانهای پی در پی بخشی از دارائیش را از دست داده و میلیونر شد

LIDA

21-07-2012, 12:15

!وش جالب و آموزنده

جای علامت سوال چه عددی می گذارید؟

$$5 = 1$$

$$25 = 2$$

$$125 = 3$$

$$625 = 4$$

$$? = 5$$

.

.

.

. جای علامت سوال باید عدد 1 را قرار داد.

اگر قبول ندارید خط اول را به یاد بیاورید: $1=5$

زنی را در خیابان دیدم که پسر بچه ای را به دنبال داشت. از او پرسیدم: این پسر با توجه نسبتی دارد؟

گفت: «او پسرِ پسرَم است، برادر شوهرم»، چطور چنین چیزی ممکن است؟

..

جواب: تنها در صورتی ممکن است که دو دوست، هر یک با مادر شوهر مرده یا مطلقه دیگری ازدواج کنند و هر یک از آن مادران پسری دنیا آورند. این پسر برای زن دیگر، حکم پسرِ پسر و برادرِ شوهر را دارد.

... بمن غذا بده میمونم ، بمن آب بده میمیرم؟

این چیه: بمن غذا بده میمونم ، بمن آب بده میمیرم؟

:پاسخ پایین صفحه

.

جواب: آتش

آن چیست که تا اسمش را به زبان می رانی می شکند؟ - 1

آن چیست که پدر و پسر دارند اما مادر ندارد؟ - 2

سکوت - 1

نقطه - 2

21-07-2012, 12:19

... چراغ راهنمایی و رانندگی که روبروی خیابان است قرمز است

چراغ راهنمایی و رانندگی که روبروی خیابان است قرمز است، افسر راهنمایی هم در آنجا ایستاده است، با اینحال راننده ای از چراغ قرمز می گذرد و کسی مزاحم او نمی شود. چطور چنین چیزی ممکن است؟

.

آن راننده پیاده بوده است، بنابراین افسر راهنمایی کاری باو ندارد

یکنفر اهل منطق به شهری وارد شد و تصمیم گرفت نزد سلمانی برود و سروصورتش را اصلاح کند. آن شهر دو سلمانی بیشتر نداشت. وقتی مرد بسراغ نخستین سلمانی رفت، او را با سروصورتی آشفته و پرپشت و موهای ژولیده و نامرتب و هنگامی که به سراغ دومین سلمانی رفت، او را با موهایی بسیار مرتب و ریشی تراشیده یافت. لذا تصمیم گرفت نزد نخستین سلمانی برود و سروصورتش را بپیراید. چرا او چنین تصمیمی گرفت؟

جواب: زیرا با نگاه کردن به موهای نخستین سلمانی، فهمید او توسط دومین سلمانی که مردی ناشی بوده سلمانی شده است؛ اما سلمانی دوم که موهایی مرتب و منظم داشته، توسط سلمانی اول اصلاح

شده است. بنابراین تصمیم گرفت نزد نخستین سلمان‌ی برود و چون شنیده بود «سلمان‌ی‌ها وقتی بیکار می‌شوند، سر یکدیگر را اصلاح می‌کنند

آن چیست که بی‌زبان سخن می‌گوید - 1
از قول من و تو قصه‌ها می‌گوید

با آن که در او نیست نه دندان و نه لب
بی‌پرده ز کار این و آن می‌گوید

چيست آن، کز چشمه‌ای آید برون - 2
بی‌هدف ره می‌برد با قلب خون

مدتی بر دشت خشکی چون برفت
می‌شود از سنگ سختی سرنگون

آن چیست که ارغوان‌قبایی دارد - 3
بیرون و درون شهر جایی دارد

گرد است و مدور است و تاجش بر سر
مانند دم موش پایی دارد

⚡ پاسخها انتهای صفحه

-
-
-
-
-
-
-
-
-

کتاب - 1

اشک چشم - 2

چغندر - 3